

۲۴ ماهنامه جلال

نیاز اندیشه روز

این شماره: مشکلات و داوری های ارزشی

شماره بیست و چهارم :: اسفند ماه ۱۴۰۰
ترسیم اندیشه های سازنده برای زندگی در حال تحول



قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان



ماهنامه جلا :: نیاز اندیشه (روز)

Brilliance Monthly

آینده و تفکر به هم پیوند فورده اند

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهرزاد تولیت
- امور اجرایی: مریم علاءالدینی
- هماهنگی: سارا فردرو
- اطلاع رسانی: محمدرضا پیری
- نشانی پایگاه اینترنتی: Fekrvarzi.ir
- آدرس: تهران، پاسداران، ابتدای گیلان، پلاک ۲۰، واحد ۱۰
- کد پستی: ۱۶۶۴۸۵۷۴۱۱
- سر دبیر: محسن فردرو
- بهمکاری گروه نویسندگان - گروه کارشناسی دفتر آینده پژوهی
- طراحی و صفحه آرایی: محبوبه براهیمیان
- تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۹۵۵۲
- چاپخانه: گنجینه مینیاتور
- قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

علاقتمندان می‌توانند مطالب، دیدگاه‌ها و آثار فرهنگی و هنری خود را برای
انتشار به آدرس Fekrvarzi@gmail.com ارسال نمایند

فهرست مطالب

- ۴ - سخن سردبیر.....
- ۵ - بحران های در حال ظهور.....
- ۶ - مشکلات خود ساخته کدامند؟.....
- ۷ - اهمیت مسائل اجتماعی.....
- ۸ - رضامندی عمومی.....
- ۹ - شرایط محیطی.....
- ۱۰ - مشکلات اجتماعی.....
- ۱۲ - ده مشکل بزرگ جهان.....
- ۱۳ - شاهنامه؛ حماسه ای انسانی.....
- ۱۴ - فن آوری منشا خیر است یا شر؟.....
- ۱۵ - دیپلماسی ورزشی.....
- ۱۶ - مشکل فرهنگی ما.....
- ۲۰ - فرهنگ ها و رفتارهای جمع گرایانه و فرد گرایانه.....
- ۲۲ - موانع تصمیم گیری موثر.....
- ۲۴ - نیاز به اطلاعات تجاری.....
- ۲۶ - خلیج فارس دنیایی از نعمت ها و ظرفیت ها.....
- ۲۷ - کتاب محیط و رفتار اجتماعی.....
- ۲۸ - نگاهی به کتاب محیط و رفتار اجتماعی.....
- ۲۹ - مسائل اساسی جامعه ایران.....
- ۳۰ - نگاهی به آفات و چالش های انقلاب اسلامی.....
- ۳۴ - اخراج پرتغالی ها از خلیج فارس.....
- ۳۵ - مهاجران موسوی.....

- ۳۶ - پیشگفتار مؤلف کتاب مهاجران موسوی،
- ۴۰ - سوره یوسف.
- ۴۲ - فصل رهایی از اندوه.
- ۴۴ - تحولات فرهنگی.
- ۴۵ - حامیان این شماره ماهنامه.

فرم اشتراک سالیانه ماهنامه جلا

سال ۱۴۰۱

شماره ۱۲

خواهشمند است بهای اشتراک ماهنامه را به حساب ۳۵۳۹۸۹۷۷۹۸ به نام شهرزاد تولیت واریز و مشخصات واریزی را به ایمیل Fekrvarzi@Gmail.com ارسال نمایید.

تعرفه مشترکان داخل کشور:

نوع اشتراک سالیانه ماهنامه مکتوب به تعداد ۱۲ شماره ماهانه در مجموع ۷۲۰ هزار تومان به همراه هزینه ارسال پست داخلی

نوع اشتراک سالیانه ماهنامه بصورت پی دی اف به تعداد ۱۲ شماره ماهانه در مجموع ۴۲۰ هزار تومان
مشخصات متقاضی:

نام: نام خانوادگی :

تلفن:

نشانی:

آدرس ایمیل:

نوع اشتراک مورد تقاضا را تعیین فرمایید:

بصورت مکتوب

بصورت PDF

مبلغ واریز شده..... ریال به شماره فیش بانکی..... تاریخ واریز.....

خواهشمند است تقاضای اشتراک را به همراه مشخصات پرداخت مالی به ایمیل ذیل ارسال نمایند.

Fekrvarzi@Gmail.com

سخن سردبیر

محسن فردرو



در این شماره به "مشکلات خود ساخته" می پردازیم. مشکلاتی که ساخته دست خود ما انسان ها می باشد و طبیعت و نیروهای فراتر از آن در ایجاد آن نقشی نداشته اند. مشکلاتی که راه حل آن در گرو شناخت علل زمینه ساز آن و تغییر در افکار و رفتارهای ما در زندگی جمعی نهفته است. بسیاری از مشکلات اجتماعی امروز در جهان مشکلات دست ساخته انسان ها می باشد ، تعصب ، نژاد گرایی ، قومیت گرایی ، فقر، خشونت ، جنایت ، جنگ و هزاران مشکل نمونه آن گاه به دست سازمان ها و شرکت ها و دولت ها و گاه بدست جوامع و گاه بوسیله تک تک افراد بشر ایجاد شده اند. ما به آن بخش مردمی و فرهنگی از مشکلات می پردازیم که به افکار و رفتارهای ما بر می گردد. معمولا هر یک از ما آشکارا برای تشخیص مشکلات جمعی از داوری های ارزشی فردی خود کمک می گیریم و هر یک ناگزیر به انتخاب موضعی ارزشی برای تشخیص مشکلات هستیم. آنچه مهم است توجه به مواردی از مشکلات است که بصورت مشترک توسط آحاد جامعه تشخیص داده می شود و حل آنها بیشترین اثر و کارایی را در زندگی جمعی خواهد گذاشت. برای پرداختن به این مهم به رویکردی میان رشته ای و کلان نگر نیاز است که در موقعیت های طبیعی زندگی مردم به کنکاش می پردازد و جغرافیای فرهنگی و موقعیت های میدانی و کاربردی را مد نظر دارد . گفته اند بسیاری از مشکلات خود ساخته، ریشه در روندهای تضعیف شده فرهنگی دارد . دو روند مهم از آسیب های فرهنگی قابل اشاره در جامعه ما ، گرایش روز افزون به ارزش های مادی و گرایش به فرد گرایی به مفهوم توجه به منافع فردی در مقابل مصالح جمعی است . امیدوارم ما را در تکمیل مباحث یاری فرمایید.



بحران های در حال ظهور



جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ از ۷ میلیارد به حدود ۹.۳ میلیارد افزایش خواهد یافت. به این ترتیب ۶۹ نفر در زمینی به مساحت یک کیلومتر مربع خواهند بود (بدون قطب جنوب). البته رشد جمعیت بویژه در مناطقی رخ خواهد داد که اکنون نیز دارای مشکلاتی همچون فقر، کم آبی و تولید ناکافی کشاورزی هستند. در آینده در این مناطق کوچ ها و تنش های قومی انتظار می رود. به احتمال زیاد متوسط سن جمعیت جهان از تقریباً ۲۸ سال به ۳۸.۱ در سال ۲۰۵۰ افزایش می یابد. به این ترتیب بیش از ۲ میلیارد نفر خواهند بود که بیش از ۶۰ سال سن دارند؛ از سال ۲۰۰۸ تا کنون بیش از نیمی از بشریت در شهرها زندگی می کنند که تعدادشان در دهه های پیش رو همواره افزایش خواهد یافت - در سال ۲۰۵۰ به سه چهارم خواهد رسید. بسیاری از شهرهای بزرگ به کلان شهرهایی با بیش از ۱۰ میلیون جمعیت تبدیل خواهند شد؛ در بیشتر شهرها مشکلات محیط زیست (آلودگی آب و هوا، بی آبی، انبوه زباله، تصفیه نامناسب فاضلاب) و فقر افزایش خواهند یافت. در حال حاضر حدود ۳۰٪ از ساکنان شهرها - حدود ۱ میلیارد نفر - در محله های فقیرنشین زندگی می کنند؛ احتمالاً در سال ۲۰۴۰ به ۲ میلیارد نفر خواهند رسید. در سال های آتی انواع بحران های کنونی و در حال ظهور بر مسائل جهان تسلط خواهند داشت.

از کتاب تعلیم و تربیت آینده محور - موسسه مطالعات توسعه فرهنگی



مشکلات خود ساخته کدامند؟

مشکلات خود ساخته اشاره به مشکلاتی دارد که توسط افراد جامعه و بدست خودمان بوجود آمده است و عناصر و پدیده های طبیعی و فرا طبیعی در آن نقش ندارند. برخی مشکلات خود ساخته بصورت مستقیم نتیجه کم کاری و بی دقتی و بکارگیری راهبردهای اشتباه در یک جامعه واحد است و برخی مشکلات خود ساخته نیز بصورت غیر مستقیم و در روند طولانی فعالیت های عمومی بشری بوجود آمده اند. برای مثال گرم شدن زمین یک پدیده طبیعی است اما بصورت غیر مستقیم و در نتیجه فرایند صنعتی شدن جوامع، زمین را دچار بحران نموده است و تمام جوامع بشری را در بر گرفته است. یا مشکل ریزگردها بصورت غیر مستقیم نتیجه عدم توجه و پیش بینی کشورهای منطقه در جلوگیری از حرکت شن های روان بوجود آمده است. بحران آب می تواند بصورت غیر مستقیم نتیجه گرم شدن زمین باشد و بصورت مستقیم می تواند در جامعه ما بدلیل عدم توجه به مدیریت منابع آب زیر زمینی و مصرف بی رویه منابع آبی کشور باشد. شاید بتوان اشاره کرد که بخش بزرگی از مشکلات خود ساخته، ریشه در ضعف فرهنگی جوامع دارد. مصرف بی رویه منابع، علاوه بر اینکه متاثر از عدم سیاستگذاری اجتماعی است می تواند ریشه در فرهنگ مصرف و عدم حفظ منابع و عدم قدرشناسی از منابع طبیعی باشد.

جامعه ایران به علت روندهای اجتماعی و اقتصادی مختلف با مشکلات متعددی روبه رو شده است و معمولا حجم انبوهی از آسیب های اجتماعی از اعتیاد، فقر و بیکاری و رشد شهر نشینی و ... شمارش می شود و هر چه مشکلات بیشتر و انباشته تر می شود، راه حل های فوری بیشتر (یا به اصطلاح راهبرد کیسه شن) مد نظر قرار می گیرد. عدم توافق نخبگان و مدیران اجرایی در چگونگی حل مشکلات خود ساخته به ابهام مسائل می انجامد و مهم تر از همه تغییر در نظام ترجیحات ارزشی جامعه به سوی ارزش های مادی و فردی گرایش نموده است و در مجموع ظرفیت های معنوی و یا غیرمادی توسعه کشور را دچار فرسایش می نماید.

مشکل فرهنگی اصلی این است که ترجیحات ارزشی جامعه به سوی پول و قدرت سوق داده شده و این دو ملاک ارزش گذاری افراد شده است. میزان سرمایه اجتماعی و همبستگی و اعتماد، کاهش یافته و اثرات آن بر ایجاد مشکلات اجتماعی دو چندان شده است. عدم مسئولیت پذیری، و عدم تعهد اجتماعی و عدم رعایت اخلاق جمعی و زوال اخلاق فردی، موجب تضعیف جامعه و برنامه ریزی فرهنگی شده است.

اگر چه فضای واقعی جامعه از فضای ذهنی افراد جامعه بهتر است و احساس زوال و محرومیت بزرگ تر از مشکلات واقعی گزارش می شود، اما لزوم اصلاح فضای ذهنی افراد هم با توجه به حجم القانات منفی رقبا به راحتی اتفاق نخواهد افتاد.



اهمیت مسائل اجتماعی



کردند و پس از آن نیز بیکاری (۶/۳۰ درصد) را انتخاب نمودند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲). هنگامی که از پاسخ دهندگان سؤال شد مهم ترین نگرانی و دغدغه آنان چیست، نسبت بزرگ تری از آنان (۸/۲۰ درصد) اشتغال و پس از آن مشکلات اقتصادی (۱/۱۹ درصد) و بالأخره آینده فرزندان و جوانان (۴/۱۷ درصد) را برگزیدند.

همچنین مطالعه شناسایی و اولویت بندی آسیب های اجتماعی شایع در نقاط روستایی به منظور شناسایی آسیب های شایع در مناطق روستایی به منظور شناسایی آسیب های شایع در مناطق روستایی و تعیین شایع ترین آن ها در روستاهای ۱۰ استان کشور انجام شده است. براساس نتایج این مطالعه از میان ۲۴ مشکل اجتماعی مطرح شده در پرسشنامه مسائل و آسیب های اجتماعی که در بیش از ۵۰ درصد روستاهای مورد مطالعه وجود داشته اند، مشکل فقر اقتصادی (۲/۸۶٪)، بیکاری (۸۳٪)، بالا رفتن سن ازدواج دختران (۷۸٪)، ترک تحصیل در مقطع متوسطه (۸/۷۷٪)، اعتیاد به مواد مخدر (۷۵٪)، بالا رفتن سن ازدواج در پسران (۸/۶۹٪)، مهاجرت دائمی (۱/۶۹٪)، استعمال دخانیات در نوجوانان و جوانان (۱/۶۵٪)، طلاق (۶/۶۱٪)، کودکان فاقد سرپرست مؤثر (۴/۵۹٪) و مهاجرت فصلی (۹/۵۶٪) مهم ترین مشکلات اجتماعی مناطق روستایی بوده اند (امیر احمدی، ۱۳۸۴).

مطالعه ارزش ها و نگرش های ایرانیان توسط دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو مرحله در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ انجام شده است. یکی از متغیرهای مورد بررسی در این طرح اهمیت مسائل اجتماعی از نظر پاسخ دهندگان شامل افراد بالاتر از ۱۵ سال خانوارهای ۲۸ مرکز استان کشور است. در سؤال مربوطه ضمن ارائه فهرستی از مسائل اجتماعی نظر پاسخگویان درباره اهمیت آن مسئله و این که تا چه حد آن را جدی و مهم ارزیابی می کنند، بررسی شده است. مطابق نتایج مطالعه مهم ترین مشکلات اجتماعی از دیدگاه پاسخ دهندگان به ترتیب عبارت بوده اند از: بیکاری (۵/۹۳ درصد)، گرانی (۲/۹۳ درصد)، اعتیاد (۳/۸۹ درصد)، پارتی بازی (۱/۸۷ درصد).

موج دوم طرح ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۸۱ اجرا و گزارش آن در زمستان سال ۱۳۸۲ منتشر شد. روش شناسی طرح تقریباً از روش استفاده شده در موج اول اجرای این همایش تبعیت می کرد و جمعیت نمونه آن برابر ۴۵۸۱ نفر در ۲۸ استان کشور بود. در این پژوهش نیز مثل موج اول آن از پاسخ دهندگان سؤال شده بود که به نظر آن ها کدام یک از مسائل اجتماعی در جامعه رواج دارند. وقتی از پاسخ دهندگان خواسته شد تا نظرشان را درباره مهم ترین مشکلات کشور اعلام کنند، بالاترین نسبت پاسخ دهندگان (۱/۴۷ درصد) به مشکلات اقتصادی اشاره



رضامندی عمومی

آشوب های روانی حاصل از جنگ در منطقه بوده است. بدین ترتیب آنها پی بردند که شاخص های عاطفی و احساسی می تواند موثر تر از شاخص های اقتصادی در رضایت مندی و یا عدم رضایت عمومی باشد.

این نوع مطالعات نشان میدهد که به سادگی و راحتی نمی توان مشکلات را به رضامندی و عدم رضایت همه مردم در سطوح مختلف تعمیم داد. امروزه در کشور ما حجم گسترده ای از تحلیل های اولیه و نظریات در شبکه های اجتماعی در حال چرخش و دست بدست شدن هستند که گزارش های نادرستی از مشکلات و نارضایتی را توزیع می کنند و موجب سردرگمی دست اندرکاران امور اجتماعی می شوند.

از سوء گیری های خطی و جناحی و سیاسی و تبلیغی که بگذریم برای بررسی رضامندی عمومی، به مطالعات کیفی و تداومی و قابل مقایسه نیاز است تا رضامندی را در موقعیت های مختلف در اقشار گوناگون سنجش و مقایسه و تحلیل نماید. بدون تردید بخشی از خشنودی و عدم رضایت می تواند اثر عاطفی یا احساسی تلقی شود که در موقعیت های مختلف اجتماعی بوجود می آید و ممکن است در طول سال های مختلف تغییرات فراوانی داشته باشد.

در دهه ۸۰ میلادی مطالعه ای توسط محققان اجتماعی در یکی از کشورهای غربی انجام گرفت تا رضامندی عمومی از زندگی مورد بررسی قرار گیرد. ۲۲ درصد از افراد مورد سنجش کاملاً از زندگی خود خشنود بودند و ۶۰ درصد سطوح متفاوتی از رضامندی را ابراز داشتند. بخشی هم بی تفاوت و تنها ۷ درصد میزانی از نارضایتی را اعلام کردند. میزان نسبی رضامندی کلی با رضامندی در سطوح خرد متفاوت بود. برای مثال در همین سنجش افراد مطلقه در زمینه ازدواج کمترین رضامندی کلی را از زندگی داشتند. افراد کمتر از ۳۵ سال خوشحال ترین گروه سنی و افراد ۷۵ سال به بالا ناخشنودترین افراد بودند. افراد بزرگسال جوان اگر چه خوشحال بودند اما در مورد آرزو و توقع هایشان ناراضی بودند چرا که نسبت به آینده نگران بودند. در همین سنجش تفاوت رضامندی از تعلیم و تربیت و بهداشت و مسکن در بین اقشار مختلف متفاوت بود. بیش از همه نگرانی در بین سطوح مختلف وجود داشت و معتقد بودند که جامعه آنها سیر قهقرایی را طی می کند.

محققان تحقیق مورد نظر متوجه شدند که در جامعه مورد نظرشان افزایش خشنودی در شرایطی بوده است که بیکاری و تورم و بحران اقتصادی رخ داده است و در مقایسه متوجه شدند که دورانی که ناخشنودی عمومی افزایش داشته است حاصل

شاخص های قلمرو رضامندی

و رضامندی را دارند. محققان بعدی نشان دادند که کیفیت زندگی متاثر از ۱۵ نیاز کلیدی مشتمل بر نیازهای جسمی و شخصی و اجتماعی است.

سنجش موسسه گالوپ در دهه هشتاد میلادی در پیمایش بین المللی از ۶۰ کشور جهان نشان داد که مناطق ثروتمند جهان معمولاً سطوح میانگین بالاتری از خشنودی

شاخص هایی که معمولاً در سنجش رضامندی مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از: زندگی خانوادگی ازدواج درآمد خانوار دوستان پس انداز کار مسکن همسایگان بهداشت تعلیم و تربیت

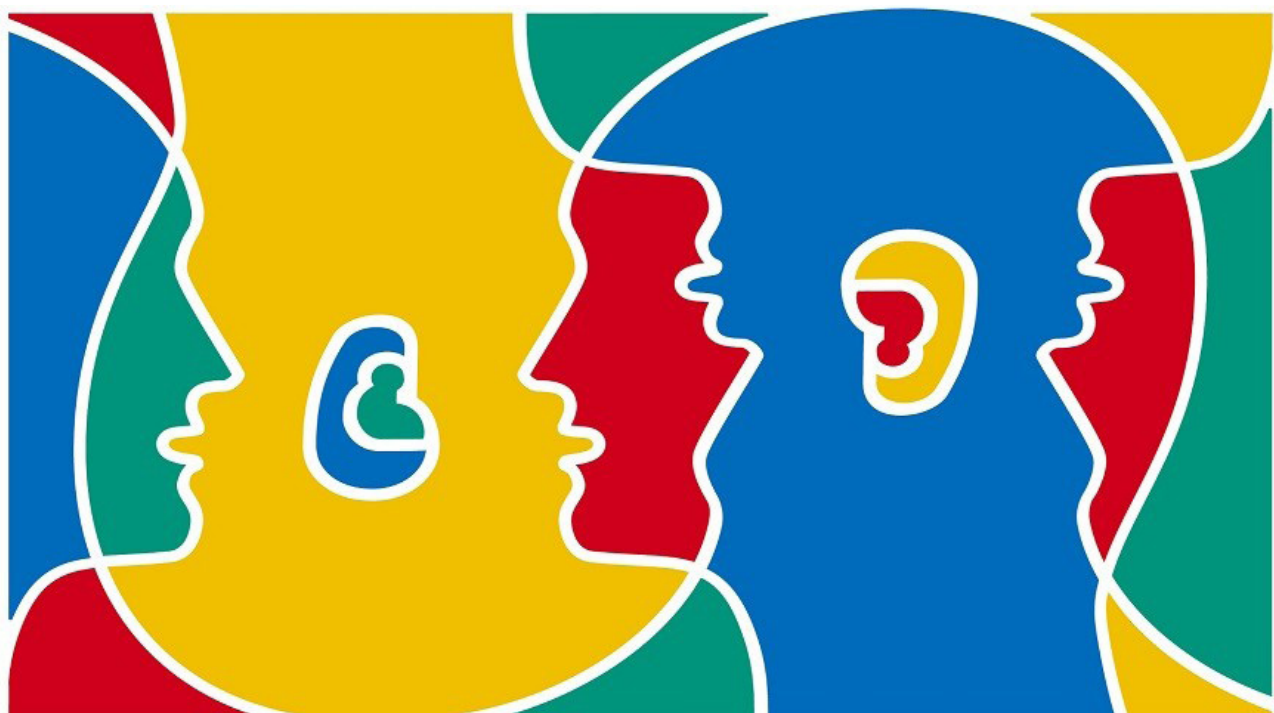
شرایط محیطی

فراسوی محتوایی رسانه ها می پردازد و انگیزه های مردم از وقت گذرانی با رسانه ها را و آثار آنها بر میزان خشنودی و رضایت مندی از زندگی شان مورد تحلیل قرار می دهد. نیاز به سرگرمی و تفریح و نیاز به اطلاعات و دانش و نیاز به ارتباطات اجتماعی و نیاز به شناخت هویت خود از جمله دلایل رجوع به رسانه ها شمرده شده است .

با گسترش رسانه های ارتباطی حجم قابل توجهی از تولیدات رسانه ها به موضوعات مرتبط با اقلیت های قومی و زنان و نقش جنسی و خشونت و تمایلات جنسی و تبلیغ اختصاص یافته است و فشارهای اجتماعی نیز به نسبت رویکردهای متفاوت رسانه ای افزایش یافته است. اصطلاح اثر های شناختی ناظر بر مطالعه آنچه مردم از رسانه ها می آموزند و نیز فرایند یادگیری از آنهاست. افکار کودکان و نوجوانان و جوانان بیش از پیش در اختیار رسانه ها قرار گرفته است و اثرهای سیاسی رسانه ها بر نگرش ها و رفتار مردم بیش از گذشته شناخته شده است. بخشی از مشکلات فعلی جوامع بدلیل وجود و گسترش تعارضات فروانی است که توسط رسانه های مختلف در افکار عمومی جوامع و ملت ها شکل می گیرد. وجود خشونت و ترویج آن در فیلم های تولید شده در سطح جهان یکی از عمده ترین زمینه های پژوهشی را داشته است و بدلیل اثر بالقوه شان بر جوانان مورد انتقاد قرار دارد.

در دهه های اخیر محققان نسبت به تاثیر شرایط محیطی بر رضامندی و رفتار مردم حساسیت بیشتر نشان داده اند. برای مثال انبوهی جمعیت یکی از عوامل اثر گذار است که می تواند بر کاهش عملکرد انسان منجر شود اما مردم قادرند که با آن شرایط خود را سازگار نمایند و به کارکرد موثر خود ادامه دهند. همچنین سرو صدا مثل ازدحام جمعیت می تواند اثر های منفی بر کارکرد فرد داشته باشد و در هر دو مورد احساس کنترل یا عدم کنترل فرد بر کاهش اثر آن موثر است. آلودگی هوا و اثر منو اکسید کربن بر سلامت و کارکرد انسان ها و آلودگی منابع آب می تواند ترس ها و اضطراب های عمومی را افزایش دهد. بدین ترتیب موقعیت های محیطی اثرات رفتاری در زندگی روزمره مردم دارد. حتی معماری می تواند بر تعامل محیط و رفتار و آسایش و رضایت افراد اثر گذار باشد.

در صد سال گذشته وسایل ارتباط جمعی استعداد بالقوه ای بر اثر گذاری بر رضایت مندی و عدم رضایت عمومی از خود نشان داده اند. از دهه ۵۰ میلادی پژوهش های گسترده ای در مورد رسانه ها صورت گرفته است که نشان می دهد افراد متعلق به هر نسل جدید به موازاتی که رشد می کنند تحت تاثیر رسانه های مورد استفاده هستند که بر میزان اطلاعات و نگرش و عواطف آنها بصورت مستقیم و غیر مستقیم اثر گذار می باشد. تحقیقات در زمینه خشنود سازی از طریق رسانه ها به کاوش در





مشکلات اجتماعی

در معرض پیامدها و آثار سوء مشکلات اجتماعی بوده و بدین جهت برنامه های کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی می بایست جمعیت های در معرض مشکلات اجتماعی را در اولویت پوشش خود قرار دهد.

نکته قابل تأمل درخصوص مشکلات اجتماعی و اولویت بندی آن ها، آن است که علاوه بر شاخص های ملموس و تعیین کننده میزان اهمیت یا اولویت هر مشکل، مانند گستره یا فراوانی آن، ابعاد ذهنی آن پدیده مانند شدت مغایرت با ارزش های فردی و اجتماعی نیز بر تلقی هر مسئله به عنوان یک مشکل یا در اولویت دانستن آن نقشی در خور، ایفا می نماید.

بر این اساس باید خاطرنشان ساخت که مشکلات اجتماعی از ابعاد ارزشی نیز برخوردار بوده و نسبت مستقیمی با قضاوت افراد نسبت به آن ها در دوره های زمانی گوناگون دارد، به طوری که در جوامع مختلف و نزد هر گروه اجتماعی، تلقی افراد از پدیده های اجتماعی و ارزیابی از آن ها به عنوان یک مشکل اجتماعی متفاوت است. در واقع بخشی از عدم توافق در خصوص مصادیق آسیب ها، انحرافات و مشکلات اجتماعی و تفکیک آن ها از یکدیگر ریشه در ابعاد ارزشی این مفاهیم و تبعیت این عناوین از قضاوت افراد جامعه دارد. بدین جهت است که مشکل اجتماعی پدیده ای تلقی می گردد که نه تمامی آحاد جامعه بلکه به زعم تعداد قابل توجهی از افراد، مشکل تلقی گردد و از دید آن ها ارزش ها و یا کیفیت زندگی آنان را به مخاطره اندازد.

به طور معمول مشکلات اجتماعی را وضعیت های اجتماعی تعریف می کنند که برای جامعه آسیب زننده اند. اما درک موضوع براساس تعریف یاد شده چندان که در ابتدا به نظر می رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیبزا بودن وضوح و روشنی کافی ندارد، به علاوه از آن جا که مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت، کودک آزاری و... را دربر می گیرند توافق نمودن بر سر مصادیق مشکلات اجتماعی، دشوار می نماید. از سوی دیگر هنگامی که از مشکلات، آسیب ها یا انحرافات اجتماعی نام برده می شود با مجموعه ای از سختی ها و آلام انسانی روبه رو می شویم که تمایز بین جنبه های فردی و اجتماعی آن ها بسیار دشوار می باشد.

در توضیح تفاوت میان این دو، میلز مشکل فردی را مسئله ای می داند که در درون فرد و روابط بلافصل او با دیگران پیدا شود و فرد شخصاً و به صورت مستقیم درگیر

در باره تعاریف و طبقه بندی مشکلات اجتماعی در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان توافق قطعی وجود ندارد، به گونه ای که در اسناد سازمان های دولتی و غیردولتی و مکتوبات صاحب نظران، مصادیق مشکل، مسئله، انحراف و آسیب اجتماعی هم پوشانی فراوان داشته و طبقه بندی برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی در هریک از دسته بندی های فوق را دشوار می نماید.

صرف نظر از تفاوت دیدگاه ها در نام گذاری مسائل اجتماعی، فصل مشترک همه این مسائل در آن است که همه آن ها پدیده هایی نامطلوب بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته، به گونه ای که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن ها پدید آمده است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). بدین ترتیب، فقر، نابرابری، انحرافات فردی، مشکلات نهادهای مختلف جامعه مانند؛ ارتشا و اختلاس و ناکارآمدی نهاد آموزش، مشکلات سلامت روان و... صرف نظر از آن که، انحراف، آسیب یا مشکل تلقی شوند، همگی ذیل عنوان مشکلات اجتماعی طبقه بندی می گردند.

تنوع و گستردگی مفاهیم و مصادیق مشکلات اجتماعی هرگونه اقدام به منظور کنترل، پیشگیری و یا کاهش آن ها را در جهت بهبود سلامت جامعه موکول به اولویت بندی آن ها می کند، زیرا معمولاً منابع اختصاص داده شده به حل مشکلات اجتماعی اعم از منابع مالی، نیروی انسانی و سایر منابع محدودتر از طیف گسترده مشکلات اجتماعی است. علاوه بر آن برخی افراد یا گروه های اجتماعی بیش از سایر گروه ها و افراد

ترتیب انحراف، نابهنجاری و بزهکاری قرار دارند. به عنوان مثال سیگار کشیدن زنان در قلمرو عمومی، پوشیدن لباس های نامتعارف و فرار از خانه، علاوه بر این که به ترتیب نوعی نابهنجاری، انحراف و بزهکاری تلقی می شود می تواند مشکل اجتماعی هم باشد. جرم کوچک ترین حلقه این زنجیره را تشکیل می دهد. در جامعه ما رفتارهایی چون بی حجابی و یا همجنس گرایی علاوه بر جرم بودن مشمول موارد مطرح شده فوق نیز می شود و مفهوم دیگری از مشکل اجتماعی است. همان طور که قبلاً گفته شد آسیب اجتماعی ناظر بر پنداشت واحد اجتماعی به مثابه کالبد انسانی است. هر رفتار، کنش و در مجموع پدیده ای که ساز و کار نظام و ارگانسیم اجتماعی را مختل کند آسیب اجتماعی محسوب می شود. در دیدگاهی این چنین، مفاهیم آسیب و مشکل اجتماعی بسیار نزدیک به هم بوده و به نوعی همپوشانی دارند. در عین حال از آن جا که واژه های آسیب شناسی و آسیب از نظام پزشکی وارد حوزه مسائل اجتماعی شده اند، در سال های اخیر متخصصان علوم اجتماعی و جامعه شناسان ترجیح می دهند از واژه «مشکل اجتماعی» استفاده کنند. در واقع امروزه کاربرد واژه آسیب یا آسیب شناسی در حوزه علوم اجتماعی منسوخ شده و تمایل غالب، به کارگیری عبارت «مشکل اجتماعی» است. بدین ترتیب اکثر مفاهیم مطرح شده نوعی مشکل تلقی می شوند اما لزوماً هر مشکل اجتماعی، انحراف، بزهکاری و یا جرم نیست. برای نمونه می توان به پدیده هایی چون مصائب جمعی و یا آلودگی محیط زیست اشاره کرد که از آن ها با عنوان مشکل اجتماعی یاد می شود اما انحراف، بزهکاری یا جرم تلقی نمی شوند.

ماخذ: مقاله تحقیقی

• حسن رفیعی ۱

• سعید مدنی قهفرخی ۲

• مروئه وامقی ۳

۱ روان پزشک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۲ دکتری جرم شناسی، عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۳ روان پزشک، عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

آن باشد. اما مشکل اجتماعی نه تنها بر جمعیت زیادی اثر منفی می گذارد بلکه در نهادهای اجتماعی ریشه دارد. به بیان دیگر مشکل اجتماعی علل یا عواقبی فراتر از فرد و محیط بلافصل او دارد. به عبارتی هنگامی که در جامعه ای مشکلات فردی، جمعیت قابل توجهی را درگیر می سازند آن ها را به عنوان مشکل اجتماعی نیز می توان تلقی نمود (رفیعی، ۱۳۸۰: ۸-۱۰).

چالش دیگر در این بحث «نسبی» بودن مفهوم مشکل اجتماعی در ارتباط با اشخاص، زمان و مکان و فرهنگ جوامع است. بدین معنی که مشکلات اجتماعی ماهیتاً دارای دو بعد عینی و ذهنی هستند. یعنی از طرفی مشکلات اجتماعی اموری عینی و قابل مشاهده اند و از سوی دیگر از قضاوت افراد درخصوص پدیده های اجتماعی منشأ می گیرند و به نگرش و ذهنیت افراد مرتبطند. به عنوان مثال فقر، خشونت خانگی و رشوه خواری همگی دارای ابعاد عینی بوده، از تعامل میان افراد، گروه ها و دیگر عناصر اجتماعی ایجاد می شوند و سبب رنج مادی یا روانی بخش قابل توجهی از جامعه می گردند. اما از سوی دیگر به لحاظ تنوع در ذهنیت افراد، زمینه های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن ها طرز تلقی افراد از «مشکل» تلقی شدن این مسائل با یکدیگر متفاوت است. هر فرد یا گروه، پدیده ای را مشکل اجتماعی ارزیابی می کند که برای «خود» مضر می داند. حال آن که همان پدیده، می تواند برای گروهی دیگر مفید تلقی شود (همان). از سویی هنگامی که برای تعیین مصادیق مشکلات اجتماعی به افکار عمومی رجوع شود این قضاوت می تواند تابع تلقی های ارزشی «سازندگان افکار عمومی» گردد که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از قدرت و ثروت خود، دیدگاهی را در لایه های جامعه بسط می دهند. به همین دلیل خطر صحه گذاشتن بر نابرابری ها یا سایر مشکلاتی که خود معلول نظام غیرعادلانه بوده همواره وجود دارد (رابینگتن، ۱۳۸۲: ۱۳).

نکته قابل تأمل دیگر درخصوص مشکلات اجتماعی آن است که مشکلات اجتماعی اموری ثابت نیستند بلکه دائماً در حال تحول اند. آن چه در یک زمان مشکل اجتماعی تلقی می شود، ممکن است در زمان دیگر مشکل اجتماعی نباشد. به عبارتی مشکل اجتماعی متغیری وابسته به هنجارها و ارزش های زمانه خود است که با تغییر این هنجارها در طول زمان تغییر می یابد. افزایش جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک شهری و آلودگی به ویروس نقص ایمنی اکتسابی (HIV)، همگی مشکلاتی هستند که در دو یا سه دهه اخیر در کشور ما بروز و ظهور یافته اند و پیش از آن هیچ یک از سوی جامعه به عنوان مشکل اجتماعی تلقی نمی شده اند.

آن چه درخصوص مشکلات اجتماعی کمتر جای مباحثه داشته و مورد تأیید است پذیرش مشکلات اجتماعی به عنوان وضعیت هایی است که با ارزش ها و هنجارهای تعداد قابل توجهی از افراد هر جامعه در تعارض هستند و علاوه بر مشکل زایی مردم خواستار اصلاح آن ها بوده یا خود برای اصلاحشان تلاش می کنند (مدنی، ۱۳۷۹).

متعدد و متنوع بودن مشکلات اجتماعی از گستردگی مفهوم آن منشأ می گیرد. بنابراین، مسائل گروه های مختلف سنی، ابعاد مختلف حیات اجتماعی انسان ها از روابط میان افراد یک خانواده تا رابطه دولت و مردم و دولت ها با یکدیگر، اصول و مبانی اخلاقی و ساختارهای سیاسی حاکم همه می توانند در ردیف مشکل اجتماعی قلمداد شوند. علاوه بر مسائل پیش گفته تمایز مفاهیمی مثل جرم، آسیب اجتماعی، مشکل اجتماعی، انحراف اجتماعی و بزهکاری نیز بر دشواری مطالعات درباره این مفاهیم می افزاید. در مقایسه مفاهیم مطرح شده از نظر دامنه و وسعت فراگیری، مشکل اجتماعی در مرتبه نخست قرار دارد. مثلاً رفتاری چون طلاق می تواند مشکل اجتماعی باشد در حالی که بزهکاری یا جرم نیست. پس از مشکل اجتماعی به



ده مشکل بزرگ جهان

به ۱۰ مشکل بزرگ جهانی اشاره می کنیم:

بیکاری و عدم فرصت اقتصادی (۱۲.۱٪)

مشکل بیکاری و عدم فرصت اشتغال باعث می شود که قشر جوان بسیار دلواپس شده و نگران آینده شغلی خود باشند. آمار نشان داده شده فلش رو به پایینی نسبت به سال های آینده را برای بیکاری نشان داده است. در سراسر جهان تقریباً نصف جوانان بیکار و یا بی سواد هستند.

ایمنی / امنیت / سلامتی (۱۴.۱٪)

ایمنی و امنیت کارگران نیز جزو یکی دیگر از مسائل مهم جهانی است. چرا که اگر کارگران امنیت شغلی نداشته باشند این موضوع روی روحیه آنها و همچنین دقت کارشان تاثیر می گذارد.

کمبود آموزش (۱۵.۹٪)

کمبود آموزش باعث فقر می شود از طرفی کودکان فقیر نمی توانند تحصیل کنند و این یک سیکل معیوب ایجاد می کند.

امنیت آب و غذایی (۱۸.۲٪)

آب کلید امنیت غذایی است. کشاورزی و محصولات زراعی به آبیاری احتیاج دارند درواقع برای داشتن محصولات سالم و مرغوب به آبیاری مناسب احتیاج است.

پاسخگویی و شفافیت دولت / فساد اداری (۲۲.۷٪)

وجود فساد اداری وعدم شفافیت باعث بروز مشکلات اجتماعی - اقتصادی زیادی خواهد شد.

درگیری های مذهبی (۲۳.۹٪)

فقر (۲۹.۲٪)

بانک جهانی که منبع اصلی اطلاعات در مورد فقر است خط فقر بین المللی را تعیین می کند. قابل توجه است که خط فقر بین المللی بسیار پایین است و افرادی که زیر این خط قرار می گیرند در فقر شدید می باشند.

نا برابری (۳۰.۸٪)

به طور کلی نابرابری درآمد اشاره به این واقعیت دارد که افراد مختلف درآمد مختلفی دارند و هر چه تعداد شاغلین

بیشتر می شود این نابرابری درآمدی بیشتر می شود. در سال های اخیر موضوع نابرابری درآمد بحث داغ روز در سیاست آمریکا می باشد.

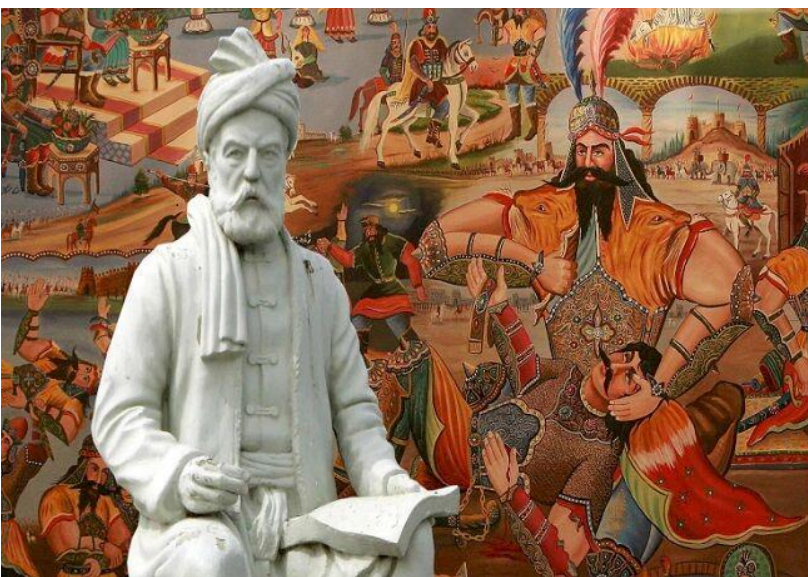
درگیری بزرگ / جنگ (۳۸.۹٪)

این می تواند به دلایل متفاوت پیش آید مثلاً نفرت ملی، اعتراض، نابرابری و حرص...

تغییرات اقلیمی / تخریب طبیعت (۴۸.۸٪)

انجمن جهانی بررسی اقتصاد در سال ۲۰۱۷ برای سومین بار متوالی تغییرات هوایی را جزو مهم ترین مشکلات جهانی معرفی کرده است و مسلماً این مشکل روی خیلی مسایل دیگر تاثیر می گذارد. تغییرات آب و هوایی ممکن است از فرآیندهای درونی زمین، یا نیروهای خارج از آن یا در اثر فعالیت های مربوط به تغییرات اقلیمی دست بشر حاصل شده باشد. این تغییرات می تواند مانند بالا رفتن متوسط دمای سطح زمین که به عنوان گرم شدن زمین شناخته می شود باشد.

منبع: www.inc.com



شاهنامه؛ حماسه‌ای انسانی

مهدی نجفی

است، و بخش اعظم این شاهکار بزرگ به جنگ‌ها و نبردهای میهنی اختصاص دارد، به گونه‌ای که برخی از فردوسی‌شناسان از «شاهنامه» به «رزمنامه» تعبیر کرده‌اند؛ اما فردوسی قائل به تعارض جنگجویی و کینه‌توزی با خردمندی و دینداری است و هدف او از به تصویر کشیدن این جنگاوری‌ها آن است تا به ما بگوید ستیزه‌جویی بشر ناشی از نادانی او است و از این رو همگان را به صلح و دوستی دعوت می‌کند. در داستان سیاوش، اسطوره صلح‌طلبی و جنگ‌ستیزی در شاهنامه، می‌گوید:

سیاوش چنین گفت کاین رأی نیست

همان جنگ را مایه و جای نیست

به گوهر بر آن روز ننگ آورم

که من پیش شه هدیه جنگ آورم

شاهنامه را باید «حماسه‌ای انسانی» نامید؛ از آن رو که تماماً انعکاس احساسات مردم ایران است و از خامه سخنوری بیرون تراویده که خود، لبریز از عواطف و احساسات لطیف و شریف انسانی است. شاعری که درد دردمندان، اسیران بی پناه، کودکان بی مادر و پیران نیازمند بر دلش سنگینی می‌کند. از غم پهلوان محبوبش غمگین است و آنگاه که عملی ناسزاوار از او سر می‌زند، خشمگین می‌شود و می‌گوید: «دل نازک از رستم آید به خشم!» کتاب بزرگ و سترگ شاهنامه با ۶۰ هزار بیت بنیان زبان فارسی، تاریخ گذشته سرزمین ایران و تعظیم و تجلیل مفاخر ملی است. شاهنامه کتاب حکمت است و ابوالقاسم فردوسی حکیمی است که حکمت را به زبان شعر سروده و دقیقاً از همین روست که سالها پس از خلق این حماسه، بزرگ‌ترین حکیم اشرافی این سرزمین، شیخ شهاب‌الدین سهرودی از احیای حکمت پارسی سخن گفته است.

...جاودانه باد کاخ برافراشته‌ی زبان فارسی و درود بر فردوسی بزرگ که شاهنامه را به پارسی زبانان هدیه کرد.

ماخذ: ایرنا

شاهنامه اثری است که ما در آن شاهد دو گونه سازواری هستیم؛ سازواری بیرونی آن، هماهنگی با روح زمانه و انطباق با نیازها و انگیزه‌های عاطفی و روحی بشر است و سازواری درونی‌اش، توازن لفظ و معنا و احساس و بیان.

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای

خداوند روزی ده رهنمای

همگان او را می‌شناسند. نسل دیروز او را در صدای پر طنین مرشد پرده‌خوان شناخته است و نسل امروز در قصه‌هایی که سینه به سینه از بزرگان نقل شده است. نام پر آوازه‌اش واژه‌های بسیاری به ذهن تداعی می‌کند: شکوه، پاسداری، افتخار و برتر از همه آزادگی. او که تنها به ایران می‌اندیشید و ایران را دوباره زنده کرد و از این رو «مِهین سخنور گیتی» لقب گرفت. هر سال بر صفحه ۲۵ اردیبهشت دو مناسبت بسیار مهم نگاشته شده است؛ روز پاسداشت زبان فارسی و روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی. تردیدی نیست که بالندگی زبان و هویت ایرانی، مدیون حکیم توس است. زبان فارسی برای بقا و ادامه حیات خود به سخنور پرآوازه‌ای همچون فردوسی نیاز داشت که شاهنامه‌اش، سند با عظمت خردورزی ایرانیان در گذشته، امروز و فردا است و چنان‌که در مقدمه شاهنامه منشور ابومنصوری (اصلی‌ترین منبع فردوسی در سرائش شاهنامه) آمده:

«و اندرین چیزهاست که به‌گفتار، مر خواننده را بزرگ آید و به هر کسی دادند تا ازو فایده گیرد. و چیزها اندرین نامه بیابند که سهمگین نماید و این نیکوست چون مغز او بدانی، و تو را درست گردد و دلپذیر آید... این همه درست آید به نزدیک دانایان و بخردان به‌معنی، و آن‌که دشمن دانش بود، این را زشت گرداند و اندر جهان شگفتی فراوانست.»

اگرچه در شاهنامه همواره سخن از رزم و نبرد و اوصاف پهلوانان

فن آوری منشاخیر است یا شر؟

مروری بر لزوم بکارگیری دانش مدیریت فن آوری

فعالیت ها و دستورالعمل تعمیرات و نگهداری وسایل نقلیه ریلی و ابعاد و جنبه های گوناگون بپردازد.

یکی از بارزترین ویژگی های فن آوری تغییر مستمر بعنوان منطق درونی آن است و همواره به سمت بهبود و رشد گرایش دارد و هیچگاه کامل محسوب نمی شود. تکنولوژی در مسیر دستیابی به عملکرد بهتر و پاسخ به نیازهای روز افزون و کارایی بیشتر حرکت می نماید. فرایند نوآوری تکنولوژیک اهمیت بسزایی دارد. نوآوری های میتواند تدریجی یا همراه با تغییرات بنیادی باشد. گاه تغییرات فن آوری آنچنان عمیق است که منجر به تغییر پارادایم های اقتصادی یا انقلاب های فن آوری می شود. برای مثال تغییرات عمیق در فن آوری های ارتباطی است که بعنوان انقلاب اطلاعات لقب گرفته است. زمانی تولید در قالب تولید انبوه و انرژی بر قرار داشت و با ظهور فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی تولید در قالب تولید اطلاعات محور قرار گرفته است. مدیریت تکنولوژیک باید بتواند سمت و سوی کلی تغییرات و نیازها را پیش بینی و کاربردها و تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جوامع را مورد بررسی قرار دهد.

نوآوری ها همراه خود فرصت های جدید و بازارهای تازه و کشش بازار متفاوت و فشار تکنولوژیک ایجاد می نمایند. عدم تشخیص مدیریت تکنولوژیک متناسب و آینده نگرانه می تواند جوامع مختلف را در مسیر عقب افتادگی یا بحران های متعدد قرار دهد. مدیریت هوشمندانه می تواند بسیاری از فرایندها را به نحوی اصلاح و مدیریت کند که علاوه بر بهره گیری از فرصت های پدید آمده مانع بروز آثار زیان بار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی شود.



کل فرایند عرضه و فروش نیازمند مدیریت تکنولوژی است. و ارزیابی تکنولوژی اولین کاریست که مدیریت فن آوری بایستی انجام دهد. گردآوری اطلاعات کافی در مورد فن آوری مورد نیاز و پیامدهای ناشی از آن برای تمام کسانی که به نحوی از آن تاثیر خواهند پذیرفت و سپس تصمیم گیری عقلایی در باره فن آوری است. تصمیمات عقلایی به ارزش ها و اهداف و قضاوت های فردی و گروهی در هر جامعه بستگی دارد و نسخه یکسانی ندارد. تکنولوژی در یک نوع تعریف شیوه ها و ابزارهایی است که انسان ها با بکارگیری آنها مصنوعات مادی و نتایج هدفمند تولید می کنند. در مجموع تکنولوژی ترکیبی از سخت افزار و وسایل و نرم افزار و دانش و روش ها و فوت و فن ها می باشد. بایستی بین تکنولوژی و محصول تفاوت گذاشت. محصول یک شرکت سازنده ماشین می تواند ابزار شرکت دیگری برای سخت محصول باشد. پس می توان فن آوری را به دو قسمت فن آوری تولید و فرایند و فن آوری محصول تقسیم نمود.

برای مثال نظام فن آوری در راه آهن شامل کلیه خطوط آهن و پل ها و ایستگاه ها و لوکوموتیو و قوانین و دستورالعمل ها ست که به آن سیستم تکنولوژیک راه آهن گفته می شود. پس مدیریت تکنولوژی علاوه بر ابزارها بایستی به موضع کنترل

پیامدهای گوناگون تکنولوژی یا فن آوری بستگی به شیوه مدیریت و اتخاذ تصمیمات راهبردی دارد. برای اتخاذ تصمیمات راهبردی مدیران نیازمند اطلاعات آینده نگرانه هستند. باید به تکنولوژی از منظری به تمام معنی وسیع نگریست که به آن ارزیابی فن آوری لقب داده اند. ارزیابی فن آوری از بررسی پیامدهای آشکار و مستقیم تکنولوژی فراتر رفته و پیامدهای توسعه و بکارگیری آن را بصورت گسترده و آینده نگرانه بررسی می نماید. پیامدهایی همچون نتایج فرهنگی و اجتماعی یا پیامدهای زیست محیطی و پیامدهای اقتصادی همچون اشتغال یا بیکاری و نمونه های آن.

فن آوری و سازمان اجتماعی به گونه ای جدا ناپذیر در هم تنیده شده اند. ورود فناوری های نوین به همراه خود امید ها و فرصت ها و تهدیدات و چالش های بیشماری را به همراه دارد. اما تکنولوژی با رشد و بقای سازمان اقتصادی، تجاری و صنعتی جوامع نیز پیوند ناگسستنی دارد. فن آوری قلب تپنده نظام تولید ثروت است و عدم بهره گیری از آن به عقب افتادگی های اقتصادی و اجتماعی نیز منجر می شود. آنچه اهمیت دارد مدیریت تکنولوژی است. ضرب المثلی است که می گوید جنگ مهمتر از آن است که به ژنرال ها سپرده شود. فن آوری هم از امور است که مهندسان و متخصصان به آن می پردازند اما درواقع مهم تر اینست که مدیران تکنولوژی مسیر دستیابی به بهترین منافع را بررسی و چالش های آن را پیش بینی و هدایت یا کنترل نمایند. در هر شرکت تجاری دو بعد تولید یا خدمات و عرضه و فروش وجود دارد و فن آوری در قلب این سیستم است. کل فرایند ساخت و تولید و



دیپلماسی ورزشی

نویسنده : داوود سلیمانچی

درک متقابل، تبادل ایده ها، اطلاعات و دیگر جنبه های فرهنگی در میان ملت ها و مردمان است. ادعای محوری دیپلماسی عمومی این است که فقط محصور به دولت ها نیست. در این عرصه بازیگران متعددی از جمله بازیگران خصوصی، رسانه ها، سازمان های مدنی فرو ملی و فراملی وجود دارند. همچنین مخاطبان این دیپلماسی فقط دولت ها نیستند. دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می دهد و از لحاظ پیامدهای و نتایج، از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها برخوردار است.

امروز نقش و کارکردهای ورزش روزبه روز افزایش یافته و فراتر از کارکردهای سنتی خود در حال حرکت است. این موضوع به چند عامل مشخص برمی گردد که یکی از مهمترین آنها رشد و پیشرفت علوم ورزشی است و همراه با تعامل ورزش با حوزه های اقتصاد، فرهنگ، سیاست، صنعت و سایر ابعاد اجتماعی جامعه، تعامل ویژه ای را ایجاد کرده است. امروز به ورزش فقط به عنوان تفریح و سرگرمی توجه نمی شود، بلکه ظرفیت های فراوانی در آن به چشم می خورد که می تواند تأثیرات عظیم اقتصادی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی ایجاد کند.

دیپلماسی ورزشی اصطلاح جدیدی است که یک عمل قدیمی را توصیف می کند: قدرت منحصر به فرد ورزش برای نزدیک تر کردن مردم، ملت ها و جوامع از طریق عشق مشترک به فعالیت های فیزیکی. این «قدرت» - برای نزدیک تر کردن غریبه ها، پیشبرد اهداف سیاست خارجی یا تقویت ورزش برای ابتکارات توسعه، به دلیل فقدان یک چارچوب نظری قوی، گریزان باقی می ماند. با این حال، چهار چارچوب نظری متمایز در حال ظهور هستند: دیپلماسی ورزشی سنتی، دیپلماسی ورزشی جدید، و ورزش به عنوان دیپلماسی، و ضد دیپلماسی ورزشی. در نتیجه این چارچوب های جدید، چشم انداز پیچیده ای که در آن ورزش، سیاست و دیپلماسی با هم همپوشانی دارند، روشن تر می شود، و همچنین مشکلات استفاده از ورزش به عنوان ابزاری برای غلبه بر جدایی بین مردم، بازیگران غیردولتی و دولت ها، آشکارتر می شود. تا کنون، قدرت ورزش هرگز مهم تر از این نبوده است..... در عرصه جنگ نرم، ورزش یکی از مهم ترین کارکردها را ایفا می کند؛ به طوری که کشورها سعی دارند از طریق ورزش به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند. توجه به ورزش در نخستین نگاه در میان عموم طبقات جامعه و در دیگر سو در حوزه سیاست و توجه سیاستمداران به مقوله ورزش، از جمله مباحثی است که در بسیاری از کشورها، دیرزمانی است که از جمله ابزارهای ارتباطی، جاذب و فراگیر برای ارتباط با بدنه اجتماع و دیگر کشورها به کاررفته و می رود.

اکنون نقش ورزش و فعالیت های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی تفریح و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و مهم تر از آن سیاسی و بین المللی پیدا کرده است. امروزه ورزش به طور گسترده در سراسر جهان رواج یافته و اسناد بین المللی جدید نیز به نوعی به ورزش توجه کرده اند. بین المللی شدن بسیاری از ورزش ها موجب شده تا کشورها به رقابت ورزشی بین المللی، میدان برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین المللی خود توجه کنند. ورزش این قدرت را دارد که دنیا را تغییر دهد. این قدرت الهام بخش است، قدرت متحد کردن مردم به روشی که کمتر چیزی انجام می دهد. با جوانان به زبانی که آنها می فهمند صحبت می کند. ورزش می تواند امید ایجاد کند، جایی که زمانی فقط ناامیدی وجود داشت. قدرتمندتر از دولت ها در شکستن موانع نژادی است. در برابر همه نوع تبعیض می خندد. ورزش بازی دوستداران است. «ورزش بازی عاشقان است.» (نلسون ماندلا، جوایز جهانی ورزشی ۲۰۰۰ Laureus).

عصر اطلاعات برآمده از رشد معجزه آسای فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه ساز تحول در همه زمینه های حیات بشری گردیده است. دیپلماسی، که با قدمتی به بلندای تاریخ همواره بر دو عنصر اساسی اطلاعات و ارتباطات استوار بوده است بیش از سایر حوزه های اجتماعی در معرض تأثیرپذیری از مشخصه های عصر اطلاعات است. اتصال دورترین ملت ها به یکدیگر از طریق شبکه های الکترونیکی، تسهیل ورود بازیگران جدید به عرصه روابط بین الملل؛ مداخله جمعیت ها، سازمان ها و نهادهای غیردولتی، اعم از منطقه ای و بین المللی در مسائل خارجی و داخلی کشورها، طرح عناوین نوینی چون دهکده جهانی، حقوق شهروندان جامعه جهانی، چرخش آزاد و غیر تبعیض آمیز اطلاعات، حاکمیت بر فضای اینترنت (رایانه ای)؛ رواج تجارت الکترونیک و تحقق مبادلات میلیاردی در دقایقی چند، بدون اطلاع دولت ها و سازمان های ذیربط، حاکی از روندی است که محتوا و شکل دیپلماسی را متحول و بعضاً نیازمند بازتعریف و تغییرات ساختاری نموده است. ...

دیپلماسی (Diplomacy) در کاربرد رسمی خود عمدتاً به دیپلماسی بین المللی که هدایت روابط بین المللی از طریق دیدار و گفت وگوهای دیپلمات های رسمی است اشاره دارد. دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چارچوب دکترین سیاست خارجی هر کشور است. دکترین سیاست خارجی یک کشور که معمولاً یک بیان کلی از سیاست خارجی آن محسوب می شود توسط رئیس حکومت یا وزیر امور خارجه اعلام می شود. دیپلماسی عموم نوعی از دیپلماسی فرهنگی است که هدف آن ایجاد

مشکل فرهنگی ما

دکتر هادی خانیکی



یک تغییر مذهبی در راه است.» و زمانی که پرسیدم «از کجا به این نتیجه رسیده بودید؟»، گفت «ما این موضوع را در سه سطح بررسی کرده بودیم، مدیران ارشد، روشنفکران و مدیران میانی و با توجه به این نتیجه میانی که دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی بودند به این نتیجه رسیدیم و البته همه آنها معتقد بودند که در تبلیغات رژیم سیاسی، به جنبه‌های مذهبی جامعه توجه نمی‌شود و به همین دلیل مردم ناراحت هستند.»

...مرحوم تهرانیان و همکاران‌شان درجه ناراحتی مردم در آن زمان را نیز به گونه‌ای سنجیده بودند و زمانی که من از دکتر تهرانیان پرسیدم «شما این نظر را در جایی هم منعکس کردید یا برای مثال به گوش مسئولان رسانده‌اید؟» پاسخ داد «نه! جرأت نکردم که بگویم ولی با زبان و ادبیات علمی گفتم اما حتی نتوانستم که صریح بنویسم.»

... توسعه‌ای که در آن بخش‌های مختلف با هم سازگاری ندارند و به این اعتبار، دارای صورتی در زیر است اما آنچه که در بالای جامعه دیده می‌شود در پایین دیده نمی‌شود.

بحث‌هایی از این دست را منصوری و دانشمندانی از این دست در حوزه‌هایی غیر از علوم انسانی هم به آن پرداخته‌اند، برای مثال وقتی که منصوری به نقد اصلاحات امیرکبیر می‌پردازد، از همان نقطه قانونی فعالیت‌های امیرکبیر یعنی تأسیس دارالفنون انتقاد می‌کند و می‌پرسد «چرا ما دارای دارالفنون شدیم و نه دارالعلوم؟»

چرا ما در دوران صدارت امیرکبیر، توسعه را زودتر از کشور ژاپن، دوره انقلاب میجی شروع کردیم اما هنوز به سرانجامی در توسعه نرسیده‌ایم ولی ژاپنی‌ها کشوری توسعه‌یافته، ساخته‌اند... مرحوم دکتر مجید تهرانیان، از صاحب‌نظران ارتباطات، به رغم پیشینه سیاسی که در آمریکا داشت، زمانی که به ایران آمد، کار سیاسی را کنار گذاشته بود ولی اندیشه سیاسی را رها نکرده بود و پژوهشکده‌ای تحت عنوان «پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه‌ای ایران» تأسیس کرد تا مسائل توسعه را دنبال کند...مقایسه‌ای به شکل یک مطالعه تطبیقی بین ایران و ژاپن...این پژوهش را دکتر تهرانیان انجام داد و البته متن آن کتاب به فارسی منتشر نشد و به انگلیسی و زیر نظر یونسکو و در میان مجموعه کارهای دکتر تهرانیان انتشار یافت که البته من چندی است که ترجمه این کتاب را انجام دادم ... نقطه کانونی در فهم از توسعه دهه پنجاه این است که وقتی پول داریم، می‌توانیم توسعه پیدا کنیم و این همان چیزی است که به نوعی غرور هم در رژیم قبل ایجاد کرده بود... در سال ۱۳۵۳، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، طرح آینده‌پژوهی را اجرا می‌کردند و زمانی که مرحوم تهرانیان بعد از انقلاب به ایران آمده بود از او پرسیدم که چرا در ایران این اتفاق رخ نمی‌دهد؟ و دکتر تهرانیان پاسخ داد: «ما در سال ۱۳۵۵ بر اساس طرحی که در آن از سرآمدن فرهنگی پرسیده بودیم که جامعه به کدام سو می‌رود؟ به این نتیجه رسیده بودیم که در ایران

این تحول است و می توانیم مسئله توسعه را در این چند متغیر جمع بندی و خلاصه کنیم، دو مسئله اساسی در توسعه است، اول اینکه جامعه ایران به علت روندهای اجتماعی و اقتصادی مختلف با مشکلات متعددی روبه رو شده است که روز به روز بر حجم و پیچیدگی آنها افزوده می شود.

..... وقتی می گوئیم ایران با چگونه مسائلی مواجه است در همان ابتدای امر، حجم انبوهی از آسیب های اجتماعی از اعتیاد، فقر و بیکاری برجسته می شود و این چهره سیاهی که از ایران دیده می شود و گویی که ... ایران نیست.

..... روندهای اجتماعی و اقتصادی، تغییرهایی را در جامعه ایجاد کرده است که سطوح یا نوع تصمیم گیری و نحوه مواجهه ما نسبت به آن تغییرات، کارآمدی و کارایی لازم را ندارد و هر چه مشکلات بیشتر و انباشته تر می شود، ما بیشتر به سوی راه حل های فوری می رویم، مانند همان راه حل آشنایی که در مسائل اقتصادی با دادن وام های کوتاه مدت سعی در ایجاد اشتغال می شود و می بینید که راه گشا نیست.

..... این «پیش افتادگی» مسائل اجتماعی نسبت به راه حل هایی که در برابر آنها وجود دارد، یکی از انواع مخصصه ای را ایجاد می کند که آن مخصصه ها در سیاست گذاری بروز پیدا می کند و در حقیقت امر، فرصت عمل سیاست گذاران را با محدودیت مواجه می کند تا جایی که تفاوتی میان سیاست گذار علمی، فرهنگی و اقتصادی وجود ندارد و در عمل، همه آنها دچار مشکل می شوند.

..... از سوی دیگر، مسائل نوپدید و پیچیده تر در جامعه ما بروز و ظهور پیدا می کند و آن چیزی که به عنوان مسئله دوم قابل مشاهده است، پایین آمدن یا کاهش توانایی جامعه برای مواجهه با این مشکلات است که این موضوع را در سه سطح می توان مورد توجه قرار داد.

..... اول منابع مادی توسعه یا منابع اقتصادی که در مقیاس ملی و نسبت به گذشته رو به کاهش است و نمونه هایی از انواع آن شامل فرسایش منابع مادی از آب، محیط زیست، نفت و سایر موارد قابل مشاهده است و گاه این کاهش در حدی است که اصحاب نظر و تحقیق نسبت به این مسئله هشدار جدی می دهند که مثلاً عمق چاه های ما که به فلان سطح نامطلوب رسیده است و یا برداشت محصولی بسیار زیاد کاهش پیدا کرده است. دوم نیز در سطح سیاسی و بروکراتیک که به عقیده من این موضوع برای کسانی همچون ما که دغدغه مسائل دینی و سیاسی داریم، اهمیت بسیاری دارد.

..... در سطح سیاسی و بروکراتیک دو مشکل دیده می شود، یکی ضعف اجماع و توافق در میان نخبگان سیاسی برای تعریف منافع ملی، مصالح ملی و راه های تأمین آن و دوم ضعف فرآیندها دستگاه های رسمی به علت گستردگی فساد و ساختاری شدن آن است.

.... اینکه ما از ابتدا با تأسیس دارالفنون آغاز کردیم، یعنی فکر کردیم که اگر فنون را به داخل کشور بیاوریم، می توانیم به توسعه و پیشرفت برسیم و این تصویری است که از گذشته تا به امروز وجود داشته است.

..... از سنجش ارزش ها و نگرش هایی که یک جامعه در دهه ها و دوره های مختلف پیدا می کند، می توان فهمید که مسئله کانونی توسعه از کجا به کجا تغییر مکان داده است و این نکته ای است که دکتر تهرانیان در نقد و بررسی یافته های مختلف توسعه ای طی تعریفی جدید ارائه کرده و در آن تعریف، توسعه را بالا رفتن ظرفیت های معنوی و مادی نظام ملی و رسیدن به سطوح تازه ای از پیچیدگی در نظم و نوآوری می داند.

..... این تعریف جدید از توسعه با تعریف های کلاسیک و به ویژه تعاریف چهل سال پیش، تفاوت بسیاری دارد، چرا که در این رویکرد، به عناصر معنوی موثر در آن شامل فهم عمومی، نظم، قانون، رعایت، مدارا، اخلاق و امثال اینها نیز توجه می شود و این یعنی توسعه، صرفاً بالا رفتن نرخ سرمایه گذاری، رشد اقتصادی و امثال اینها نیست این تعریف جدید توسعه قائل به این است که ظرفیت های جامعه مانند ظرفیت یادگیری، خلاقیت، امید به آینده، اعتماد و همه آن چیزهایی که تحت عنوان سرمایه اجتماعی از آن یاد می کنیم، هم باید افزایش پیدا کند و در کنار آن باید عناصر مادی توسعه مثل سرمایه، نیروی کار، محیط جغرافیایی مناسب و امثال اینها نیز رشد کنند و لازم است این سرمایه اجتماعی و ظرفیت های مادی به یک نقطه جدیدی برسند که در آن جایگاه جدید، جامعه پیچیده تر و نوآورانه تر شده و دارای نظم جدیدی شود.

..... اهمیت پیدا کردن عناصر فرهنگی یا به عبارت دیگر، ظرفیت های اجتماعی در مفهوم توسعه، برنامه ریزی های رسمی توسعه را نیز دچار دگرگونی کرده با توجه به آنچه که سال گذشته در طرح پیمایش ارزش ها بر نگرش ها به انجام رسیده است، سه طرح پیمایش در سال های ۱۳۵۳، ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ انجام شده است و می خواهم بر اساس این سه طرح، مقایسه ای درمورد مسئله توسعه ایران انجام دهم و در نهایت به این پرسش پاسخ دهیم که آیا لازم است برای مسئله توسعه در ایران امروز، نگران باشیم و اگر این نگرانی ضروری است، باید ببینیم که مسئله امروز جامعه ما چیست؟

..... مقایسه اولیه بین این تحولات نشان می دهد که مسئله توسعه ایران امروز، حول دو ایده اساسی مطرح است و در ابتدا باید به این دو عامل بپردازیم و عوامل دیگر را شامل رشد جمعیت، شهرنشینی، انقلاب، تحولات جهانی، گسترش ارتباطات، افزایش سطح مشارکت و همه مؤلفه هایی که صاحب نظران توسعه به آن می پردازند، بیرون از ارزیابی نگه داریم، چرا که در بحث های دیگر و در جای خود می توان به آنها پرداخت آنچه که امروز برون داد

.....این روندها می توانند کلیت نظام اجتماعی را در سطوح مختلف یعنی نظام اجتماعی، سیاسی و سایر موارد در بر بگیرند و این پدیده را نمی توان صرفاً با دستورات و اقدامات اداری یا با فرمان های اخلاقی به جای اصلی خود بازگرداند. این تغییر در نظام ترجیحات ارزشی است. این نظام ترجیحات ارزشی به سویی رفته که پول و قدرت به دو معیار تبدیل شدند که پدیده های اجتماعی عمدتاً با آنها سنجیده می شوند.

.....مطابق با این اولویتهای ارزشی مادی هر چه که به پول منتهی شود، ارزشمندتر شده است و این گونه به نظر می رسد که صرف داشتن پول به فرد قدرت می دهد و این تا بدان آنجا پیش رفته است که ما به خوبی می بینیم که امروزه من و دوستانم که معلم و نیز دانشجویان در مشورت دادن برای انتخاب رشته های دانشگاهی، باید به این سؤال پاسخ دهیم که کدام رشته تحصیلی زودتر و راحت تر به پول می رسد؟ کدام استاد به تبدیل مدرک تحصیلی به پول بهتر می تواند کمک کند؟.....رشته تحصیلی خوب، کار خوب و حتی آینده خوب، آن چیزی است که پول بیشتری به بار بیاورد و این را تحقیقات، وضعیت سرمایه اجتماعی و وضعیت ارزش ها و نگرش ها نشان می دهد.

..... این داده های تجربی برای سنجش اهمیت ارزش های مادی مهم است و به این اعتبار می توان گفت که از یک سو ارزش ها مادی شده است و از سوی دیگر فردیت به جای جمع نشسته است و این همان چیزی است که در مطالعه اولیه ایران و ژاپن در کار آقای تهرانیان هم دیده می شد.....تهرانیان عامل مهم تحولی که در ژاپن به وقوع پیوسته و در ایران رخ نداده است را در این می دید که مقیاس تحول اجتماعی در ژاپن «جمع» و در ایران «فرد» است و این را در فرهنگ عامیانه، ضرب المثل ها، توصیه ها و امثال اینها هم می توان دید اما این مسئله امروز بیشتر خود را نشان می دهد که گریز از نهادها و امکان های جمعی در ایران را باید به مثابه یک تهدید جدی تلقی کرد.

..... همین گزارش ملی سرمایه اجتماعی نشان می دهد که هر چه ما از نهادهای سنتی به سمت نهادهای جدید، از روستاها به سوی شهرهای متوسط، از شهرهای متوسط به سمت شهرهای بزرگ، از میانسال ها به سوی جوانان، از بی سوادها به طرف باسوادها می رویم، میزان سرمایه اجتماعی یعنی میزان همبستگی، اعتماد و امید به آینده کاهش می یابد.....تفسیر این مسئله این است که یک جامعه راه تغییرات خود را تعطیل نمی کند و باسوادتر، شهری تر و مدرن تر می شود اما باید در نظر داشت که در یک جامعه مدرن تر، اعتماد به همدیگر کاهش پیدا می کند و در جامعه باسوادتر اطمینان خاطر به آینده کم می شود و اینها نشان می دهد که باید به بخش معنوی و به ویژه سرمایه معنوی در توسعه توجه جدی تری کرد.

..... همان طور که می دانیم، رشد فساد تنها دزدی و فساد اخلاقی نیست و آنچه که من و شما در دانشگاه ها با آن مواجه هستیم، کم از این مسئله ندارد.....وقتی از کنار میدان انقلاب رد می شوید، آنجا را چندان با حومه ترمینال غرب یا جنوب تهران متفاوت نمی بینید و زمانی نیست که در میدان انقلاب، کسی یقه ات را بگیرد و با التماس خواهان نوشتن مقاله، تألیف کتاب یا تهیه کردن ISI برای شما باشد.....چند روز پیش وقتی که از میدان انقلاب عبور می کردم، این افراد را دیدم که به همان سبک و سیاق مغازه هایی که پیتزا می فروشند و می خواهند با پوشیدن کاورهایی، بچه ها را برای ورود به مغازه ترغیب کنند، ایستاده بودند و قیمت نوشتن کتاب و مقاله را فریاد می زدند.....با یکی از آنها وارد بحث شدم و در کمال تعجب متوجه شدم که حاضر بود در مدت ۹ روز در هر رشته ای که می خواهید کتاب تألیف کند یا مقاله برای ارتقاءتان بنویسد! این نوعی از فساد است و با فساد دیگری که در سیستم بانکی یا اقتصادی کشور شاهد آن هستیم، تفاوت چندانی ندارد.

.....اما سطح سوم این موضوع، سطح اجتماعی است که شامل بحران هایی موجود در نهادهای جامعه پذیری، تضادهای هنجاری و ارزشی جامعه، ضعیف شدن نهادهای جا افتاده همیاری و شیوه های رسیدن به توافق جمعی است. نتیجه این سه سطح و همچنین مطالعه ای که در سطح اجتماع وجود دارد، این است که مسئله ایران در شرایط کنونی افزایش حجم و پیچیدگی مشکلات و در عین حال کاهش توان مقابله با آن است.

.....این صورت بندی از مسئله ایران در توجه به فهم مسئله توسعه راه را بازتر می کند و برای هر کدام از اینها می توان بر اساس تحقیقاتی صورت گرفته، فراتحلیل و همچنین تحلیل ثانوی اغلب آنها را درک کنیم که ما در چه شرایطی هستیم.

.....آن چیزی که من از دو تحقیق سال گذشته یعنی «طرح پیمایش ارزش ها و نگرش های ایران در سال ۹۴» و از «طرح سرمایه اجتماعی» فهمیدم این است که ما با دو ابروند یا Megatrend مواجه هستیم که اینها تدریجی، مستمر، پیوسته و درازمدت بودند اما آنها الان خودشان را نشان می دهند و ما باید به این موضوع توجه کنیم.

.....اولین ابروند، نظام ترجیحات ارزشی جامعه ما است که به سوی ترجیح ارزش های فردی گرایش پیدا کرده و از سوی دیگر به سمت ارزش های مادی رفته است، یعنی به عبارت دیگر جامعه ما نسبت به گذشته مادی گراتر و همچنین فردگراتر شده است. این جریان عمیق که در متن اجتماع رخ داده است، باید ما را متوجه این نکته کند که اگر به آن نپردازیم، ظرفیتهای معنوی و یا غیرمادی توسعه ما، دچار فرسایش می شوند و مقصود من از آن ابروندها، روندهای پیوسته و بلندمدت و نه روندهای مقطعی و منقطع است.

برای گشودگی خودمان به سوی همدیگر و گشودگی ساحت‌های مختلف به سوی هم، فکر کنیم و در این باره تدبیری بیاندیشیم تا راهی پیدا کنیم و من عنوانی کلی برای آن به کار می‌برم، یعنی مسئله گفت‌وگو.

..... ما جامعه‌ای هستیم که از نظر مبانی، مکانیزم، سازوکار و مهارت‌ها، توانش لازم در گفت‌وگو را نداریم و اگر بخواهیم ذهنیت خود را باز کنیم، می‌بینیم که این ذهنیت‌ها عمدتاً به سوءظن نسبت به دیگری و هر نوع دیگری، معطوف است و زمانی که هر غیر مبتنی بر سوءظن باشد، طبیعتاً هر کس باید مراقب باشد که چگونه کلاه سرش نرود..... مک‌کله‌لند (David McClelland) در تحقیق معروفی که در دهه ۴۰ درباره کتاب‌های درسی ایران و ترکیه انجام داده و این دو کتاب را با هم مقایسه کرده بود، به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد..... نتایج تحقیق او نشان می‌داد که ایرانی‌ها در آموزش‌های خود یاد می‌گیرند که چگونه نسبت به دیگری اعتماد نکنند و چگونه سرشان کلاه نرود و این موضوع را با استناد به داستان‌های مختلف کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ایرانی مطرح کرده است، داستان‌هایی از جمله «زاغک و قالب پنیر»، «روبه و لک لک» و «روبه و خروس» به بچه می‌آموزند، «مواظب باش! دور و برت دارند کلاه سرت می‌گذارند.»

..... مک‌کله‌لند در همین تحقیق نشان می‌دهد که حتی زمانی که از یک متفکر اخلاقی همچون سعدی، متنی را برمی‌گزینیم و اشاره به متن معروف «کشتی گیر و مربی» دارد، خواننده با دیدن این شعر می‌آموزد که مربی چه کار درستی کرده است که همه این فنون را به این شاگرد یاد نداده بود چرا که باید آن فن را نزد خود نگه دارد تا که یک روز از آن استفاده کند و به کمک همان یک فن به پیروزی مقابل شاگرد خود برسد.

.... چرا باید هر آنچه که داریم به نسل بعد منتقل نشود؟ ظاهراً برای اینکه اگر نسل بعد قدرتمند شود، ما باید کنار برویم و گویا این برای ما بسیار سخت است که بگوییم باید فضا و زمینه را به نسل بعد بسپاریم..... این ذهنیت‌های سوء امکان گفت‌وگو را از بین می‌برد و از سوی دیگر، در کشور ما مکان‌های گفت‌وگو کم است و این سؤال وجود دارد که «ما در کجا با هم گفت‌وگو کنیم و در کجا باید این دیوارهای بلند بی‌اعتمادی را شکست؟»

.... ما نسبت به این مسئله باید چاره‌اندیشی کنیم و این بدان معنی است که عناصر مادی و زیرساخت‌های مادی توسعه، داشتن سرمایه، فناوری و سایر موارد مهم هستند اما پیش از آن مهم‌تر این است که ما بتوانیم از دادوستد، گفت‌وگو و تعامل با همدیگر تولید سرمایه اجتماعی کنیم و این تولید بتواند ما را به فهم مشترک از مسائل ملی و به اجماع بر سر آن‌ها بکشاند.

ماخذ: گزارش خبری نشست «توسعه ملی و مسئله گفت‌وگو در ایران» در دانشگاه کاشان

..... فردگرایی که جامعه ما امروز با آن مواجه است از جنس آن فردگرایی مسئولانه و مدنی نیست که مضمون اصلی آن اعتماد به نفس، استقلال رأی و شخصیت است، بلکه فرار از مسئولیت، تعهد اجتماعی، اخلاق جمعی و نهادی‌شدن است..... این نوع گرایش، جامعه را از رشد مدنی بازداشته و موجب تضعیف جامعه و نهادهای مدنی می‌شود و چنانچه که خود ما شاهد این موضوع هستیم، میزان اقبال و استقبال دانشجویان در دانشگاه‌ها از ورود به نهادها، شبکه‌ها و تشکلات نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است و به این اعتبار می‌توان گفت نهادهای مدنی که جایی برای آموزش و تربیت مدنی هستند در مواجهه با تهدیدهایی قرار دارند. اینکه علت این مسئله چیست را می‌توان تحلیل و توصیف کرد و گرایش به سمت مادیات و فردیت بیشتر است اما حداقل سه ویژگی را در تبیین این مسئله می‌توان مهم دانست و این خود فصل مشترک تحلیل‌هایی است که صاحب‌نظران علوم اجتماعی دارند..... اولین ویژگی، احساس زوال هنجارهای اخلاقی است و از آنجایی که تصور ما از جامعه، غیراخلاقی‌تر از واقعیت خود جامعه است، جامعه ما هنوز اخلاقی‌تر از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم و در این مورد، تصور مهم‌تر از واقعیت است و باید به اینکه تصور ما بد، مأیوسانه و ناامیدانه است، توجه جدی کرد..... سه احساس در این سیاه‌نمایی تصور ما از جامعه دیده می‌شود که باید به این سه احساس، «احساس زوال هنجارهای اخلاقی»، «احساس بی‌عدالتی و تبعیض» و «احساس فرسایش و اعتماد عمومی» به عنوان مسائل قابل توجه اجتماعی نگاه کرد..... به دلایل مختلف می‌توان درباره اینکه فضای واقعی جامعه از فضای ذهنی جامعه بهتر است، سخن گفت اما تا فضای ذهنی اصلاح نشود آن اتفاق بزرگی که در توسعه باید رخ دهد، نمی‌افتد و آن اتفاق بزرگ، داشتن تصور مثبت از جامعه، ایران و آینده است.

..... ممکن است در این گفت‌وگویی که داریم و نیز صحبت‌های عامیانه مردم ما، این‌طور به نظر برسد که گویی ایران مجمع‌الجزایر همه بدبختی‌ها، ناامیدی‌ها و ناکارآمدی‌ها است در حالی که می‌دانیم در عمل این‌طور نیست.

چه می‌توان کرد تا این تصور از مجمع‌الجزایر بدبختی به تصویری از مجمع‌الجزایر خوشبختی و یا حداقل به شرایطی مبتنی و معطوف بر فرصت و تحلیل در کنار هم، تبدیل کرد؟ و چه می‌توان کرد که قضاوت جامعه نسبت به خود، مدیریت، نظام سیاسی، قضاوت گذشته خود و داشته‌هایش بهبود یابد؟..... اگر این مسئله مورد توجه قرار گیرد، ما می‌توانیم مسئله کانونی توسعه را که بازشناسی ظرفیت‌های مادی و معنوی است به انجام برسانیم، چرا که تجربه و برداشت من این است که وقتی می‌توان نسبت به رشد فردیت و مادیت که به صورتی لجام‌گسیخته و بر اساس ابرروندها (Megatrends) پیش می‌روند، حساس شد..... ما می‌توانیم

فرهنگ ها و رفتارهای جمع گرایی و فرد گرایی

دانیال سلیمانچی

تسهیل می کند، سودمند است. با این حال، تحقق این آرمان دشوار است.

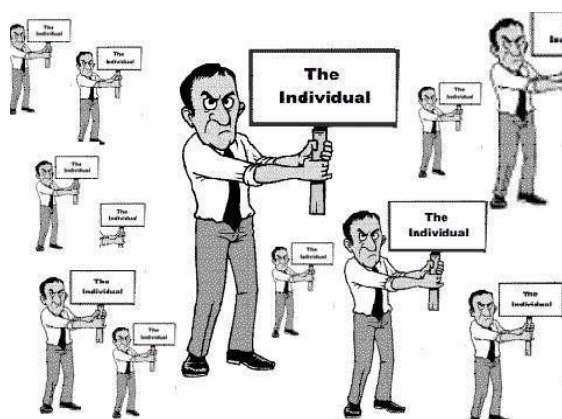
فردگرایی چیست؟

فردگرایی یک دیدگاه ارزشی یا سیاسی است که بر استقلال و آزادی انسان تمرکز دارد. به طور کلی در برابر دخالت های خارجی در مورد انتخاب های شخصی است. ... جوامعی با فرهنگ فردگرایانه افراد را خودمختار می بینند و منحصر به فرد بودن را در اولویت قرار می دهند. ... ظاهراً این اصطلاح ابتدا به عنوان یک اصطلاح تحقیرآمیز، عمدتاً به معنای فردگرایی سیاسی استفاده شد که این نظریه را بیان می کند که دولت باید صرفاً با محافظت از آزادی فرد، نقشی تدافعی ایفا کند تا هر طور که می خواهد رفتار کند، تا زمانی که به خواسته های فرد دیگر احترام بگذارد. الگوی فزاینده ای از فردگرایی در سراسر جهان وجود دارد و احتمالاً با رشد اقتصادی-اجتماعی فزاینده مشابهی همراه است که با درآمد خانوار بالاتر، سطح تحصیلات و نسبت مشاغل یقه سفید مشهود است. ...

تفاوت جمع گرایی و فردگرایی

جمع گرایی اصل یا رویه اولویت دادن به انسجام گروهی بر فعالیت های فردی است. از سوی دیگر، فردگرایی یک دیدگاه ارزشی یا سیاسی است که بر استقلال و آزادی انسان تمرکز دارد. عناصر اصلی جمع گرایی حفظ هارمونی و وظیفه شناس بودن نسبت به درون گروه است. از سوی دیگر، موارد فردگرایی منحصر به فرد و خود مختار هستند.

- هر دو اصول جمع گرایی و فردگرایی، رویه ها، نظریه های سیاسی و الگوهای فرهنگی هستند.
- مردم در یک جامعه جمع گرا به راحتی می توانند منافع فردی



Individualism & Collectivism



جمع گرایی و فردگرایی هر دو اصول، رویه ها، نظریه های سیاسی و الگوهای فرهنگی هستند. آنها اغلب به عنوان متضاد با یکدیگر در نظر گرفته می شوند. جمع گرایی انسجام گروهی را بر فعالیت های فردی اولویت می دهد و روابط بلندمدت را ضروری می داند زیرا اهداف گروه را ارتقاء می دهد. از سوی دیگر، فردگرایی بر استقلال و آزادی انسان تمرکز دارد. به طور کلی در برابر دخالت های خارجی در مورد انتخاب های شخصی است.

جمع گرایی چیست؟

جمع گرایی اصل یا رویه اولویت دادن به انسجام گروهی بر فعالیت های فردی است. روابط بلندمدت را ضروری می داند زیرا اهداف گروه را ارتقا می دهد. مردم در یک جامعه جمعی به راحتی می توانند منافع فردی خود را فدای پیشرفت کل جامعه کنند. در واقع، فردی که دارای نگرش جمع گرایی است، حتی ممکن است احساس خجالت کند اگر مورد تحسین قرار گیرد. یک مطالعه در مورد تصمیم گیری گزارش داد که افرادی که سطوح بالاتری از جمع گرایی دارند، بیشتر وابسته هستند و کمتر به اعضای گروه های مرکزی خیانت می کنند (Le Febvre & Franke, 2013). جمع گرایی یک الگوی فرهنگی است که معمولاً در میان جوامع سنتی مانند جوامع آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مشاهده می شود. این برعکس فردگرایی است که در آمریکای شمالی، اروپای غربی، نیوزلند و استرالیا رایج است. جمع گرایی همچنین یک نظریه سیاسی است که پیشنهاد می کند که قدرت باید در دستان شهروندان به عنوان یک کل قرار گیرد به جای اینکه تنها در دستان چند نفر مانند افراد طبقه بالا باشد. از این رو، ساختن سیستمی که اهداف مشترک را

قابل اعتماد بودن، سخاوتمند بودن و کمک به دیگران اهمیت بیشتری دارد.

فرهنگ های فردگرا اغلب با فرهنگ های جمع گرایانه تر مقایسه می شوند. جایی که جمع گرایی بر اهمیت همکاری گروهی و اجتماعی تأکید می کند، فردگرایی به چیزهایی مانند:

- خودمختاری

- استقلال

- خودکفایی

- منحصر به فرد بودن

در جایی که افراد در فرهنگ های جمع گرایانه ممکن است در زمان های سخت برای حمایت به خانواده و دوستان مراجعه کنند، کسانی که در فرهنگ های فردگرا زندگی می کنند به احتمال بیشتری به تنهایی این کار را انجام می دهند.

فرهنگ های فردگرا تأکید می کنند که افراد باید بتوانند به تنهایی مشکلات را حل کنند یا اهداف را بدون نیاز به تکیه بر کمک دیگران انجام دهند. ...

برای مثال، رویکردهای مراقبت های بهداشتی تحت تأثیر این گرایش ها هستند. فرهنگ های فردگرا بر اهمیت مراقبت از خود بدون وابستگی به دیگران برای کمک تأکید دارند. کسانی که در فرهنگ های جمع گرا هستند ممکن است در عوض بر تقسیم بار مراقبت با گروه به عنوان یک کل تأکید کنند.

اثرات بر رفتار

تأثیر فرهنگ بر رفتار فردی موضوع اصلی مورد علاقه در زمینه روانشناسی بین فرهنگی است. روانشناسان بین فرهنگی مطالعه می کنند که چگونه عوامل فرهنگی مختلف بر رفتار فردی تأثیر می گذارد. آنها اغلب بر چیزهایی تمرکز می کنند که در بین فرهنگ های مختلف جهان و همچنین تفاوت های بین جوامع جهانی است.

یکی از پدیده های جالبی که روان شناسان بین فرهنگی مشاهده کرده اند این است که مردم فرهنگ های فردگرا چگونه خود را در مقایسه با نحوه توصیف خود از فرهنگ های جمع گرا توصیف می کنند.

افراد جوامع فردگرا خودپنداره هایی دارند که بیشتر بر استقلال متمرکز است تا وابستگی متقابل. در نتیجه، آنها تمایل دارند خود را بر اساس ویژگی ها و ویژگی های فردی منحصر به فرد خود توصیف کنند...

روانشناسان از تأثیر قدرتمندی که فرهنگ می تواند بر رفتار فردی و گروهی داشته باشد آگاه تر شده اند. برای درک اینکه چقدر این تأثیرات می توانند قوی باشند، ضروری است که به شباهت ها و تفاوت های بین فرهنگ های جمع گرا و فردگرا نگاه کنیم.

خود را فدای پیشرفت کل جامعه کنند.

- فردگرایی عموماً با دخالت های خارجی در مورد انتخاب های شخصی مخالف است.

- الگوی فزاینده ای از فردگرایی در سراسر جهان وجود دارد و احتمالاً با توسعه اجتماعی اقتصادی فزاینده مشابهی همراه است.

- جمع گرایی انسجام گروهی را بر اهداف فردی اولویت می دهد در حالی که فردگرایی بر استقلال و آزادی انسان تمرکز دارد.

- جمع گرایی معمولاً در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مشاهده می شود در حالی که فردگرایی در آمریکای شمالی، اروپای غربی، نیوزیلند و استرالیا رایج تر است.

فرهنگ ها و رفتارهای فردگرایانه



فرهنگ یکی از عواملی است که می تواند بر نحوه تفکر و رفتار افراد تأثیر بگذارد. یکی از عواملی که روانشناسان بین فرهنگی اغلب مطالعه می کنند، شامل تفاوت ها و شباهت های بین فرهنگ های فردگرا و فرهنگ های جمع گرایانه است.

فرهنگ های فردگرا آنهایی هستند که بر نیازهای فرد بر نیازهای گروه به عنوان یک کل تأکید می کنند. در این نوع فرهنگ، افراد مستقل و مستقل دیده می شوند. رفتار اجتماعی معمولاً توسط نگرش ها و ترجیحات افراد دیکته می شود. فرهنگ ها در آمریکای شمالی و اروپای غربی تمایل به فردگرایی دارند.

چند ویژگی مشترک فرهنگ های فردگرا عبارتند از:

- وابستگی به دیگران اغلب شرم آور تلقی می شود.

- استقلال ارزش زیادی دارد.

- حقوق فردی در قانون توجه قرار دارد.
- مردم اغلب تأکید بیشتری بر برجسته بودن و منحصر به فرد بودن دارند.

- مردم تمایل دارند به خود متکی باشند.

- حقوق افراد از اولویت بالاتری برخوردار است.

در فرهنگ های فردگرا، اگر افراد قوی، متکی به خود، قاطعیت و مستقل باشند، «خوب» در نظر گرفته می شوند. این در تضاد با فرهنگ های جمع گرا است که در آن ویژگی هایی مانند فداکاری،



موانع تصمیم گیری موثر

نویسنده : دکتر فاطمه ابهر

کاملاً منطقی باشیم، زیرا نمی توانیم همه گزینه های ممکن را کاملاً درک کنیم، و همچنین نمی توانیم همه پیامدهای هر جایگزین ممکن را درک کنیم. مغز ما از نظر میزان اطلاعاتی که می تواند پردازش کند محدودیت هایی دارد. به طور مشابه، حتی زمانی که مدیران توانایی شناختی برای پردازش تمام اطلاعات مربوطه را دارند، اغلب باید بدون داشتن زمان برای جمع آوری تمام داده های مربوط تصمیم بگیرند.

تشدید تعهد

با توجه به فقدان اطلاعات کامل، مدیران همیشه در ابتدا تصمیم درستی نمی گیرند و ممکن است تا پس از گذشت مدتی مشخص نباشد که یک تصمیم اشتباه بوده است. به عنوان مثال، مدیری را در نظر بگیرید که مجبور بود بین دو بسته نرم افزاری رقیب که سازمانش به صورت روزانه از آنها برای افزایش کارایی استفاده می کند، یکی را انتخاب کند. او در ابتدا محصولی را انتخاب می کند که توسط شرکت بزرگتر و با سابقه تر توسعه داده شده بود، به این دلیل که آنها منابع مالی بیشتری برای سرمایه گذاری برای اطمینان از خوب بودن فناوری خواهند داشت. با این حال، پس از مدتی مشخص می شود که بسته نرم افزاری رقیب به مراتب برتر خواهد بود. در حالی که محصول شرکت کوچکتر می تواند با هزینه کمی اضافی در سیستم های موجود سازمان ادغام شود، محصول شرکت بزرگتر به سرمایه گذاری اولیه بسیار بیشتر و همچنین هزینه های مداوم قابل توجهی برای نگهداری آن نیاز دارد. با این حال، در این مرحله، فرض کنیم که مدیر قبلاً برای نرم افزار شرکت بزرگتر (پایین تر) پول پرداخت کرده است. آیا او مسیری را که در آن قرار دارد رها می کند، ضرر پولی که تاکنون سرمایه گذاری شده را می پذیرد و به نرم افزار بهتر روی می آورد؟ یا اینکه او به سرمایه گذاری زمان و پول برای تلاش برای کارآمد کردن اولین محصول ادامه خواهد داد؟ تشدید تعهد تمایل تصمیم گیرندگان به متعهد ماندن به تصمیم ضعیف است، حتی زمانی که انجام این کار به نتایج منفی فزاینده ای منجر شود. هنگامی

موانع متعددی برای تصمیم گیری موثر وجود دارد. مدیران در توانایی خود برای جمع آوری اطلاعات جامع و توانایی آنها برای پردازش شناختی تمام اطلاعات موجود محدود هستند. مدیران همیشه نمی توانند همه نتایج ممکن را از همه گزینه های ممکن بدانند و اغلب با محدودیت های زمانی مواجه می شوند که توانایی آنها را برای جمع آوری تمام اطلاعاتی که می خواهند داشته باشند محدود می کند. علاوه بر این، مدیران، مانند همه انسان ها، سوگیری هایی دارند که بر تصمیم گیری آنها تأثیر می گذارد و می تواند تصمیم گیری خوب را برای آنها دشوار کند. یکی از رایج ترین سوگیری هایی که می تواند تصمیم گیری را مخدوش کند، سوگیری تأیید است، تمایل فرد به توجه به اطلاعاتی که باورهای موجود او را تأیید می کند و اطلاعاتی را که با این باورهای موجود در تضاد است نادیده می گیرد. در نهایت، تعارض بین افراد در سازمان ها می تواند رسیدن به یک تصمیم خوب را چالش برانگیز کند.

چه موانعی وجود دارد که تصمیم گیری موثر را دشوار می کند؟ موانع متعددی برای تصمیم گیری موثر وجود دارد. مدیران کارآمد از این موانع بالقوه آگاه هستند و سعی می کنند تا حد امکان بر آنها غلبه کنند.

عقلانیت محدود

در حالی که ممکن است بخواهیم فکر کنیم که می توانیم تصمیمات کاملاً منطقی بگیریم، با توجه به مسائل پیچیده ای که مدیران با آن مواجه هستند، این اغلب غیرواقعی است. تصمیم گیری غیرمنطقی امری رایج است، به ویژه در مورد تصمیمات برنامه ریزی نشده. از آنجایی که قبلاً با موقعیت خاصی مواجه نشده ایم، همیشه نمی دانیم چه سؤالاتی بپرسیم یا چه اطلاعاتی را جمع آوری کنیم. حتی زمانی که ما تمام اطلاعات ممکن را جمع آوری کرده ایم، ممکن است نتوانیم همه آنها را منطقی بسازیم، یا نتوانیم نتایج انتخابی خود را به طور دقیق پیش بینی کنیم. عقلانیت محدود این ایده است که برای مسائل پیچیده نمی توانیم

که ناآشنا، جدید و متفاوت هستند، کمتر راحت باشیم. یکی از رایج ترین سوگیری هایی که ما انسان ها داریم، تمایل به دوست داشتن افرادی است که فکر می کنیم شبیه خودمان هستند (چون خودمان را دوست داریم).

در حالی که این شباهت ها می توانند قابل مشاهده باشند (بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی مانند نژاد، جنسیت و سن)، همچنین می توانند نتیجه تجربیات مشترک (مانند تحصیل در همان دانشگاه) یا علایق مشترک (مانند حضور در یک باشگاه با هم باشند). این تعصب و ترجیح «مشابه من» برای افراد آشنا می تواند به مشکلات مختلفی برای مدیران منجر شود: استخدام متقاضیان کم صلاحیت به دلیل شباهت به مدیر، توجه بیشتر به نظرات برخی از کارکنان و نادیده گرفتن یا تخفیف دادن. برخی دیگر، انتخاب یک فناوری آشنا به جای یک فناوری جدید برتر، چسبیدن به تامین کننده ای شناخته شده نسبت به عرضه کننده ای که کیفیت بهتری دارد و غیره.

غلبه بر تعصبات ما به دلیل نحوه عملکرد مغز ما می تواند فوق العاده دشوار باشد. مغز در سازماندهی اطلاعات در دسته ها برتری دارد و دوست ندارد پس از ایجاد دسته ها، تلاش خود را برای مرتب کردن مجدد صرف کند. در نتیجه، ما تمایل داریم بیشتر به اطلاعاتی که باورهای موجود ما را تایید می کند توجه کنیم و کمتر به اطلاعاتی که بر خلاف باورهای ما هستند توجه کنیم، نقصی که از آن به عنوان سوگیری تایید یاد می شود.

در واقع، ما دوست نداریم باورهای موجود ما به چالش کشیده شود. چنین چالش هایی مانند یک تهدید به نظر می رسند که مغز ما را به سمت سیستم واکنشی سوق می دهد و ما را از توانایی پردازش منطقی اطلاعات جدید از طریق سیستم بازتابی باز می دارد. تغییر نظر مردم در مورد چیزی سخت است اگر آنها قبلاً به اعتقادات خود اطمینان داشته باشند. مدیر مؤثر سعی می کند موقعیت ها را از منظرهای چندگانه ارزیابی کند و نظرات متعددی را جمع آوری کند تا این سوگیری را هنگام تصمیم گیری جبران کند.

تعارض

در نهایت، تصمیم گیری مؤثر می تواند به دلیل تعارض دشوار باشد. بیشتر افراد از تعارض خوش شان نمی آید و در صورت امکان از آن اجتناب می کنند. با این حال، بهترین تصمیم ممکن است تصمیمی باشد که با تعارض همراه باشد.

که به یک تصمیم متعهد می شویم، ممکن است ارزیابی مجدد آن تصمیم به صورت منطقی برایمان دشوار باشد. به نظر می رسد که «در مسیر ادامه دادن» آسان تر از اعتراف (یا تشخیص) ضعیف بودن یک تصمیم باشد. مهم است که اذعان کنیم که علیرغم تلاش های ما، همه تصمیم ها خوب نیستند. مدیران کارآمد تشخیص می دهند که پیشرفت در مسیر اشتباه واقعاً پیشرفت نیست، و آن ها مایلند تصمیم ها را دوباره ارزیابی کنند و در صورت لزوم مسیر را تغییر دهند.

محدودیت های زمانی

مدیران اغلب با محدودیت های زمانی مواجه هستند که می تواند تصمیم گیری مؤثر را به چالش بکشد. زمانی که زمان کمی برای جمع آوری اطلاعات و پردازش منطقی آن وجود دارد، احتمال اینکه تصمیم گیری غیربرنامه ریزی خوبی بگیریم، بسیار کمتر است. فشار زمان می تواند باعث شود که ما به جای درگیر شدن در پردازش عمیق، به اکتشافات تکیه کنیم. اگرچه اکتشافی در زمان صرفه جویی می کند، اما لزوماً به بهترین راه حل ممکن منجر نمی شود. بهترین مدیران دائماً در حال ارزیابی خطرات ناشی از اقدام خیلی سریع در برابر خطرات مربوط به عدم اقدام سریع هستند.

عدم قطعیت

علاوه بر این، مدیران اغلب در شرایط عدم قطعیت تصمیم می گیرند - تا زمانی که واقعاً آن جایگزین را انتخاب نکرده باشند، نمی توانند نتیجه هر گزینه را بدانند. به عنوان مثال، مدیری را در نظر بگیرید که سعی دارد بین یکی از دو کمپین بازاریابی ممکن تصمیم بگیرد. اولی محافظه کارانه تر است اما با آنچه سازمان در گذشته انجام داده است سازگار است. دومی مدرن تر و جدی تر است و ممکن است نتایج بسیار بهتری به همراه داشته باشد. . . یا ممکن است یک شکست چشمگیر باشد. مدیری که تصمیم می گیرد در نهایت باید یک کمپین را انتخاب کند و ببیند چه اتفاقی می افتد، بدون اینکه هرگز بداند نتایج کمپین جایگزین چه خواهد بود. این عدم اطمینان می تواند تصمیم گیری را برای برخی از مدیران دشوار کند، زیرا تعهد به یک گزینه به معنای چشم پوشی از گزینه های دیگر است.

تعصبات شخصی

تصمیم گیری ما نیز با تعصبات خودمان محدود می شود. ما تمایل داریم با ایده ها، مفاهیم، چیزها و افرادی که برایمان آشنا هستند یا شبیه ما هستند، راحت تر باشیم. ما تمایل داریم با چیزهایی

منابع:

Sources: Kendall Baker, "Confirmed: Microsoft is a legit threat to Apple," The Hustle, March 16, 2017. Bob Evans, "10 Powerful examples of Microsoft CEO Satya Nadella's Transformative Vision," Forbes, July 26, 2017. Harry McCracken, "Satya Nadella Rewrites Microsoft's Code," Fast Company, September 18, 2017, <https://www.fastcompany.com/40457458/satya-nadella-rewrites-microsofts-code>. Annie Palmer, "Microsoft has been reborn under CEO Satya Nadella," The Street, September 20, 2017.

شش نوع نیاز وجود دارد که شرکت های تجاری باید آنها را برطرف کنند:

رقابت، مشتری، فناوری، مقررات، اقتصاد، و فرهنگ اجتماعی اطلاعات تجاری داده های خامی هستند که به شکلی تبدیل شده اند که کاربران و مشتریان را در پاسخ به نیاز اطلاعات قادر به تصمیم گیری می سازد. این داده های خام مواردی همچون آمارها، هوشمندی تجاری، اطلاعات تماس، اطلاعات بازار، منابع مالی، قوانین دولتی و تعرفه ها را در بر می گیرد. اطلاعات تجاری به شرکت ها برای مدیریت و ورود به داد و ستد در یک محیط رقابت پذیر کمک می کند.

اطلاعات توسعه ای برنامه های مرتبط با بازار، تولیدات، مدیریت مالی و راهبردهای تجاری و برونادهای فعالیت های پژوهشی است که می تواند شامل نتیجه ها و پیشنهادهای پژوهش محض باشد؛ اطلاعات پویا تمامی داده های تولید شده در دوره مدیریت یک عملیات در حال اجرا را در بر می گیرد. داده هایی مانند سطوح برون داد تولیدات، داده های نظارت بر کنترل کیفیت، فروش کنونی، مطالبات قابل دریافت کنونی، سطوح سهام، تغییرات مهندسی در دست انجام، قیمت گذاری و تعدیل قیمت و مانند آن را شامل می شود؛

اطلاعات تاریخی پیشینه های عملیات تجاری گذشته را در بر می گیرد مانند حساب های پرداختی، داده های مالکیت، نتایج تجارت (سود و زیان)، سوابق کارکنان و پیشینه هایی برای برآوردن الزامات قانونی. به لحاظ جغرافیایی به لحاظ زمانی اطلاعات تجاری می تواند

تمامی جنبه های زندگی امروز ما با اطلاعات گره خورده است بطوریکه یکی از ابزارهای قدرت را داشتن اطلاعات می دانند. مصداق مصرع «توانا بود هر که دانا» بود را در جامعه امروزی شاهد هستیم. توسعه نظام های تخصصی خدمات اطلاعاتی یکی از عرصه هایی است که در بخش کسب و کار یا تجارت بیشتر قابل درک است. داشتن اطلاعات تجاری می تواند به ایجاد مزیت رقابتی و هوشمندی تجاری شرکت ها کمک نماید تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. برنامه ریزی برای رفع نیاز اطلاعات تجاری کاربران و ارائه خدمات اطلاعاتی تجاری مناسب، نیازمند آگاهی و شناخت متخصصان اطلاع رسانی است.

محیط کسب و کار امروزی پر از تردید است، نقش آفرینان متفاوت و مختلفی در آن فعال هستند و تغییرات سریع فناوری در این حیطه باعث شده است که تجارت حوزه ای پیچیده باشد. از طریق استفاده از اطلاعات تجاری، مدیران شرکت ها قادرند، انطباق فعالانه و واکنشی در قبال تغییرات محیطی داشته باشند تا شرکت خود را زنده و پررونق نگه دارند. برخی پژوهش ها ارتباط مستقیمی بین اطلاعات و بهبود عملکرد را گزارش کرده اند.

کسب اطلاعات کافی از شرایط بازاری مشخص، پیش از تولید انبوه، شناسایی مناسب ترین خریداران، آگاهی از مقررات واردات و صادرات، شناسایی جامعه مصرف کننده تأثیر چشمگیری بر کارایی تجارت دارد. تخمین زده می شود که تولید و اشاعه اطلاعات تجاری و خدمات اطلاعات تجاری سالانه ۵۰ میلیارد دلار چرخش سرمایه داشته است.

نیاز به اطلاعات تجاری



تقسیم بندی کرد .

به منظور رفع نیاز اطلاعاتی تجاری، خدمات در قالب یک نظام خدمات اطلاعات تجاری ارائه می شود. خدمات اطلاعات می تواند به عنوان ترکیبی از اطلاعات ، فناوری و افراد تعریف شود که مجموعه ای از فعالیت هایی را دربر می گیرد که دسترسی راحت به داده یا اطلاعات را فراهم می کند. این خدمات تحویل مقاله ها، کتاب ها، گزارش ها، می شود. در فرآیند تعریف یک نظام خدمات اطلاعاتی با سه مرحله طراحی، پیاده سازی و ارزیابی آن سروکار داریم. مهم ترین هدف غایی تمامی نظام های خدمات اطلاعاتی رفع نیاز اطلاعاتی کاربران است و موفقیت یا عدم موفقیت آن خدمات به این مسئله گره خورده است. خدمات توسعه کسب و کار شامل طیف وسیع و متنوعی از خدمات غیرمالی است که به منظور بهبود عملکرد بنگاه های متوسط و کوچک، دستیابی به بازار و ارتقای توان رقابتی این بنگاه ها ارائه می شود و این خدمات بر ویژگی های ساختاری شرکت های متوسط و کوچک تأثیر گذاشته و آنها را رقابت پذیرتر می سازد و امروزه نقش و اهمیت خدمات کسب و کار در توسعه کمی و کیفی بنگاه های کوچک و متوسط در سطح جهانی، به خوبی شناخته شده و به عنوان ابزاری برای توسعه بنگاه ها توجه سیاستگذاران را به خود جلب کرده است.

اطلاعات تجاری باید هم به شکل نوشتاری و هم گفتاری ارائه شود و زبان های محلی نقش مهمی را ایفا می کند و باید به آن توجه شود. اطلاعات تجاری باید در شبکه های اجتماعی که شرکت های متوسط و کوچک در آن قرار دارند نیز ارائه گردد. ارائه خدمات اطلاعات تجاری می تواند در قالب شرکت ها یا مراکز اطلاعات تجاری خصوصی یا دولتی ارائه شود.

در شرکت ها و سازمان ها، اطلاعات در کنار دیگر منابع مانند منابع انسانی و مالی، جز منابع با ارزش محسوب میشود. با توجه به پیچیدگی و عدم قطعیت، یکی از حوزه هایی که امروزه نیاز اطلاعاتی شدیدی در آن احساس می شود، حوزه کسب و کار یا تجارت است که برای بسیاری از امور مانند تصمیم گیری، رفع مسائل و مشکلات کسب و کار، مزیت رقابتی و مانند آن به اطلاعات تجاری احتیاج است. وجود اطلاعات متفرق و ناقص، کمبود وقت مدیران و کارکنان کسب و کار و... موجب می شود تا متخصصان حوزه خدمات اطلاعات وارد شوند و به ارائه نظام خدمات اطلاعاتی تجاری بپردازند تا در قالب خدماتی نظام مند بتوانند نیازهای اطلاعات تجاری شرکت ها را برطرف کنند. با توجه به شرایط اقتصادی و تجاری کنونی کشور، ایجاد نظام خدمات اطلاعات تجاری، یکی از بسترها و زیرساخت های اساسی جامعه ایران است. این اتفاق در کشورهای پیشرفته و حتی در برخی از کشورهای درحال توسعه رخ داده است و نظام های اطلاعات تجاری برای ارائه خدمات اطلاعاتی ایجاد شده است.

منبع: مقاله اطلاعات تجاری: از نیاز تا خدمات

دکتر بابک مختاری ، دکتر زاهد بیگدلی ، دکتر غلامرضا حیدری ، روح اله خادمی ۱۳۹۵

متعلق به زمان گذشته، حال و آینده باشد. اطلاعات تجاری تاریخی شامل تاریخ سنتی شرکت ها، صنایع، توسعه اقتصاد و دیگر حقایق اقتصادی است.

پنج حوزه اصلی کاری شرکت ها به عنوان چهارچوب برانگیزنده نیاز اطلاعات تجاری عبارتند از: تولید، فروش، بازاریابی، امور مالی و کارکنان.

مدیران در دو سطح به اطلاعات نیاز دارند: در تجارت فوری یا محیط وظیفه ای برای راهنمایی آنان در تصمیم گیری عملکردی و در محیط تجاری گسترده تر برای برنامه ریزی راهبردی بلندمدت. وجود اطلاعات مرتبط صحیح معمولاً دقت تصمیمات را بالا می برد. دیگر استفاده کنندگان از اطلاعات تجاری شامل استفاده کنندگان از اطلاعات تجاری آموزشی مانند دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشکده های کسب و کار یا استفاده کنندگان عمومی و حرفه مندانی همچون تصمیم گیرندگان، روزنامه نگاران، مهندسان و مانند آنها هستند.

نیازهای اطلاعات تجاری و کسب و کار را با زیرمجموعه هایی به قرار زیر بیان کرده اند:

فعالیت های پیمایش محیطی و فعالیت های بازاریابی شبکه ای که عملکرد مالی و مانند آن از یک شرکت یا صنایع را با شرکت و صنایع دیگر مقایسه میکند، نظارت بر رقبا، کشف شرکت ها یا صنایع جدید

ردیابی فعالیت های مشتریان، ردیابی شرایط تجاری و اقتصادی، گرایش ها در صنایع، تغییرات بازار، نظارت بر قوانین و دستورالعمل هایی که بر کسب و کار تأثیر میگذارد و تأثیر نوآوری های فناوری ، فعالیت های ادغام و کسب ، طرح ریزی برای ورود به بازار جدید، ساخت برنامه سودآور برای شرکت، تحلیل بازار، توسعه کسب و کار ، تعیین سطوح دستمزد، انتخاب مکان جدید، کامل کردن بررسی پس زمینه شرکت ، زمان و مکان نمایشگاه هایی که برگزار می شوند از جمله منابع اطلاعات تجاری که در پژوهش های مختلف به دست آمده است، می توان به منابعی همچون همکاران و دوستان، روزنامه، تبلیغات، رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو، بخش های تجاری مانند اتاق های بازرگانی، خدمات اطلاعات تجاری، مراکز اطلاعات ، منابع اینترنتی، مشتریان و مانند آن اشاره کرد.

منبع تولید اطلاعات تجاری را می توان به دو دسته اطلاعات داخلی و خارجی تقسیم کرد. اطلاعات داخلی اطلاعاتی درباره عملکردهای داخلی سازمان یا شرکت است که توسط آن سازمان یا شرکت برای استفاده در خود شرکت یا سازمان تولید شده است. اطلاعات حسابداری یک نوع خاص از اطلاعات داخلی است. اعداد و ارقام تولید و فروش و قیمت تمام شده مواد نیز جزو اطلاعات تجاری درونی هستند. اطلاعات تجاری بیرونی توسط موجودیت های مختلفی تولید می شود که می توان آنها را در گروه هایی همچون سازمان های عضو (مانند انجمن ها، اتاق بازرگانی، اتحادیه ها و اصناف)، مراکز پژوهشی، دولت و متخصصان و کارشناسان

خلیج فارس دنیایی از نعمت ها و ظرفیت ها



دارند. کشور ما دارای سواحل طولانی و مناسب برای انجام تبادلات دریایی است که علاوه بر نقل و انتقال کالا بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراودات تجاری با کشورهای دور دست را نیز فراهم ساخته است. این فرصت برای کشور ما وجود دارد که علاوه بر نقل و انتقال کالاهای داخل کشور، محل و نقطه ای برای ترانزیت کالاهای دیگر کشورهای همسایه به ویژه همسایگان شمالی باشد.

معادن دارو و غذا

خلیج فارس دارای ظرفیت های فراوانی در زمینه غذا و دارو است که هرچند تاکنون به خوبی از این ظرفیت به خوبی استفاده نشده است ولی در مسیر شناخت و استفاده از این قابلیت های کارهای خوبی آغاز شده است. مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس نیز کوشش های خود را بر گستره سلامت نهاده است که هدف این گستره کشف داروهای جدید، تولید حسگرهای زیستی و کیت های تشخیص پزشکی تجاری بر پایه فرآوری های مولکولی با منشأ دریایی، توسعه سیستم های پیشرفته در کشت و پرورش، کشت مولکولی، کشت بافت، سنتز شیمیایی و .. باهدف ایجاد منابع پایدار و نوین در صنعت دارو و محصولات کاربردی در مراقبت های سلامت و نیز تولید مکمل ها و افزودنی های غذایی با منشأ آبزیان دریایی است. زیست فناوری دریایی در گستره محصولات و فرایندهای صنعتی به تولید پلیمرهای زیستی دریایی، تولید محصولات پروتئینی و آنزیمی، تولید مکمل های غذایی و افزودنی های غذایی و نیز بیان پروتئین ها و آنزیم های دریایی در میزبان

خلیج فارس دارای فرصت ها و ظرفیت های بسیار زیادی در زمینه های مختلف است که باید از این نعمت ها به خوبی استفاده شود. خلیج فارس به عنوان دریایی از موهبت های فراوان دارای ظرفیت ها و فرصت های بسیار زیادی است که تاکنون فقط از بخشی از این ظرفیت ها استفاده شده است و بسیاری از این ظرفیت ها بلااستفاده مانده است. با وجود این ظرفیت ها و فرصت ها، تهدیدهای فراوانی نیز در خلیج فارس وجود دارد که باید ضمن استفاده از فرصت ها برای رفع تهدیدها نیز برنامه ریزی و اقدامات لازم انجام شود.

هاب انرژی

خلیج فارس در حوزه انرژی یکی از مهمترین مناطق جهان محسوب می شود و بخش عمده انرژی به ویژه سوخت فسیلی از این آبراه تأمین و به دیگر مناطق دنیا منتقل می شود. سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس مملو از صنایع و تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی است و بزرگترین میادین گازی دنیا و میادین متعدد و بزرگ نفتی و صنایع عظیم پتروشیمی و پالایشگاهی در این سواحل مستقر شده است. گسترش صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در خلیج فارس علاوه بر فرصت هایی که دارد، یک تهدید جدی نیز برای محیط زیست دریایی محسوب می شود و همواره شاهد بروز مشکلاتی در این زمینه هستیم. ...

امروزه بخش عمده ای از نقل و انتقال کالا بین کشورها از طریق دریا انجام می شود و کشورهایی که از سواحل مناسب برخوردار هستند، امتیاز بزرگی را در زمینه صادرات و واردات کالا در اختیار

ساکنان محیط پیرامونی آن مردم و خصوصا دارد، محیطی جذاب برای جانوران دریایی است که تنوع زیستی بسیار بالایی دارد. به غیر از انواع آبزیان ماکول و غیرماکول در خلیج فارس، آب سنگهای مرجانی زیباترین چشم اندازها را در خلیج فارس خلق می کنند. شاید از نظر زیبایی، هیچ محیط طبیعی دیگری در جهان قابل مقایسه با مناطق مرجانی نباشد. صدها و بلکه هزاران موجود کوچک و بزرگ با رنگ های زیبا و متنوع و بسیار شگفت انگیز، منظره بدیع و شگفت آوری را در مقابل چشمان بیننده پدید می آورد که توصیف آن امکان ندارد.

گردشگری دریایی

یکی از مهم ترین ظرفیت های خلیج فارس را می توان گردشگری دریایی عنوان کرد که در کشورهای مختلف حوزه خلیج فارس سرمایه گذاری گسترده ای در این زمینه صورت گرفته است. صنعت گردشگری به عنوان یکی از پردرآمدترین صنایع جهان می تواند نقش مهمی را در تأمین رشد اقتصادی کشورها ایفا کند و از سوی دیگر رشد اقتصادی نیز می تواند با توسعه تسهیلات و زیر بناهای گردشگری موجب توسعه صنعت گردشگری شود. امروزه صنعت گردشگری به عنوان یک صنعت کارساز با ارزش افزوده نسبی در سطح جهان مطرح است به طوری که با ورود یک گردشگر گاهی هشت فرصت شغلی ایجاد می شود. کشور ایران با توجه به جذابیت های متنوع گردشگری از جمله مناظر طبیعی و چهارفصل، آثار تاریخی و با ارزش، صنایع دستی متنوع و تمدن هفت هزار ساله می تواند از مزایای این صنعت بهره مند شود. ...

منبع : هفته نامه دریای جنوب - چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

مناسب برای کاربردهای صنعتی می پردازد.

آبزی پروری و صیادی

یکی از اولین استفاده هایی که از خلیج فارس می شده و هنوز هم می شود، صید و صیادی بوده که بسیاری از ساحل نشینان از این طریق امرار و معاش می کنند. البته استفاده از شیوه های مخرب صید از جمله صید ترال و ورود کشتی های بزرگ صیادی به خلیج فارس باعث تهدید صیادی در خلیج فارس شده است و ذخایر آبزیان رو به نابودی است. یکی از مهم ترین کارهایی که باید برای حفظ ذخایر آبزیان در خلیج فارس مد نظر قرار بگیرد، توسعه آبزی پروری به جای صیادی است که در این راستا کارهای خوبی صورت گرفته است. هم اکنون سایت های بزرگ تولید میگوی پرورشی در سواحل خلیج فارس توسعه یافته است و همواره اراضی جدید برای کشت میگو اضافه می شود. در زمینه پرورش ماهی نیز اقداماتی صورت گرفته و علاوه بر پرورش ماهی در قفس در خلیج فارس، طرح های متعددی نیز در اراضی ساحلی در دست اجرا است.

تجارت دریایی

بسیاری از ساحل نشینان خلیج فارس در زمینه تجارت دریایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مشغول به فعالیت هستند و هرچند تغییراتی در این مشاغل ایجاد شده ولی همچنان پابرجا است. علاوه بر افرادی که بر روی شناورها برای حمل و نقل دریای فعالیت دارند، افراد زیادی هم هستند که در زمینه فروش این محصولات در داخل کشور فعالیت دارند. محیطی جذاب برای جانوران دریایی خلیج فارس علاوه بر فواید و مزایایی که برای

کتاب محیط و رفتار اجتماعی

ایروین آلتمن

چهار مفهوم "خلوت"، "ازدحام"، "قلمرو" و "فضای شخصی انسان" در کتاب محیط و رفتار اجتماعی ایروین آلتمن براساس دیدگاه اجتماعی روان شناختی تحلیل شده است.

"خلوت فزاینده نظارت بر مرز خود/ دیگری است. فرد و همین طور گروه گاه نیاز به "با دیگران بودن" دارد و گاه نیاز به "جدا از دیگران بودن". خلوت فرایندی دیالکتیکی و دایم در حال تغییر است. پس لازم است محیط هایی تدارک دیده شود که با این ویژگی سازگار باشد. فضای شخصی نیز فرایندی دیالکتیکی و متغیر است.

پژوهش ها حاکی از متفاوت بودن ساز و کارهای فضای شخصی در مورد مردان، زنان و گروه های گوناگون است. می توان به راه کارهایی در طراحی محیط دست یافت که فضای شخصی را همزمان با تغییر شرایط به شکل مناسب تغییر دهد.

نقش قلمروها تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام های اجتماعی است. قلمروهای اولیه، مثل خانه، به آسانی قابل تشخیص است. ولی شناسایی قلمروهای ثانویه و عمومی، مثل ورودی ها، راه پله ها و زمین های بازی، گاه دشوار است. طراح می تواند با دست زدن به ابداعات و ابتکاراتی تعریف این قلمروها را وضوح بخشد و با این کار از بروز مشکلات جلوگیری نماید... ازدحام وقتی رخ می دهد که خلوت کسب شده کمتر از خلوت مطلوب یعنی تعامل اجتماعی بیشتر از مقدار مطلوب آن باشد... ازدحام پس از گذشت مدتی طولانی بر عملکرد فرد تأثیری مخرب دارد. به بیان دیگر، ازدحام می تواند در دراز مدت هزینه هایی داشته باشد که پس از دوره موفقیت آمیز سازش آثار منفی آن خود را نشان می دهد...".



نگاهی به کتاب محیط و رفتار اجتماعی

علیرضا کرمی، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

۶ - نزدیک شدن بیش از حد دیگران به ویژه بیگانگان به خود، تهدید تلقی می شود و گریز و نگرانی را در پی دارد.
۷ - فضای شخصی بیش از حد بزرگ، مخصوصا وقتی که به رابطه با دیگران تمایل داریم نامطلوب است.
۸ - مناطق بسیار نزدیک هم مانند فواصل بسیار دور مطلوب نیست.

چند رهنمون درباره طراحی محیطی :

۱ - خلوت :
در گذشته خلوت متشکل از حذف و کناره گیری به شمار می رفت و طراحان این برداشت از خلوت را با طراحی قسمت هایی مجزا و مستقل در خانه ها و مکان های دیگر پیاده می کردند.
اصل کلی این است که سعی کنیم محیط هایی تاثیر پذیر طراحی کنیم که انتقال در حالت تفکیکی به حالت باهم بودن را میسر سازد. یعنی به افراد محیط هایی ارائه کنیم که با تمایلات متغیر آنها به تماس داشتن یا نداشتن با دیگران سازگار باشد و به خلق محیط هایی بپردازد که نظارت بر تماس با دیگران را به درجات مختلف میسر سازد. چرا به جای تغییر مکان، از مکانی واحد برای اهداف گوناگون استفاده نکنیم و با توجه به نیازهای خود تغییر ندهیم؟

۲ - فضای شخصی :

طراحان محیطی به طور شهودی به سازوکارهای فضای شخصی در شکل طراحی مبلمان و دکوراسیون دفتر کار و اتاق پذیرایی و غیره حساسیت نشان داده اند. برای مثال میز تحریر و صندلی های اتاق کار معمولا فاصله ای حدود ۱۲۰ سانتی بین افراد ایجاد می کند. (منطقه فاصله اجتماعی «هال ۱۹۶۶»). چیدمان مبلمان برای ایجاد فضایی «خودمانی» یا «رسمی».
آیا محیط ها به این قصد طراحی می شوند که افراد مجبور باشند در آنجا در فضای شخصی خاصی گیر کنند؟ (مانند صندلی های ثابت در اماکن مختلف). آیا نمی توان صندلی ها را طوری طراحی کرد که استفاده کننده چند حالت را در اختیار داشته باشد؟
می توان «فضای شخصی» را طوری بر اصول طراحی اعمال کرد که بیانگر تعامل اجتماعی متغیر باشد.
۳ - قلمرو:

قلمروها باید طوری طراحی شوند که افراد بتوانند اولیه، ثانویه یا عمومی بودن آنها را تشخیص دهند و استفاده کنندگان به میزان مناسب بر مکان نظارت داشته باشند.

رفتار اجتماعی انسان و نحوه استفاده افراد از محیط در روند تعامل اجتماعی به ویژه بر حسب مفاهیم کلیدی خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام بررسی می شود.

«خلوت»: فرایند قراردادی مهمی است که فرد یا گروه بر اساس آن خود را کامیاب در ارتباط با دیگران قرار می دهد. «فضای شخصی» و «قلمرو» ساز و کارهایی برای دستیابی به میزان دل خواهی از خلوت هستند و «ازدحام» وضعیتی اجتماعی است که در نتیجه عدم کارایی سازوکارهای خلوت پیش می آید و منجر به روابط اجتماعی نامطلوب در افراد می شود.

چهار حالت مختلف خلوت (از نظر وستین. ۱۹۷۰):

- ۱ - تنهایی (دور از چشم دیگران و در نهایت خلوت)
- ۲ - محرمیت (گروهی کوچک از بیگانگان جدا می شوند).
- ۳ - گمنامی (فرد در مکان عمومی و در میان جمع است اما کسی او را نمی شناسد).
- ۴ - خودداری یا تو داری (ایجاد مانعی روانی در برابر مزاحمت ناخواسته).

کارکردها یا عملکردهای حاصل از چهار حالت خلوت:

- ۱ - استقلال فردی و هویت فرد.
 - ۲ - تخلیه عاطفی
 - ۳ - خود سنجی
 - ۴ - فراهم آوردن ارتباطهای محدود و مناسب.
- فضای شخصی: دومین لایه محیط فیزیکی که یکی از سازوکارهای خلوت به شمار می رود.
- اهداف تنظیم خلوت:**
- ۱ - نظارت بر مرز میان خود و دیگران.
 - ۲ - ارتباط با دیگران
 - ۳ - هویت فردی.

نتایج حاصل از پژوهش ها در زمینه فضای شخصی :

- ۱ - روابط مخدوش روانی و عاطفی-اجتماعی افراد در فضای شخصی شان منعکس می شود.
 - ۲ - جنسیت اثر گذار است و دختران زودتر از پسران کنترل فضای شخصی خود را به دست می گیرند.
 - ۳ - فضای شخصی مردان نسبت به زنان کمتر نفوذپذیر است.
 - ۴ - اختلافات فرهنگی تاثیر مستقیم در فضای شخصی دارد.
- ۵- مرز پیرامون افراد در موقعیت های غیررسمی نفوذ پذیری بیشتری دارد.

مسائل اساسی جامعه ایران

«ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی، بحران تامین آب، بیکاری، فساد سیستمی، امید به آینده، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، بحران ریزگردها، پیامدهای بحران آب، فقر و نابرابری و رکود اقتصادی ۱۰ مساله و مشکل اصلی ایران به شمار می روند.

دیگر مسائل قابل اشاره عبارتند از: بی تفاوتی اجتماعی اخلاق عمومی آلودگی هوا امنیت روانی و اجتماعی نزاع های سیاسی جریان های قدرت قاچاق و فریبگی اقتصاد زیرزمینی تخریب تنوع زیستی، مسائل جنگل ها و گونه های زیستی جانوری مسائل سلامت روان تخریب منابع خاک نزاع های آب بر سر انتقال آب در داخل ایران و با کشورهای همسایه اختلافات درون حاکمیتی درباره مسائل فرهنگ پیامدهای تغییرات اقلیمی برای ایران سوء مصرف مواد ضرورت بهره وری انرژی و توجه به انرژی های نو آموزش

تمرکزگرایی در کلان شهرها چالش های توسعه گردشگری حاشیه نشینی شهری مسائل دارو تورم مسائل ازدواج حرکت به سمت پیری جمعیت فقدان سواد رسانه ای بحران صندوق های بازنشستگی چالش های قومی نزاع های هویتی تغییر الگوی خانواده مسکن تغییر الگوی بیماری و شیوع بیماری های مزمن مشکلات زیرساختی ناوگان حمل و نقل تحولات دینداری ایرانیان مسائل نسلی توسعه انفجاری بازار فناوری اطلاعات شبکه های ماهواره ای سهم کشاورزی در رشد تولید ناخالص داخلی ضرورت نوسازی شهری مشکلات ساختاری آموزش عالی گسترش اختلافات میان فرهنگی در سطح جهانی ماخذ: پژوهش «گروه تحقیقاتی آینده بان»

قلمروهای اولیه مثل خانه ها معمولا این هدف را خوب تامین می کنند زیرا افراد به این قلمروها احترام می گذارند و به آسانی قابل تشخیص اند. اما قلمروهای ثانویه و عمومی گاه به دشواری قابل شناسایی اند. بنابراین طراحی محیط باید به ابداع راههایی بپردازد که این قلمروها را به وضوح تعریف کند و مدت زمان مالکیت آن را مشخص کند. در این صورت تضاد و تجاوز پیش نمی آید.

پژوهش «تیومن ۱۹۷۲» به کاستی های طراحی قلمروهای ثانویه و عمومی مثل ورودی ها، زمین های بازی و راهروها در مجتمع های مسکونی شهرها اشاره دارد.

در طراحی باید شرایط افراد مختلف را در نظر گرفت و مطمئن شد که قلمرو آنها و نیازهای اجتماعی خاصشان را برآورده می سازد.

در طراحی هم باید کارکردهای «تکلیفی» را در نظر گرفت و هم نظارت بر «تعامل اجتماعی» را، تا افراد مجبور نشوند با محیط کلنجار بروند. پیشنهاد می شود طراحان به شیوه های رفتاری استفاده کنندگان و همین طور حالات ادراکی شناختی انگیزشی آن توجه کنند. شیوه های رفتاری فرد، گروه یا یک فرهنگ ممکن است به دلیل فشارها و قید و بندهای محیطی تغییر و تحول یابد و ما را بر سر دو راهی در طراحی قرار دهد. بیرون آمدن از این دو راهی کاملا روشن نیست اما می توان در این راستا دو گام برداشت:

۱ - به حداکثر رساندن قابلیت های محیطی (انعطاف پذیری فضاها).

۲ - آموزش شیوه های استفاده از محیط به افراد. مردم این رامی دانند که فقط ایجاد محیط های جدید کافی نیست بلکه باید نحوه بهترین استفاده از آن را آموخت.

افراد همیشه به شیوه های پیش بینی شده از محیط استفاده نمی کنند. برای اینکه درآینده محیط های بهتری طراحی کنیم لازم است به شیوه استفاده افراد از محیط موجود دقت کنیم و قبل از طراحی مراحل زیر را مورد سنجش قرار دهیم.

۱- برنامه ریزی

۲ - جمع آوری اطلاعات درباره نیازها، تمایلات، سبک نظارت استفاده کننده بر خلوت افراد.

۳ - ارزیابی درازمدت پس از طراحی جهت تصحیح کاستی ها.



نگاهی به آفات و چالش های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

تدوین و تنظیم : نجمه خدیوی



الف) آفات اقتصادی

مهم ترین آسیب ها و آفات نظام جمهوری اسلامی در
حوزه اقتصاد عبارتند از :

۱ - وابستگی اقتصادی

امام راحل (ره) وابستگی اقتصادی را ریشه وابستگی سیاسی و نظامی می داند و اگر اقتصاد ما مستقل نشود ، نظام اسلامی آسیب جدی می بیند ، چنان چه فرمودند :

« اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب این می شود که وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم . و وابستگی نظامی هم حتی پیدا بکنیم . مملکت مان باز برگردد به آن حالی که سابق بود . » (صحیفه امام «ره» : ج ۱۲ ، ص ۴۱)

۲ - احتکار و گران فروشی

احتکار و گران فروشی ، اقتصاد خانواده های متوسط و کم درآمد را تهدید می کند و حتی به فروپاشی نظام خانواده منجر می شود و در نهایت نظام جمهوری اسلامی آسیب جدی می بیند .

امام راحل (ره) در این زمینه فرمودند :

« گران فروشان و محتکران بی انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است . امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود ، کوشش در تضعیف اسلام است . اینجانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواستہ تر و خشک با هم بسوزند . و راه گریزی در کار نباشد «اعوذُ بِاللّٰهِ مِنْ غَضَبِ الْحَلِیْمِ» ، بهتر است بازاریان محترم که استوانه فعال جمهوری اسلامی می باشند توطئه این بی انصاف ها را که لکه ننگی بر دامان آنان هستند ، با تدبیرات عاقلانه خنثی نمایند . » (صحیفه امام «ره» : ج ۱۷ ، ص ۳۸۱)

۳ - ربا خواری

ربا خواری آفت بزرگی است که فرد و جامعه را فاسد می کند ، امروز متأسفانه ، به راحتی افراد سودجو و سرمایه دار درآمدهای هنگفتی را از طریق رباخواری به دست آورده اند ، حتی سیستم بانکی کشور نیز به این آفت آلوده است . امام راحل (ره) درباره این آفت بزرگ فرمودند :

« اگر ربا رواج بگیرد ، فعالیت کم می شود . یکی از نکاتش (این است که) در مقابل کار نیست این سودی که می برد آن توی خانه

اش نشسته و عیاشی می کند و پولش دارد می زاید .

یک همچو چیزی را که بخواهد ربا بگیرد آدم و تحمیل بکند به مسلمین ، این از یک طرف یک ظلمی است به جهت آیه شریفه که تعبیر به ظلم کرده است و از یک طرف دیگر بیکاری درست می کند ، این پول باید راه بیفتد و کار انجام بگیرد از آن ، و رزق پیدا بکند این ها پول را همین طور می گذارندش آن جا دست یک کسی و می خواهند این پول بزاید برای خودشان بدون کار و این در جامعه فساد بزرگی است و این را ظلم گفته است قرآن شریف : «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» آنطور تشبیه کرده است . فَادْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ . (صحیفه امام: ج ۱۲ ، ص ۴۲۷)

اصل بهره پول یک امری است ، بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت که یک پولی آن جا گذاشته اند . بعد آن پول ، نه کاری ، نه چیزی ، یک چیزی در آوردند . بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ ، این بزاید بهره بردارد .

در اسلام این البته به هر صورتش حرام است . (صحیفه امام: ج ۷ ، ص ۴۲۵)

مسئله بانک از مسائل مهمی است که چنان چه ربا از بانک حذف نشود ، مشمول آیه شریفه و روایات کثیره می شویم که آیه شریفه می فرماید : کسانی که ربا می خورند این ها اعلام جنگ با خدا و پیغمبر بکنند . این تعبیر در کم جایی واقع شده است که اعلام جنگ است . بیان کسانی که می خواهند ربا بخورند با خدا و پیغمبر . روایات بسیار ما داریم که هیچ جای شبهه در این روایات نیست که در بعضی از آن ها تعبیری شده است که شاید برای

۶ - فشار اقتصادی بر مردم

نظام اقتصادی کشور باید به گونه ای هدایت بشود که موجبات رفاه و آسایش را برای اقشار مختلف مردم به ویژه طبقه پائین جامعه فراهم کند . و اگر فشار اقتصادی بر مردم مهار نشود از عدالت مسئولان ناامید می شوند و از صحنه خارج می گردند . امام راحل (ره) در این باره فرمودند :

« ما باید اینقدر سخت نگیریم و به فکر مردم باشیم . مردم ما خیلی زحمت کشیده اند . مردم عادی غیر از طبقه مرفه هستند . مردم عادی ما اسلام را پیاده کرده اند و تمام زحمات حکومت را متحمل می شوند . پس ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند . » (صحیفه امام: ج ۱۹، ص ۴۴)

(ب) آفات فرهنگی مهم ترین آسیب های فرهنگی عبارتند از :

۱ - غفلت از اخلاق دینی

مهم ترین هدف انقلاب اسلامی ، تربیت انسان ها بر اساس آموزه های دینی اسلام بوده است بی توجهی به آن می تواند مسیر اصلی انقلاب را تغییر دهد ، امام راحل در این باره فرمودند :

« همان طوری که معلم علوم دین فقط اگر بخواهد علوم دینی را یاد بدهد و توجه به اخلاق دین نداشته باشد و توجه به سازندگی این طفل ، یا این جوان نداشته باشد . ممکن است غائله بار بیاورد و کشور را به تباهی بکشد ، معلم غیر علوم دینی هم همین طور است . در هر رشته ای که تعلیم واقع می شود . چنان چه در آن رشته خدای نخواستہ انحراف ایجاد بشود معلمینی یا اساتیدی باشند که بخواهند انحراف ایجاد کنند ، هم خودشان شریکند در این جرم هائی که از آن ها صادر می شود ، و هم کشورشان ه تباهی کشیده می شود . به حسب امکان هم چون نیست که وظیفه شما آقایان که معلم دینی هستید این باشد که تعلیم کنید شما باید این عده ای که در دست شماست تعلیم کنید و اهمیت تربیت را از تعلیم بیشتر بدانید . » (صحیفه امام: ج ۱۴، ص ۳۶)

۲ - انحراف حوزه و دانشگاه

حوزه و دانشگاه به عنوان دو بازوی انقلاب اسلامی سهم بسزائی در پیروزی انقلاب و هدایت آن داشته اند که انحراف در آن دو می تواند آسیب جدی ای به نظام اسلامی ایران وادار کند امام راحل (ره) در این باره فرمودند :

« جناح دانشگاه و فیضیه ، که بحمدالله ، امروز با هم تحکیم وحدت کرده اند و با هم یک عضو برای جامعه شده اند این ها می توانند که کشور را به استقلال حقیقی و آزادی برسانند و اگر خدای نخواستہ ، این دو قشر انحراف پیدا کنند ، مطمئن باشید که کشور و احکام اسلامی به انحراف کشیده می شود . » (صحیفه

هیچ چیز نشده است که یک درهم ربا شدتش بیشتر است از اینکه هفتاد زنا بکند

و اگر چنان چه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواستہ باز در بانکش ، در تجارتش ، در بین مردمش باشد ، ما نمی توانیم بگوئیم که ما جمهوریمان اسلامی است ، محتوای جمهوری ، اسلامی است . » (صحیفه امام: ج ۱۸، ص ۴۳۴)

۴ - بیکاری و کم کاری

بیکاری و کم کاری هر دو آفت اقتصادی کشور است و موجب می شود که نابسامانی ها و مفاسد اجتماعی رواج پیدا کند

« آن هایی که از شما خوردند آرام نمی نشینند . آنها در صدد این هستند که جبران کنند شکست خودشان را و شکست خودشان را بخواهند جبران کنند به جهت آن طوری که وضع آن ها و سیره آن هاست . به دست خود شما می خواهند جبران کنند . می



خواهند شکست شما به دست خودشان باشد ، و این امر بسیار مهم است و باید بسیار روبش دقت بشود ، اگر مردم را در کارخانه ها ، در کشاورزی وادار کنند به اینکه ، با ایادی خودشان ، وادار کنند به اینکه سستی کنند در امر کشاورزی که در رأس امور یک کشور امثال کشور ماست و آنهائی که در کارخانه ها کار می کنند وادار کنند به کم کاری ، و کارهای دیگر ، از آنجا نقطه شکست ما شروع می شود.» (صحیفه امام: ج ۱۷، ص ۳۳)

۵ - بی عدالتی

بی عدالتی در ارائه مزایای اجتماعی و مواهب طبیعی به اقشار مختلف جامعه ، موجب نارضایتی مردم و در نهایت لطمه به نظام جمهوری اسلامی است . امام راحل در این باره فرمودند :

« حالایی که ما جمهوری اسلامی پیدا کردیم و هیاهو کردیم کما ظلم نمی خواهیم ، حالا ما که اولی هستیم به اینکه این عدالت را اجرا بکنیم ، اولی هستیم به اینکه اعوجاجات را مستقیم کنیم . خدای ناخواستہ از ما عملی صادر بشود که بر خلاف مجاری عدالت است انحراف است » (صحیفه امام: ج ۸، ص ۵۲۵)

امام: ج ۱۷، ص ۱۱۱)

۳ - روشنفکران مغرض

اصولاً روشنفکران مغرض و بیمار در ایران، در راستای ضدیت با آرمان های دین، ترویج آزادی غربی، احیای فرهنگ و اندیشه منحط غربی و تبلیغ جدائی دین از سیاست حرکت کرده و می کنند، امام راحل (ره) در مورد خطر آنان فرمودند:

«درد دل ها زیاد است. ما از سر نیزه ها و مسلسل ها و این ها فارغ شدیم. سر قلم ها حالا بر ضد ماست. قلم ها به جای نیزه ها آمده است! مقاله ها به جای مسلسل ها، حالا به روی اسلام بسته شده است. الآن ما گرفتار سر نیزه نیستیم، ما گرفتار قلم هستیم، اهل قلم، گرفتار و روشنفکرها هستیم، گرفتار آزادی خواه ها هستیم که آزادی را نمی دانند چه هست! یعنی چه آزادی! ما الآن گرفتار این ها هستیم. (صحیفه امام: ج ۸، ص ۲۵)

۴ - بی توجهی به نیازهای فرهنگی نسل آینده

یکی از راه های تداوم انقلاب اسلامی انتقال صحیح آن به نسل آینده است. اگر آیندگان خوب تربیت نشوند و حقیقت انقلاب را درک نکنند بدیهی است که حافظان خوبی برای انقلاب نخواهند بود. امام راحل (ره) سهل انگاری در این زمینه را گناهی بزرگ می شمارد و می فرماید:

«فرزندان عزیزم، شما خوب می دانید که مقدرات جمهوری اسلامی در آینده به شما سپرده می شود. از خود و دوستان کاملاً مراقبت نمایید تا در ابعاد مختلف، چه بعد اعتقادی و چه ابعاد دیگر صراط مستقیم بپیمائید زیرا گرایش به یکی از مکتب های انحرافی و نیز وابستگی فکری و عملی به غرب و شرق اگر چه بسیار کوچک، نه تنها خودتان را نابود می کند که در صورت سهل انگاری، و لو در دراز مدت به دیگران سرایت خواهد کرد و همه ما در پیشگاه خداوند متعال و نسل های آینده مسئول خواهیم بود. (صحیفه امام: ج ۱۷، ص ۱۰۲)

۵ - صدا و سیما (در صورت منفی)

صدا و سیما نقش مؤثر در هدایت یا ضلالت جامعه دارد و به تعبیر امام راحل مدرسه عمومی است، انحراف در این سازمان عظیم می تواند کشوری را به انحراف بکشاند. امام راحل در این باره فرمودند:

«می تواند این دستگاه با اندک انحرافی میلیون ها مردم را منحرف کند و با اندکی اشتباه مردم را به اشتباه بیندازد و می تواند که چنان چه انشاءالله صد در صد در راه ارشاد و در راه اسلام شد، میلیون ها جمعیت را، صدها میلیون جمعیت را هدایت کند. بنابراین یک دستگاهی است که نباید ما این را کم بشمریم. دستگاهی است که با صحت او بسیاری از مردم در داخل و خارج صحیح می شوند و با فساد او فاسد می شوند. (صحیفه امام: ج ۱۸، ص ۳۶۳)

۶ - مطبوعات (در صورت منفی)

مطبوعات و رسانه های جمعی در هدایت فرهنگی عمومی کشور نقش تعیین کننده ای دارند اگر سالم و در خدمت انقلاب اسلامی نباشند می توانند با غرض ورزی پنهان و ترویج آزادی های غلط و استخدام قلم به دستان مزدور انقلاب را به انحراف بکشاند. امام راحل ضررهای رسانه ها و مطبوعات را از خرابی های توپ و تانک مخرب تر می داند:

«رسانه های گروهی، به ویژه صدا و سیما، این مراکز و آموزش و پرورش عمومی می توانند خدمت های گرانبه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند. ضررهای رسانه های گروهی از خرابی های توپ و تانک و سلاح های مخرب بالاتر و بدتر است چه که ضررهای سلاح ها گذر است، و ضررهای فرهنگی باقی و به نسل های بعد انتقال پیدا می کند. چنان چه دیدید او می بینید. (صحیفه امام: ج ۱۹، ص ۱۵۹)

۷ - استحاله فرهنگی

استحاله فرهنگی یعنی ما ارزش های کارآمد دین را با عملکرد بد خود، ناکارآمد جلوه دهیم یا در درون خود به شبهه و ناباوری برسیم، این امر موجب می شود که هم انقلاب آسیب ببیند و هم اینکه خودمان از درون فاسد شویم، البته این استحاله با تزریق شبهات و القائات شیطانی از سوی بیگانگان قدرت و سرعت می گیرد. امام راحل (ره) در این باره فرمودند:

«ملت ما امروز باید به فکر این مطلب باشند و قویاً فکر این مطلب باشند. از خارج نترسید تا داخل یک آسیبی نبیند از خارج نباید ترسید از داخل بترسید. (صحیفه امام: ج ۱۲، ص ۹۵)

همیشه گرفتاری ها از خود آدم است. تا در باطن انسان یک گرفتاری پیدا نشود از خارج نمی شود. تا در داخل خود یک ملت کرمزدگی پیدا نشود. خارجی ها تصرف نمی کنند آن ها از داخل می خواهند کارها را انجام بدهند. (صحیفه امام: ج ۱۷، ص ۱۶۵)

آن چه که من می فهمم و احتمال زیاد می دهم این است که آمریکا نه دخالت نظامی می خواهد بکند در ایران و نه حصر اقتصادی. اگر هم حصر اقتصادی بکند ناجح و پیروز نمی شود. خودش هم می داند لکن از راه اساسی تر پیش آمده و آن راه این است که ما را از باطن خودمان آسیب پذیر کند. از اول هم این ها بنشان بر همین بر همین معناست شاید در انقلاب هایی که واقع می شود آن هائی که می خواهند نفع ببرند یا ضرری کشیدند که می خواهند جبران کنند نقشه هایشان این باشد که خود انقلاب را در باطن خودش آسیب برسانند. (صحیفه امام: ج ۱۲، ص ۹۳)

ج) آفات اجتماعی

مهم ترین آفات اجتماعی از دیدگاه امام راحل (ره) عبارتند از:

۱ - رواج ناهنجاری های اخلاقی

، اگر چنان چه شما خیانت به این آزادی و این هدیه خدا بکنید ممکن است خدای تبارک و تعالی هدیه خودش را پس بگیرد از ما و باز گردیم به آن حالی که سابق بودیم. باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که از این آزادی سوء استفاده نکنیم.»

۴ - نهادهینه نشدن ارزش های دینی در جامعه

اگر همه فرصت ها به شعار دادن سپری شود ضایعات سنگینی را به ما وارد می کند ولی از همه سنگین تر سلب اعتماد مردم از دین و پایبندی به آن است. امام راحل (ره) در این باره فرمودند: «نگرانی من از این است که نکند سستی کنیم و در پیاده کردن اسلام دقت لازم را ننمائیم. بعداً اشکال پیش بیاید، نکند مثل مشروطه شود که آقایان تلاش کردند و مشروطه را بنا گذاشتند. آن وقت چند نفر از سیاسیون مستبد، مشروطه خواه شدند و حکومت را گرفتند و هر دوره مجلس را بدتر از دوره قبل تشکیل دادند. امروز من هیچ ترسی ندارم ولی ترسم از آن است که مبدا ما مسائل را به صورتی محکم تحویل دسته بعد ندهیم، ترسم از آن است که مبدا از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم.» (صحیفه امام: ج ۱۷، ص ۲۴۲)

۵ - عدم همکاری مردم با دولت

دولت مردان در حکومت اسلامی باید از پایگاه قوی و محکمی برخوردار باشند، اگر مردم با دولت در انجام وظایف همکاری نکنند، دولت در حل مشکلات و پیشبرد امور توفیقی نخواهد داشت و در نهایت آسیب پذیر خواهد بود امام راحل در این باره فرمودند:

«همه می دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس، دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به ویژه قشرهای محروم می باشند و جلب رضای خداوند متعال را در این خدمت متقابل، می نمایند، هیچ قدرتی توانائی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد، و اگر خدای نخواسته یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگر چه در دراز مدت حتمی است، بنابراین ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می شود از بزرگ ترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود.» (صحیفه امام: ج ۱۷، ص ۳۹۱)

۶ - سلب اعتماد عمومی

اگر عملکرد مسئولان به سمت ناخشنود کردن مردم پیش برود در دراز مدت موجب سلب اعتماد عمومی آن ها از توانمندی مسئولان در حل مشکلات می شود. امام راحل (ره) در این باره فرمودند:

«شما هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید، از این که مبدا خدای نخواسته مسیر، یک مسیر دیگر بشود و راه یک راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الان هست از دست برود

ناهنجاری های اخلاقی و ترویج مفاسد اجتماعی نظیر توزیع نوارهای مبتذل و مواد مخدر با روح دینی و الهی انقلاب اسلامی سازگاری ندارد و تهدید جدی برای ارزش ها به حساب می آید. امام راحل (ره) در این باره فرمودند:

«این تحول روحی را باید حفظش کنید نگوئید که حالا گذشت و دیگر چطور هر که برود سراغ کار خودش و هر که سر کسب خودش! و آن طوری که هر روز تقریباً حالا با کم و زیادش به ماهی می آیند شکایت می کنند که گران فروشی چقدر شده. گران فروشی چه شده. قاچاق گری چقدر شده. هروئین فروش چقدر شده، تریاک فروشی چقدر شده. اگر برگردد آن تحول روحی، که یک برهه از زمان بود و شما را پیش برد، اگر خدای نخواسته آن برگردد، خوف این است که جهات دیگر هم برگردد عنایت خدا برگردد.» (صحیفه امام: ج ۸، ص ۱۶)

۲ - سلب امنیت عمومی

اگر امنیت عمومی جامعه تأمین نشود خطر جدی را متوجه نظام جمهوری اسلامی می کند و اصولاً هرج و مرج و نابسامانی های اجتماعی زمینه را برای توطئه دشمنان نیز فراهم می کند امام راحل در این باره می فرمایند:

«به نظر من این طور می رسد که نقشه این است که در داخل ما را این ضربه را به ما بزنند که ما اغتشاش در خودمان پیدا کنیم. یک انتظامی در کار نباشد. اختلافات باشد و یک هرج و مرجی باشد بریزند خانه هر کس را غارت کنند. بریزند باغات هر کس را بخواهند چه بکنند. اموال هر کسی را ببرند. نگذارند یک استقراری پیدا بکنند. از آن طرف دشمن های این ملت، دشمن های اسلام با قلم های خودشان و با افکاری که دارند و طرح هایی که دارند در مطبوعات خارجی، در رسانه های گروهی خارجی هم اغتشاشات ایران را، اختلافات ایران را، این ها یکی اش را چند مقابل کنند و در خارج منتشر کنند، و در خارج منعکس کنند که ایران مثل یک بچه صغیری می ماند که محتاج قیم است. باز نرسیده به حد بلوغ که خودش، خودش را نگه دارد. نقشه محتمل است این معنا باشد که در خارج منعکس بکنند که ایران هرج و مرج است و همه به جان هم ریختند و همه گروه ها در هر جا به روی یک اختلافات هست. این را اسباب دست قرار بدهند که ایران قابل این نیست که خودش را اداره کند باید یکی دیگر اداره اش کند.» (صحیفه امام: ج ۱۲، ص ۷۰)

۳ - سوء استفاده از آزادی

آزادی این نعمت بزرگ انقلاب اسلامی است، شکر نعمت آن است که از آزادی سوء استفاده نکنیم. زیرا استفاده نابجا از آزادی موجب می شود که از نعمت آن محروم شویم.

امام راحل در این باره می فرماید:

«... شکر نعمت این است که این آزادی را صرف بکنیم در آنچه که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است. و یک هدیه الهی است



چهارصدمین سال اخراج پرتغالی ها از خلیج فارس

پرتغالی ها در سال ۱۵۰۲م امپراتوری شیرازی ها در سواحل و جزایر شرقی آفریقا شامل مادگاسکار، موزامبیک، تانزانیا، کنیا و سومالی را شکست دادند و در سال ۱۵۰۷م وارد خلیج فارس شده و به مرور چندین جزیره از جمله هرمز، قشم و بندر گمبرون (بندرعباس) را تصرف کردند. پس از ۱۱۷ سال سردار بزرگ ایرانی، امام قلی خان در سال ۱۶۲۲م به دستور شاه عباس صفوی، در جنگی خونین پرتغالیها را شکست داده و از خلیج فارس اخراج نمود. سند ارزشمند این پیروزی، سه توپ غنیمت گرفته شده از پرتغالیهاست که دارای کتیبه ای فارسی است. این سه توپ بعدها به زنگبار منتقل شده و در مقابل موزه تاریخ جزیره زنگبار قرار گرفته است.

متن کتیبه:

یا الله، در زمان سلطنت روزافزون پادشاه زمین و زمان شاه عباس صفوی موافق سنه احدی و ثلاثین و الف هجری ابن لله وردی خان غلام با اخلاص شاه دین پناه امام قلی خان بیگلربیگی (استاندار) فارس و لار و کوه گیلویه و بحرین قلعه هرموز رامفتوح ساخته این توپ را بدست آورد. یا محمد یا علی/

... این سه کتیبه یادگار مانده از او، متأسفانه یکی به دلیل نشستن مردم روی توپ، کاملاً محو شده، دومی نیمه محو است و سومی نیز در معرض نابودی است. امید است به همت سفیر محترم ایران در تانزانیا تلاشی برای حفاظت از این سند ارزشمند تاریخی صورت پذیرد.

تصاویر بیشتر از توپ ها، کتیبه و آثار ایرانی زنگبار در کانال کتیبه.

<https://t.me/katibefarsi>

مرتضی رضوانفر

عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

و مردمی بودن از دستتان برود. از این بترسید که اگر خدای نخواستہ یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک موضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالایی که من نخست وزیرم، حالایی که من رئیس جمهورم، حالایی که من وزیر کذا هستم، باید چه و چه و چه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می بینید، یعنی آن وقت که خارجی ها به شما طمع می کنند. آن ها می دانند که از چه راه باید یک کشوری را به تباهی بکشانند، آن ها می دانند که باید از راه خود حکومت، از راه خود دولت از راه خود مجلس، از راه خود این ها، این کارها را انجام بدهند. آن ها می دانند که ریختن در یک کشور یا نمی دانم چه کردن، با وضعی که این جور کشورها دارند، این نمی شود.» (صحیفه نور: ج ۱۶، ص ۴۴۶)

باید جوری باشید که مردم مثل مادر شما را در آغوش بگیرند. الان این جورند مردم این را حفظش کنید. مملکت تان با این تربیت حفظ خواهد شد. هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می شود حلالش خود مردم باشند. الان این مشکل برای کشور ما پیدا شده، خوب مردم دارند کمک می کنند. حلالش خود این مردم هستند، این پشتیبانی های عظیمی که مردم می کنند. و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست. از خودشان می دانند همه چیز را ارتش را از خودشان می دانند. همه چیز را از خودشان می دانند این باید حفظ بشود تا حفظ بشویم تا کشورتان حفظ بشود. و اگر خدای نخواستہ این از دست ما برود، ما برمی گردیم به آن طوری که اول بودیم. و من خوف این را دارم که ما نعمتی را که خدا به ما داده است و همه ی این ها از جانب خدای تبارک و تعالی بوده است ما کفران این نعمت را بکنیم، و عنایت خدا از ما منحرف بشود. ما خودمان اسباب این بشویم و ما بدتر از آن که بودیم بشویم.» (صحیفه نور: ج ۱۳، ص ۳۳۸)

۷- قانون گریزی

قانون شکنی و قانون گریزی از آسیب های جدی برای انقلاب محسوب می شود. امام راحل (ره) قانون شکنی را نوعی دیکتاتوری می داند، چنان که فرمودند:

«اگر یک جائی عمل به قانون شد و یک گروهی در خیابان ها بر ضد این عمل بخواهند عرض اندام کنند این همان معنای دیکتاتوری است که مکرر گفته ام که قدم به قدم پیش می رود، اگر قانون در یک کشور عمل نشود کسانی که می خواهند قانون را بشکنند این ها دیکتاتورانی هستند» (صحیفه امام: ج ۱۴، ص ۴۱۵)

مهاجران موسوی

تحقیق و تألیف دکتر جلیل عرفان منش

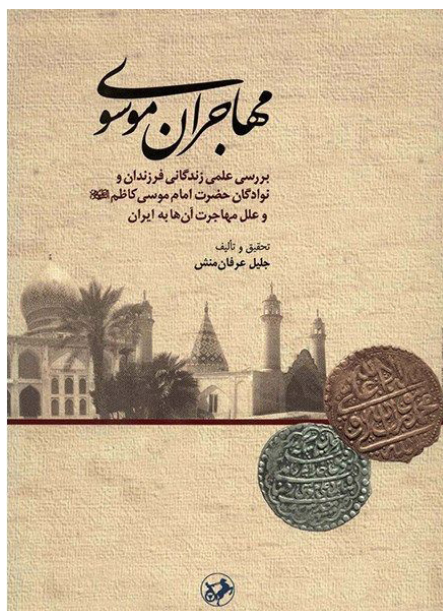
کتاب حاضر با نام مهاجران موسوی، به بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و علل مهاجرت آن‌ها به ایران پرداخته است. از همان آغاز ورود اسلام به ایران و مشخص شدن موضع ایرانیان در برابر جریان‌های مختلف یک رویکرد مشخص قابل پیگیری است و آن، روی آوردن به خاندان گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. البته این رابطه دو سویه بود، یعنی همان گونه که ایرانیان به اهل بیت علیه السلام ابراز علاقه می کردند، آن بزرگواران نیز ایرانیان ارادتمند به اهل بیت علیهم السلام را بزرگ می داشتند. برای نمونه سلمان فارسی از ایران برخاست، ... این رابطه شروع شد و پس از ورود اسلام به ایران، به شکل های گوناگون تبلور یافت. پس از آن که خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سمت و سوی خاصی یافت، دشمنان درجه یک خاندان ایشان در رأس امور قرار گرفتند و کردند آنچه کردند. تحریف دین و به انحراف کشاندن جامعه اسلامی از پیامد و نتیجه ای آنان بود که نتیجه اش در یک پیام مهم، قیام امام حسین علیه السلام بود. پس از قیام امام حسین علیه السلام، نهضت های بسیاری توسط سادات علوی انجام شد که نتیجه همه مشخص بود. زجر، فشار، کشتار، حبس و ... نصیب فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و بنی امیه و بنی عباس در کاخ های دمشق و بغداد زندگی می کردند. این رویه حکومت گران بنی امیه و به خصوص بنی عباس باعث شد سادات آل ابوطالب و به ویژه سادات علوی، به نوعی از مرکز حکومت متعصب عربی به نواحی دیگر اسلامی بروند. برخی سادات حسنی به آفریقا رفتند و حکومت ادرسیان را در آنجا پایه گذاری کردند. برخی به نواحی دیگر رفتند و تعداد بسیار زیادی به ایران آمدند. در همان اول، برخی برای همراهی و یا بودن در کنار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمدند. بعدها به جز جاذبه تشیع و وجود پیروان اهل بیت علیهم السلام در شهرهایی مانند قم، کاشان، سبزوار و ... وجود مضع شریف ایشان، مایه امید خاندان مندان خاندان نبوت شد. بسیاری از این سادات، از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام بودند که طی سال های متوالی، خود یا فرزندان و نوادگانشان به ایران سرازیر می شدند و در نواحی مختلف سکنی می گزیدند، به گونه ای که اکنون با اسامی مشابه در ایران و حتی یک منطقه خاص مواجه هستیم. برخی شناسنامه و شجره نامه ناقصی دارند، برخی امامزادگان با واسطه هستند، برخی حتی در قرون متأخر به ایران آمده اند، برخی اصلاً جعلی و ساخته پرداخته اذهان عوام مردم است و موارد دیگر... که به طور دقیق و همه جانبه در کتاب حاضر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

این کتاب بر اساس مستندات روشمند تاریخی به بررسی زندگی فرزندان و نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام می پردازد. نویسنده کوشش کرده گوشه هایی از زندگانی این بزرگان، نحوه مهاجرت به ایران، شهادت و مدفن آن‌ها را به دوراز پندارهای غلط، پیرایه ها و برخی جعلیات تاریخی که با افسانه سازی و داستان پردازی آمیخته است باز نماید و ساحت آنان را از روایت ها و انتساب های بی پایه و اساس و خرافات که در زمان های مختلف و طولانی در افواه مردم شهرت یافته، و در تاریخ شفاهی و کتبی رایج شده بزدايد و سلسله نسب امامزادگان عالی قدر را تا آنجا که مورد تأیید نسب شناسان و منابع معتبر تاریخی هست، معرفی نماید. در یک نگاه کلی، این کتاب را می توان کتابی جامع در موضوع مورد بحث دانست. مؤلف آن نیز بر موضوع بحث مسلط است، کما این که کتاب مشهور او «جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو» پژوهشی شایسته است؛ همچنین کتاب چلچراغ شیراز از او درباره احمد بن موسی علیه السلام چاپ شده است. مسائل فنی در چاپ این کتاب رعایت شده، و نقطه قوت آن نقشه، تصویر و فهرست اعلام و منابع آخر کتاب است. فهرست مطالب کتاب نیز به صورت جزئی و ریز ابتدای کتاب آمده است.

مشخصات کتاب: مهاجران موسوی، بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و علل مهاجرت آن‌ها به ایران، جلیل عرفان منش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱ و دارای ۱۰۳۱ صفحه است.

پیشگفتار مؤلف کتاب مهاجران موسوی،

بررسی علمی زندگی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
و علل مهاجرت آن ها به ایران



ایران درآمیخته است. وجود بقاع متبرکه و مشاهد مشرفه، مشحون و سرشار از تأثیرات روحی، معنوی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی است. در طول تاریخ بسیاری از جنبش های سیاسی، مذهبی از ساحت همین اماکن شکل گرفته و یا کانون تمرکز آن ها بوده است. افزون بر آن، این مزارات، قبله مرادات، ظهور کرامات و محل حاجات، مطاف عارفان و پاکان روزگار بوده که همواره لبریز از نور و سرور است. عظمت برخی از آداب و رفتار از شدت تکرار، عادت و یا معمولی بودن آن ها مهم به نظر نمی رسد و تنها در صورتی که در آن ها مذاقه و تأمل شود مفاهیم پرمعنی و مشحون از رمز و رازهای سربه مهرشان آشکار می شود. از جمله این کردارهای عادی و متعارف، گستره پیوستگی عاطفی و علاقه مردم ایران به زیارتگاه ها و بقاع متبرکه است. بررسی علل و انگیزه های این عواطف، که بعضاً با آداب و رسوم خاصی توأم است در این مجال نمی گنجد و شایسته است این موضوع دستمایه تحقیقات و پژوهش های جامعه شناسان و

ائمه اطهار علیهم السلام فرزندان و احفاد آن ها پاکیزگان و فرشتگانی از جنس بشرند، ولی در زمره برترین آن ها به شمار می روند. روزگاری مهاجرانی غریب از سلاله آل ابی طالب علیهم السلام از ظلم و جور جانکاه، و تعقیب و شکنجه هولناک حاکمان جبار به سرزمینی پناه آوردند که آن را مأمن خود می دانستند و امروز مضجع و آرامگاه آن ها، پناهگاه و ملجأ مردم این سرزمین است. به درستی خداوند خیرات و خوبی های آن ها را به ملتی هدیه کرده که شایسته پذیرش آن ها بوده و این شایستگی را در طول تاریخ حفظ کرده است. مزارات و مرقاد آن ها در جای جای سرزمین ایران بر بلندی های کوه ها و پهنه دشت ها، بیابان ها، شهرها، روستاهای دور و نزدیک صرفاً نمادی از یک میراث به جای مانده از اعصار و قرون گذشته نیست. گنبد های مخروطی و هرمی شکل فیروزه ای، لاجوردی، طلایی با حاشیه های تزیینی از گل های اسلیمی و خطوط بتایی مزین به آیات الهی و احادیث همچنین گلدسته ها، و مناره های سر به فلک کشیده، طاق ها و رواق هایی که تزیینات آویزه ای شکل آن ها با قاب بندی های چندضلعی و کاشی های الوان و یا نماسازی های آجری، ساده اما باصفا چشم را خیره، دل را آرام و عقل را مبهوت می سازند. به راستی این ها سنگ و چوب و آجر و گل اند، اما همه آن ها با خمیرمایه ای از عشق، رنگی از ایمان و سنگی از وفا برافراشته شده اند تا معالم و نشانه های هدایت در جاده های پریب و خم تاریک و گمراه کننده روزگار باشند.

راز ماندگاری این عمارت ها نه ساخت زیبای برون، بلکه سیرت پرفیض درون آن ها هست، که با حیات معنوی مردم

مردم شناسان قرار گیرد. نمونه روشنی از این عظمت، تجلی ساحت ایمان و اخلاق و گشاده رویی و سخاوت مردم ایران از طبقات مختلف اجتماعی است که در بقاع متبرکه آشکار می شود. این اماکن پرفیض پیوسته بر تفاوت های مادی و معنوی و یا شکاف های طبقاتی زائران پل می زنند و بر همبستگی و وحدت اقوام ایرانی و سایر مسلمانان جهان می افزایند. بی شک زیارت امامزادگان هرگاه از سر معرفت و توأم با بصیرت و آگاهی باشد خود به مثابه تجدید پیمان با اهل بیت علیهم السلام است. این چنین عهد و میثاقی در باز یافت و شناخت اهداف ائمه هدی علیهم السلام و استمرار رسالت آن ها و گسترش آیین عدالت پرور تشیع نقش بسزایی دارد و این هدفی است که کتاب حاضر به دنبال آن است.

ویژگی ها و پیچیدگی های تحقیق این اثر خداوند سبحان را ثناگو و سپاسگزارم که توفیق تحقیق و تألیف کتاب مهاجران موسوی، بررسی علمی زندگی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و علل مهاجرت آن ها به ایران را به من عطا کرد. پیش از مطالعه کتاب، نکاتی چند درباره اهداف ویژگی ها و پیچیدگی های تحقیق و پژوهش حاضر را به اجمال از نظر خوانندگان عزیز می گذرانم. زوایای پنهان بی شماری در زندگانی امامزادگان و اولاد علی بن ابی طالب و ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد که برخی ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی دورانی است که در آن می زیسته اند. به عنوان نمونه می توان به سخت گیری های فزاینده و شدت خفقان، فشار و شکنجه، قتل و زندان در دوران امویان و عباسیان اشاره کرد که باعث می شد برخی از اولاد و

به شخصیت‌هایی است که برای آن‌ها اهمیت بسیاری قائل هستند. به‌هرروی در بازشناسی این رویدادها، چگونگی و نحوهٔ زدودن پیرایه‌ها از ساحت حقایق تاریخی نیز اهمیت دارد. به نظر نگارندهٔ این سطور چنین کاری، بس حساس و دشوار می‌نماید. زیرا گاهی عدم اعتدال در آن ممکن است منجر به مخدوش کردن باورهای صادقانهٔ مردم شود. لذا به همین میزان که رسالت نویسندگان متعهد بیان حقایق و ارائهٔ زندگی شفاف از فرزندان ائمه هدی علیهم السلام است کشف زوایای پنهان زندگانی این بزرگان و نحوهٔ استدلال و استنتاج دربارهٔ علت مهاجرت، زندگی، شهادت، نسب و مدفن آن‌ها نباید به‌گونه‌ای باشد که تردیدهای دیگری در ذهن مخاطب به‌جای بگذارد. شیوه‌ای که برخی از علمای بزرگ و پیشینیان فهیم با حسن درایت، عدالت و انصاف در قضاوت نسبت به یافته‌های خود و میزان آن از درک حقایق تاریخی به کار بسته‌اند.

را با افسانه آمیخته‌اند اگرچه برخلاف توصیه‌های پیشوایان دین عمل کرده‌اند اما الزاماً انگیزه‌های بد خواهان‌های نداشته‌اند.

در مواردی برای نگارنده آشکارا قابل‌درک بوده است برخی از افسانه‌پردازی‌ها نتیجهٔ کوشش کسانی است که خواسته‌اند جمع میان فرق بزنند و یا با آب‌وتاب دادن ماجرا و آمیختن آن با افسانه خواسته‌اند تا به‌زعم خود بر احساسات و باورهای دینی مردم بیفزایند. اما با گذر زمان این کوشش‌های صادقانه با آمیزه‌ای از خرافات نه‌تنها آن‌ها را به مقصود خود نرسانده، بلکه به دلیل مخدوش کردن حوادث تاریخی مانعی در راه تولید معرفت دینی- که به‌طور ذاتی و فطری باید شفاف و بدون پیرایه باشد- ایجاد کرده‌اند.

میل به اسطوره‌سازی در تاریخ شفاهی مردم ایران، تنها شامل وقایع و رویدادهای تاریخ اسلام و یا محدود به زندگانی ائمهٔ اطهار علیهم السلام و یا فرزندان آن‌ها نمی‌شود.



یکی از موضوعاتی که در کتاب حاضر موردبررسی و مذاقه قرار گرفته است، بحث دربارهٔ علل اختلاف در تعداد و اسامی فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام هست. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل این اختلاف منظور کردن صفت، کنیه و

بلکه زندگانی بسیاری از شخصیت‌های برجسته تاریخ نظیر سلحشوران، پهلوانان، دانشمندان و سایر قهرمان‌های ملی نیز از رخنه جعلیات و... در امان نبوده‌اند. یکی از دلایل آشکار بزرگ‌نمایی و اسطوره‌سازی، نشان دادن میزان علاقه و محبت مردم

احفاد ائمه برای مصون ماندن از گزند ظلم و جور خلفای وقت به زندگانی مخفی و مهاجرت به اطراف و اکناف روی آورند. آن‌ها برای ناشناس ماندن به‌ناچار نسب خود را کتمان می‌کردند. گمنام و غریبانه زیستن و یا مردن، یکی از علل ابهام در ساحت زندگی و مجهول‌النسب ماندن برخی امامزادگان علیهم السلام به شمار می‌رود. همین امر سبب ورود افسانه و یا اسرارآمیز جلوه کردن زندگانی برخی از آن‌ها شده است. در چنین فضایی، هنگامی که روایت‌های بی‌پایه و اساس با رشته‌هایی از افسانه و جعلیات بر ساحت زندگی آن‌ها تنیده شده و حقایق تاریخی در زیر انبوهی از پندارهای غلط دفن شده است به‌سختی می‌توان مرزهای میان تاریخ و افسانه را از هم بازشناخت. این درهم‌آمیختگی به همین سطح ختم نمی‌شود. بلکه آمیخته شدن زندگانی امامزادگان با گفته‌های عامیانه که خود آمیخته‌ای از حقیقت و افسانه است یکی دیگر از معضلات در سر راه پژوهش‌هایی از این دست به شمار می‌رود.

بی‌تردید برای هر محقق که کنجکاوانه در پی حقایق و حاق ماجراست تشخیص افسانه از حقیقت و باورهای عامیانه بسیار دشوار می‌نماید. گاه در طول تحقیق با مواردی حیرت‌انگیز روبه‌رو شدم و برای نگارنده این پرسش به‌طور جدی مطرح شد که آیا افسانه‌ها با گذر زمان و تکرارشان رنگ کهنگی و تاریخی به خود گرفته‌اند و یا حقایق تاریخی آن‌قدر سینه‌به‌سینه و نسل به نسل بیان شده‌اند که به‌مرور زمان به افسانه مبدل شده‌اند و به تبع آن این پرسش مطرح شد که آیا افسانه‌سازان و داستان‌پردازان در گذشته از مهارت فوق‌العاده‌ای در آمیختن تاریخ با خیال‌پردازی برخوردار بوده‌اند و یا امروزه مورخان توان و قدرت کافی در بازشناسی افسانه از تاریخ ندارند. به‌هرروی چند عامل مؤثر در این ماجرا را تشریح می‌کنیم. در ابتدا باید گفت کسانی که حقایق



لقب به جای نام فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام است. متأسفانه این اشتباه موجب افزوده شدن تعدادی فرزند به فرزندان واقعی امام علیه السلام در برخی از کتاب های تاریخی و انساب شده است. حقیقت غیرقابل انکار دیگر، ثبت تعدادی از نوادگان و اُحفاد آن امام همام علیه السلام به جای فرزندان بلافصل ایشان از سوی برخی از تذکره نویسان است.

اسقاط سلسله نسب برخی از صاحبان مَرَاقِد و مَزَارَات که به احتمال زیاد از نوادگان آن حضرت هست، باعث شده تا این گمان که آن ها فرزندان بلافصل امام علیه السلام هستند تقویت شود. به همین دلیل است که بعضاً باوجود اینکه منابع معتبر تاریخی و انساب تنها یک فرزند با نام معین برای آن حضرت قائل شده اند، تعداد زیادی مزارات به همان نام به یک تن از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام منسوب کرده اند.

افزون بر این ورود پاره ای از جعلیات که با افسانه و داستان سرایی آمیخته است به پدیده نسب سازی دامن زده و فرزندی را برای آن حضرت قائل شده که در هیچ یک از کتب انساب و تاریخ نامی از آن ها به میان نیامده است. این انتساب های بی پایه و اساس که در زمان های مختلف روی داده و طی دوره های طولانی در افواه مردم شهرت یافته به سادگی در تاریخ شفاهی و یا کتبی رایج شده اما زدودن آن کار دشواری به نظر می رسد. زیرا بذر افسانه ای را که در سالیان دور کاشته شده امروز مبدل به یک درخت کهن سال شده است. چنین انتساب ها و پندارهای غلط با هر انگیزه ای که شکل گرفته باشد در نزد مردم مسلمان ایران که تفاوتی در ابراز ارادت و محبت نسبت به فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام و یا سایر ائمه اطهار علیهم السلام و نوادگان آن ها قائل نیستند و همه اُحفاد و فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام در زمره ذریه رسول الله صلی الله علیه و

مواردی نیز اسامی به عنوان فرزندان بلافصل آن حضرت نسبت داده شده ضرورتی به اقامه دلیل و برهان برای رد آن مشاهده نشد، زیرا آثار جعل در آن ها به قدری آشکار است که هر پژوهشگری را از هر کوشش و تحقیقی برای رسیدن به قول صحیح بی نیاز می سازد.

در این کتاب تا آنجا که توان و بضاعت نگارنده ایجاب می کرد کوشش شده

است با بهره گیری از روش مقایسه تطبیقی شمار و اسامی دختران و پسران منسوب به آن حضرت را بر اساس چندین مآخذ متقدم و متأخر طبقه بندی شود و با توجه به بُقاع منسوب به آن ها و آنچه در افواه عامه شهرت یافته، تلاش شده است تا اسامی غیرواقع و بی پایه و اساس که به عنوان فرزندان بلافصل آن حضرت ذکر شده، از فهرست اسامی معتبر و یا قابل اعتماد متمایز کنیم. این شیوه چنانچه توسط مؤلفان و پژوهشگران درباره فرزندان سایر ائمه علیهم السلام که در شمار و اسامی آن ها اختلاف است به کار گرفته شود نتایج ارزنده ای در پی خواهد داشت. در بررسی مزارات و مَرَاقِد منسوب به فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام همچنین مشاهده شد عده ای مزارات متعددی به نام یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام منسوب کرده اند. این در حالی است که آن حضرت تنها یک فرزند به آن نام داشتند. بدیهی است که اثبات صحت نسب شخصیت مدفون در یکی از این مزارات لُمَحاله و ناگزیر نفی سایر بُقاع منسوب به آن امامزاده را در پی خواهد داشت. این قاعده در صورتی دلالت دارد که گزارش معتبری از مدفون بودن امامزاده موردنظر در آن شهر و یا دست کم گزارشی از هجرت وی به ایران در اختیار داشته باشیم. ناگفته نماند که یکی از دلایل تعدد بُقاع و مزارات مشابه و هم نام منسوب به یک امامزاده، کثرت نام های مشابه در میان اولاد و اُحفاد و

آله و سَلَم محترم و گران قدر می شمارند رخداد نامیمونی به حساب می آید. بنابراین ارتقای سلسله انساب امامزادگان عالی قدر نه تنها به ارزش و عظمت آن ها نمی افزاید، بلکه مانعی در معرفت زائرین نسب به شخصیت مدفون در بُقاع متبرکه ایجاد می کند چراکه ثواب زیارت را به قدر معرفت می دهند.

در بررسی و تحقیقات انجام گرفته در کتاب حاضر در مواردی مَرَاقِد و بُقاع متعددی در اماکن شهرها و روستاهای ایران منسوب به یکی از اولاد و فرزندان بلافصل امام موسی کاظم صلوات الله و سلامه علیه مشاهده شد. این در حالی است که آن امامزاده هرگز به ایران هجرت نکرده و مرقد وی در خارج از سرزمین ایران مشهور و معتبر است. علاوه بر آن در مواردی نیز بُقاع و مزاراتی منسوب به فرزندان امام موسی کاظم علیهم السلام مشاهده کردم، در صورتی که هرگز چنین فرزندی را علمای انساب و مورخان، برای آن حضرت قائل نشده اند و حتی نامی از آن ها در تذکره های غیر معتبر نیز ذکر نشده است. این موارد که شمار آن ها اندک نیست ناشی از ترهات عامه، و فاقد پایه و اساس است.

خوشبختانه باوجود منابع معتبر و قابل اعتماد و شواهد تاریخی درباره انتساب شمار قابل توجهی از فرزندان امام موسی کاظم علیهم السلام نیازی به اثبات نسب آن ها وجود نداشت و فایده ای نیز برای این کار مترتب نبود. همچنان که در

آنچه را که با حقایق تاریخی نزدیک‌تر است برگزیده و بازگو کند. بنابراین در نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مندرج در آثار علما و دانشمندان پیشین، مبنای قضاوت، برخورداری از روش‌های علمی و عقلی بوده و در این کار کوشش‌های لازم برای حفظ امانت‌داری در نظر گرفته شده است. در جای‌جای کتاب حاضر به تناسب موضوعات مطرح‌شده آثار و کتاب‌های زیادی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در موردی به اشکالات، کاستی‌ها و تناقض موجود در آن‌ها اشاره شده است. این اقدام باهدف تبیین مباحث موردبررسی انجام گرفته، این قبیل انتقادات هرگز به معنای نادیده گرفتن ارزش آثار و کوشش مؤلفان گرانقدر آن‌ها نیست. بی‌شک اگر زحمات نویسندگان و محققان پیشین نبود دست‌یابی به بسیاری از حقایق امکان نداشت. کاملاً واضح است که ادله و برهان و استنتاج‌های تاریخی این‌جانب نیز خالی از نقض و اشکال نیست. به همین دلیل لازم است راه‌رفته و یا ناپیموده حقیر را دیگران اصلاح و ادامه دهند و از خداوند دوام یاری و توفیق برای کسانی که با تحقیقات جامع‌تری این اثر ناچیز را تکمیل خواهند کرد خواستارم.

من هر چه خواندم، همه از یاد من برفت
آلا حدیث دوست که تکرار می‌کنم
عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر، باعث حرمان
نشود

و به مصداق روایت عبدالله بن حامد اصفهانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امید بسته‌ام که می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَوْ مَنِ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَوْ مَنِ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَوْ مَنِ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانَ أَوْ ...» و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

جلیل عرفان منش

تهران ۱۳۸۹

مباهات نسب به امامزادگان شهر و یا روستای خود با کاستن سلسله نسب امامزاده‌ای که با چندین واسطه به یکی از ائمه هدی علیهم السلام ختم می‌شود او را فرزند بلافصل آن امام همام علیه السلام منسوب کرده و شهرت داده‌اند. همچنان که گفته شد این امر با هر انگیزه‌ای که صورت پذیرد، شایسته تکریم و تعظیم امامزادگان والامقام نیست. به مصداق: «كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ مَنْقَطُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا سَبَبِي وَ نَسَبِي» سادات در هر طبقه‌ای که باشند اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و این امر اختصاص به ذریه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارد. در بررسی‌های تاریخی مشاهده می‌شود عده‌ای از پژوهشگران و مؤلفان برای دست‌یابی به حقیقت تاریخی به ناچار به گمانه‌ها و احتمالات روی می‌آورد. نگارنده این سطور نیز گهگاه در زیر امواج ابهامات، فقدان منابع و عدم آگاهی ناگزیر به سمت گمانه‌ها و احتمالات روی آورده است. اما تلاش بر این بوده تا از میان گمانه‌ها آن‌هایی را برگزیند که به حقیقت نزدیک‌تر است. در مواردی نیز که دایره محدود آگاهی و درک نگارنده مانع از شناخت ماهیت شخصیت‌های مدفون در بقاع موردبررسی و تعیین نسب آن‌ها شد. به‌جای هرگونه اظهارنظری، سکوت اختیار کرده است. خواهش نگارنده این سطور این است که پژوهشگران، علمای انساب و مورخین معاصر به این کاستی‌ها توجه و با اسناد و مدارکی که خارج از دسترسی این حقیر بوده است اقدام به تعیین نسب دقیق آن‌ها نمایند.

در پایان خاطرنشان می‌سازد که هدف از تألیف کتاب حاضر تبیین زندگانی فرزندان امام موسی کاظم صلوات الله و سلامه علیه و بیان حقایق تاریخی و زدودن پیرایه‌ها و جعلیات و افسانه‌ها از ساحت زندگانی آن‌هاست. در طول مدت نسبتاً طولانی این تحقیق همه کوشش نگارنده بر این استوار بود تا در میان اقوال و گزارش‌های تاریخی

نوادگان ائمه اطهار علیهم السلام بالأخص حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است.

این موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که در سلسله نسب برخی از امامزادگان خدشه‌ای روی داده باشد. دشواری دیگر فقدان سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌هایی است که در بنای اولیه وجود داشته ولی با گذر زمان در اثر زلزله و بلایای طبیعی و یا فرسودگی و تخریب عمارت، نشانه‌های مکتوب، سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها از میان رفته و یا مخدوش شده‌اند و در تجدید بنا و مرمت آن دیگر از سلسله نسب کامل و دقیق آن امامزاده آثار مستندی بر جای نمانده است. این عامل نیز طی گذشت سالیان طولانی موجب شده است تا امامزاده‌ای که با چندین واسطه نسب وی به یکی از ائمه اطهار علیهم السلام منتهی می‌شود، فرزند بلافصل آن امام همام علیه السلام شناخته‌شده و معروف شود. شهری که هیچ مبنای اصلی ندارد و از مصادیق «رُبَّ شَهْرَةٍ لَا أَصْلَ لَهَا» است. با این‌وجود نباید تصور شود بقاع متبرکه‌ای که فاقد هرگونه سنگ‌نوشته و یا کتیبه‌ای هست الزماً دلیلی بر بی‌پایه بودن آن است. چرا که در برخی از موارد عدم آگاهی ما از نسب صاحب مرقدی دلیل بر عدم انتساب وی بر آنچه شهرت یافته نیست. «عَدَمُ الْوُجُودِ لَا يَدُلُّ عَدَمُ الْوُجُودِ» برای تعیین نسب برخی از امامزادگان و یافتن اسرار پنهان تاریخی برخی از مرقاد و مزارات نمی‌توان به سنگ‌نوشته‌ها، کتیبه‌ها و آثار نشانه‌های موجود در مرقاد اکتفا کرد. اگرچه این آثار علائم هدایتگری برای پژوهشگران است ولی الزماً ما را به حقایق تاریخی وصل نمی‌کنند، گاهی نیز ما را با ابهامات بسیار رها می‌کنند و در مواردی برخی از این سنگ‌نوشته‌ها فاقد اصالت و گمراه‌کننده است.

در مواردی - هرچند اندک - مشاهده شده که مردم محل و یا متولیان مرقاد با انگیزه‌های مختلف از جمله تفاخر و



سوره یوسف

فریده فارابی

داستان

این زیباترین ترانه ایست که پروردگار جهان برای بیداری بندگان بخواب رفته اش و عاشقان آرزومند دیدارش با پیک مهر و حقیقت ، رسول آفتاب اسلام ، محمد مصطفی علیه الصلوات و السلام و در کتابنامه یگانه هدایت ، قرآن مبارک از آسمان جلال پروردگار بر زمین ملال فراق یار فرو فرستاده تا دل باورداران را قرار باشد و چشم امیدواران را روشن سازد .

دریای سوره مبارکه یوسف قطره ای است از اقیانوس مهر پروردگار یگانه با انسان جفاکار فراموشی پیشه تا بهشت حضورش را فرا یاد انسان آورد و زنگار بازیهای دنیا را ازدل دوستانش بزدايد و آن را که راه عشق حضرتش می جوید ره نماید و هیچ جنبنده ای نیست که یارای گشودن همه اسرار حتی موجی از این بحر را که خود قطره ای از آن دریاست ادعا کند ، این مختصر نیست مگر ناله ای در فراق یار و یاد او سبحانه و تعالی . که یکی هست و نیست جز او ، وحده لا اله الا هو .

داستان یوسف و یعقوب علیهم السلام

چون فرزند را آیت جمال حضرت حق داده بودند ، پدر که پیام آور بود ، بر جان وی از حسد دیگران بیمناک شد . آنگاه که ذکر خواب شبانه نزد پدر کرد ، دانست که او را حکمت نیز بخشیده اند و به جای آنکه او را به حضرتش به امانت سپرد ، فرزند را به سکوت دعوت کرده از حسودان پرهیز داد و چون پیامبری گرفتار غفلت شود ، حساب کارش دشوارتر است تا دیگران . مقرر شد تا همان پناه باطل شود و پیامبر را یاد آورند که باید از شر حسود به حضرت باری پناه برند و یقین بر امن بودن حرم الهی داشته باشند و هر آنکس هر چند هم بهوش باشد ، اگر به غیر حضرتش نظر کند ، در امان نخواهد بود . و این درسی بود از درس های روزگار .

در خواست یوسف از پدر برای همراهی برادران هرچند پدر پیامبر باشد و فرزند را تقدیر آن باشد که پیامبر شود ، هیچ بنده ای از تربیت رب العالمین بی نیاز نیست . و هیچ نبی بی گذار از طفولیت به عقل نورانی دست نیافته است الا اینکه در تعلیم وی سخت گیری بیشتر شده و بلاهای گرم تر آتش های دنیوی را در او برپا داده تا برای دریافت حکم نبوت به کمال پختگی و شایستگی برسد .

پدر نیز حق رازداری را باید نگاه می داشت . از فرزند خواست که خواب خود را با دیگران در میان نگذارد ، لیکن در رفتار خود ، راز عشق پیامبر آینده را نتوانست مخفی کند :

هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم

نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

بهوش بودم از اول که دل به کس نسپارم

شما یل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم

در شکستن عهد و باز پس نیاوردن یوسف

چون بره ای را به گرگ سپارند ، باز آوردنش محال می باید .

اما این بره خود به قضای الهی بر رفتن پافشاری می کند و آن

شبان از فرط عشق راه دعا راگم کرده و فرزند خویش را نه به

امان حضرت پروردگار ، که به پناه برادران می سپارد و بار دیگر

تنبیه سختی را برای خود تعبیه می کند .

زیرا که پروردگار عالم از ابتدا فرموده است : من بهترین شریک

هستم . هر که را با من شراکت دهید همه سهمم را به وی

سپرده شما را با شریک تان تنها می گذارم .

چون برادران یوسف ، داستان دروغین خود را بازگفتند ، یعقوب

سخت برآشفته و ایشان که کور بودند ، گمان بردند که پدر از

گم شدن پسر برآشفته است و نمی دیدند که آن حال پریشان

حاصل بیداری پیامبر خدا از خواب غفلت خود است ، یا لیتنی

! فرزندم را به تو می سپردم ای کاش !

و چون پیامبری گرفتار شود ، بندها بر او سخت تر گیرند تا

شاهدی باشد بر غیرت حق که محب خویش را هرچه بالاتر

، آزمونش سخت تر . سی سال سوختن در آتش حسرت و

پشیمانی در برابر یک لحظه غفلت !



جمال پروردگار خویش گشود که رو در روی او تجلی کرده بود که ای یعقوب امروز تو پاداش وفایت را از من که وفادارترینم بپذیر ، که پروردگار عالم را تصور جفا نیز حق نیست . سبحانه و تعالی عما یصفون و یشرکون .

هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم
نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
حکایتی ز دهانت به گوش جان من آمد
دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
مگر تو روی بپوشی و فتنه بازنشانی
که من قرار ندارم که دیده از تو بپوشم
من رمیده دل آن به که در سماع نیایم
که گر به پای درآیم به دربرند به دوشم
بیا به صلح من امروز در کنار من امشب
که دیده خواب نکرده ست از انتظار تو دوشم
مرا به هیچ بدادی و من هنوز بر آنم
که از وجود تو مویی به عالمی نفروشم
به زخم خورده حکایت کنم ز دست جراحت
که تندرست ملامت کند چو من بخروشم
مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن
سخن چه فایده گفتن چو پند می ننیوشم
به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
سعدی علیه الرحمه

وفا داری یعقوب با پروردگار

یعقوب را پیراهن خون آلوده و دریده با دندان گرگ آوردند ،
لیک باز هم گریست و باور نکرد او یقین داشت که پروردگارش
به او جفا نکرده است . برای پذیرفتن آنکه یوسف را گرگ دریده
است ، لازم بود قبلاً بپذیرد که ولی نعمت او وی را رها کرده
و در سرپرستی او کوتاهی نموده است و چون می دانست که
سرپرست و مولای او هرگز چنین نمی کند ، اگر همه عالم
گواه گرگ می شد باز هم تن به رضا نمی داد . سبحان الله و
تعالی عما یصفون و یشرکون . چنین است حال آنانکه باوردارند
سرپرستی پروردگار یگانه عالم را ، و دل نگذارده اند جز به مهر
او ، و اعتماد ندارند جز به لطف او .

گریه او بر فراق پسر نبود ، از آن بود که می خواستند رسولی بر
جفای پروردگار خویش اعتراف کند ، و غم این درد چشم سر او
را کور کرد و چشم دلش را نه . و چون پیراهن فرزند را پس از
سالیان دراز بر چشم مالید ، نه از شادمانی باز یافتن پسر ، که از
شادمانی استقامت بر باور راستین خویش و نپذیرفتن پندهای
مصلحت اندیشان و پایداری بر طریق اعتماد به پروردگار یگانه و
دوستی حق او و سرپرستی شایسته اش و بطلان همه فرضهای
عاقلان مصلحت اندیش ، شفا یافت .

و این نه کوری بود که یعقوب علیه السلام را گرفتار ساخته
باشد ، که وی بر جهانی که از او می خواست باور خویش به
معشوق حق را انکار کند ، چشم ها را بسته بود و برنگشود الا
به اثبات دعوی حقش به بوی پیراهن حقیقی که دندان هیچ
گرگی بدان رسیدنی نبود و در حفاظت الهی از قعر چاه خیانت
برادران تا سریر فرمانروائی بر آنان ، صحیح و سالم عطر ایمان
را به مشام پیامبر خدا رسانید و او چشم بر مردمان که نه ، بر

فصل رهایی از اندوه

آنچه دیگران در مورد “فصل رهایی از اندوه” گفته اند

سارا فردرو

این کتاب به افرادی که در سایه تاریک غم و اندوه قدم می زدند کمک کرده تا دوباره امیدوار شوند. این یک کتاب کاملاً کاربردی می باشد شامل توصیه های مفید که با حس همدردی عمیقی نگاشته شده است.

حقایقی که در این کتاب بیان می شود برای هر قلب زخم خورده از اندوهی مرحم خواهد بود. شما می توانید این کتاب را به عنوان یک همدردی به کسانی که در غم از دست دادن عزیزی رنج می برند هدیه کنید بدون اینکه او را آزرده کنید و مطمئن باشید مایه آرامش آنها خواهد بود.

این کتاب استقامت، پذیرش و درک، صبر و هرآنچه در لحظات سخت و طاقت فرسای اندوه از دست دادن به آن نیاز دارید را تقدیم می کند.

مطالب این کتاب حتی می تواند شما را در برابر طوفان خشم و درد و احساسات مربوط به سرطان و بیماری های صعب العلاج آرام کند. اگر شخصی را می شناسید که به سرطان مبتلا شده و دیگر امیدی به زندگی ندارد و نمی داند چگونه باید با این شرایط کنار بیاید به جای ارائه حرف های تکراری و احساسات بیش از حد و همدردی با مسئله ای که حتی نمی توان تصورش را هم کرد، این کتاب را به او هدیه دهید.

این کتاب، قدرت و انگیزه برای رهایی از اندوه را همراه با توصیه های صادقانه، ارزشمند، همه جانبه و کاربردی، به افرادی که به آن نیاز دارند تقدیم خواهد کرد که هرگز نمی توان تاثیر و لزوم آن را نادیده گرفت. یک “باید” برای تمام افرادی که خاطر رنجیده ای دارند.

“فصل رهایی از اندوه” فصلی است نو همراه با نسیم نوازشگر آرامش برای همه آنها که بار اندوه را به دوش می کشند و چیزی فراتر از آنست که تصور می کنید.

مقدمه مترجم:

را متحمل نشود اما به هر حال ما در این دنیا زندگی می کنیم و کسب آمادگی و نحوه برخورد درست با پیشامدها می تواند از شدت آسیب ها بکاهد.

و اگر این کتاب را مطالعه می کنید به این دلیل که عزیزی را از دست دادید و با بیماری دست و پنجه نرم می کنید و بار اندوه بزرگی را به دوش می کشید، از صمیم قلب می خواهم با به اشتراک گذاشتن مطالب این کتاب سهمی در التیام زخم هایتان داشته باشم.

به امید اینکه دوباره به آرامش قلبیتان برسید.

تقدیم به پدر و مادر که تمام رنج های مرا به جان خریدند به پسران شروان به امید اینکه قبل از هر پیشامدی بتوانی خودت را آماده کنی تا گرفتار رنجش های عمیق و ماندگار نشوی. بپذیر، بگذر و لحظه ات را زندگی کن! و به تمام قلب های رنجیده و هر آنکس که به روند کائنات و آفرینش ایمان دارد.

سارا فردرو

به نام او که زندگی را آفرید

ان مع العسر يسرا

تمام لحظاتی که انسان ها در طول زندگی شان سپری می کنند به نوعی مشابه است. تنها تفاوت در دیدگاه ها، تجربیات گذشته، نوع پذیرش، آستانه تحمل و مهمترین بخش آن کمک هایی است که افراد بعد از مواجهه با ناملایمات از جانب دیگران کسب می کنند. این کمک می تواند از جانب نزدیکان، دوستان و مشاور باشد.

در جوامع امروز به دلیل فراوانی مشکلات و آسیب ها و وجود فاصله ها و هزینه های بالای مشاوره و نتیجه طولانی مدت این دسترسی به کمک، چندان میسر نیست اما در این میان یک کتاب مناسب می تواند بسیار یاری رسان باشد.

همه ما در زندگی ممکن است کم و زیاد با رنجش ها، آسیب ها، بیماری ها، از دست دادن و مرگ دست و پنجه نرم کنیم. گاهی تحمل بار این اندوه از توان ما بیشتر است. هر چند امیدوارم هیچ کس در زندگی اش چنین تجربیات تلخ و طاقت فرسایی

اندوه شما نیز به خوبی آگاه است و شما را به خاطر نوع برخورد و عکس العملتان در مورد پیشامد ها هرگز سرزنش نمی کند. خداوند!

خودت قلب مرا در این پیشامد آزمودی و به همه وجودم واقف هستی.... و این تو بودی که انسان را چنین پیچیده آفریدی. تو تقدیر مرا قبل از تولد، بعد از آن و هر لحظه از زندگی را پیشاپیش نوشتی.

به من کمک کن تا با وجود تمام آنچه به من عطا فرمودی و در سرنوشتم مقدر کردی بتوانم به بهترین نحو ممکن این پیشامد را سپری کنم. آمین

زمانی که اندوهتان طولانی میشود امید را دریابید!

هرچقدر هم که اوضاع افتضاح باشد، اشک امانتان را بریده و قلبتان پاره پاره شده باشد همچنان باید به خداوند ایمان داشته باشید. زمانی که خودتان از پس ماجرا بر نمی آید و کاری از دست شما ساخته نیست همه چیز را به خدا بسپارید، فقط و فقط خودش!

قوی باشید و قلبتان را به خدایی بسپارید که خودش منشاء امیدواری است.

اگر به خداوند ایمان قلبی داشته باشید از پس تمام رنج هایی که تصورش را هم نمی کنید بر خواهید آمد. فقط کافی است باور داشته باشید که خداوند بندگان را تنها نخواهد گذاشت. حتما این مثال که "پایان شب سیه سفید است" را شنیده اید. طبیعت و کائنات طوری برنامه ریزی شده اند که بعد از هر تاریکی روشنایی و بعد از هر طوفانی، آرامشی خواهد بود. امیدوار باشید. اوضاع همیشه اینطور باقی نخواهد ماند. خداوند خودش سر رشته تمام امور جهان را در دست دارد. خداوند!

من تنها به خودت ایمان دارم.

من امیدوار هستم و زندگی را با وجود تمام سختی هایش باور دارم. مرا در این مسیر سخت یاری کن. آمین!



بیل دان و کتی لئونارد/ فصل رهایی از اندوه
سفری از اعماق رنج ها به قلب آرامش / # قسمت اول
وقتی همه دنیای شما نابود می شود.

اندوهتان را بپذیرید.

اندوه شما یک نقطه ضعف و دشمنان نیست بلکه یک نشانه طبیعی در نوع بشر می باشد. غم، تاوان از دست دادن است. از آنجا که اندوه به سراغ هر کسی خواهد رفت، پس چرا برخی از افراد در زمان مواجهه با ناملایمات بهتر از دیگران با آن کنار می آیند؟

برخی معتقدند از دست دادن و ناملایمات، جزو استثناعات زندگی هستند. اما به نظر من اصلا اینطور نیست. در واقع زمانهای آرامش، جزو استثناعات هستند. زندگی دقیقا از دست دادن پشت از دست دادن و ناملایمات پشت ناملایمات است. به جای صحبت های بی فایده، بهتر است با واقعیت رو به رو شویم. زمانی که از قبل می دانید باید انتظار وقوع چه چیزهایی را داشته باشید، کمتر از رویدادها آسیب می بینید و توانایی بهتری برای کنار آمدن با آنها و بهبود زخم هایتان خواهید داشت و زمانی که به خداوند و روند کائنات ایمان داشته باشید می توانید قدرت از دست رفته تان را به دست بیاورید.

خداوند!

به من کمک کن تا با این ناملایمات نجنگم بلکه آنها را بپذیرم و بتوانم از این طریق آرامش واقعی را در اعماق وجودم لمس کنم. آمین

یک تجربه متفاوت به نام اندوه

ممکن است تصور کنید بی فایده است که در مورد این حس غم انگیز با دیگران صحبت کنید زیرا هیچکس نمی تواند درک کند که شما واقعا چه زجری را تحمل می کنید. "دورا" که دخترش را از دست داده می گوید: "گاهی بعد از اینکه گرفتار چنین واقعه ای می شوید حس می کنید به یک زبان خارجی با دیگران صحبت می کنید و هیچکس قادر به درک شما نیست. تصور می کنید هیچ راهی وجود ندارد که کسی بتواند عمق درد شما را درک کند و در نهایت نتیجه می گیرید که با کسی در این مورد صحبت نکنید زیرا کلمات قادر به بیان احساس شما نیستند.

ممکن است تعداد کمی از اطرافیان شما یا حتی هیچکدام از آنها تا به حال چنین غمی را تجربه نکرده باشند اما به هر حال عکس العمل هر فرد در مواجهه با اندوه متفاوت است و پذیرش شما در این مورد نیز مختص خودتان می باشد.

صرفنظر از اینکه چه اتفاقی و چگونه برایتان رخ داده است، جای بسی خوشحالی است که اندوه بندگان خداوند، نزد مخلوقشان جایگاه ویژه ای دارد. خداوندی که شما، شخصیتان، روابط، تجربیات شخصی و اسرار زندگیتان را می داند پس به حجم

تحولات فرهنگی



یافته است. با این حال پاره‌ای از نظم و ترتیب‌ها با مشابهت در تاریخ فرهنگ‌ها وجود دارد. این مشابهت ناشی از این حرکت است که دگرگونی فرهنگی از سازگار شدن با محیط نتیجه می‌شود. فرآیندهای انطباقی مشابه در محیط‌های یکسان منجر به نظم و ترتیب‌هایی در سطح فرهنگ‌های مختلف می‌شود. برخی از جامعه‌شناسان مانند استیوارد این فرآیند سازگاری را بوم‌شناسی فرهنگی نامیده‌اند.

تراوش فرهنگی

در فرآیند تغییرات فرهنگی، پدیده دیگری به نام انتشار یا تراوش فرهنگی، دارای اهمیت فراوان است. دانشمندانی نظیر الیوت اسمیت و ویچیری معتقد بودند تراوش فرهنگی از آن جهت مهم است که گاهی به شکل تهاجم فرهنگی، اجزای فرهنگ ضعیف‌تر را در خود هضم و نابود می‌کند. به زبان ساده انتشار یعنی پخش شدن عناصر یا صفاتی از فرهنگی به فرهنگ دیگر. انتشار مبین جریان‌های یک سویه و غیرهم‌سطح از فرهنگ قوی‌تر به فرهنگ ضعیف‌تر است. البته برخی از انسان‌شناسان با این تعریف موافق نیستند. مالینوفسکی استدلال می‌کند که نمی‌توان انتشار را مورد مطالعه قرار داد مگر آن که مجموعه‌ای از صفات نظام‌های سازمان‌یافته و نهادها را به عنوان واحدهایی که انتشار می‌یابند، در نظر بگیریم. بر اساس این نظریه صفات یک فرهنگ به تنهایی از قابلیت انتشار کمی برخوردارند مگر آن‌که به شکل سازمان یافته در سازمانی مشابه از فرهنگی دیگر رسوخ یابند. پدیده انتشار به گسترش یافتن ابعاد از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر اطلاق می‌شود و از این رو نظریه تکامل را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. در نظریه تکامل بحث بر سر این است که فرهنگ خود به خود و به تدریج تکامل می‌یابد و به نقطه اوج خود می‌رسد، اما در نظریه انتشار، فرهنگ می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر

به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان، به‌طور کلی تغییرات فرهنگی هر جامعه به سه صورت تکامل تدریجی، تراوش فرهنگی و فرهنگ پذیری رخ می‌دهد.

تکامل تدریجی

موضوع تغییرات فرهنگی در جامعه‌شناسی، پیشینه پرفراز و نشیبی داشته است..... برخی انسان‌شناسان معاصر تکامل تدریجی را با دگرگونی برابر می‌دانند و معتقدند در عرصه فرهنگ، تکامل تدریجی همان دگرگونی فرهنگی است؛ در حالی که دیگران آن را به صورت رشد، پیشرفت و ترقی مطرح می‌کنند. برخی دانشمندان نیز تکامل تدریجی را به صورت پیشرفت تراکمی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی مطرح کرده‌اند. براساس آنچه ذکر شد، هر چند تکامل فرهنگی با تغییر فرهنگی متفاوت است، اما برخی این دو مفهوم را یکسان انگاشته‌اند. چنانچه دگرگونی فرهنگی را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بپذیریم، تکامل فرهنگی مدلی از دگرگونی است که انسان‌ها به صورت طبیعی در جهت رشد فرهنگی آن را پشت سر می‌گذارند. حرکت در جهت ارتقای فرهنگی و تبدیل مدل فرهنگی موجود به یک مدل فرهنگی برتر از ویژگی‌های طبیعی جوامع انسانی است. این تحول تدریجی که یکی از ویژگی‌های طبیعی حیات اجتماعی است از سایر نهادهای اجتماعی نیز متأثر است که در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. از آن جهت که فرهنگ هر جامعه همواره مجموعه‌ای مرکب است، تکامل فرهنگی نیز همیشه شامل دگرگونی‌های چند سویه‌ای است که برآیند آن‌ها در جهت ارتقای فرهنگی خواهد بود. تکامل چند جهتی مصداق این امر است که نظم و ترتیبی در سطح فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد و در عین حال رد این نظر است که این نظم و ترتیب باید درهمه ی جوامع انسانی موجود باشد. فرهنگ در طول مسیرهای گوناگونی تکامل

فرهنگ پذیری می شوند. بر اساس نظریاتی که توسط دورونت و اسمیت ارائه شده است، فرهنگ پذیری می تواند به ادغام جنبه های دو فرهنگ در یکدیگر و پدید آمدن فرهنگی جدیدتر بیانجامد. بر این اساس فرهنگ پذیری انگاره ای از تغییر است که در آن درجه ای از همگرایی در دو فرهنگ به چشم می خورد. همگرایی مزبور ممکن است باعث تغییراتی در هر دو فرهنگ شود یا این که در یکی از آن ها دگرگونی عمده ای ایجاد کند. همگرایی در این جا به معنی این نیست که شباهت ها و تفاوت ها رجحان یافته اند بلکه تنها بدین معناست که دو فرهنگ بیش از زمانی که با هم در تماس نبوده اند به یکدیگر شبیه شده اند.

نهاد فرهنگ به عنوان نهادی اجتماعی با سایر نهادهای اجتماعی در تعاملی همه جانبه قرار دارد. پارسونز جامعه شناس آمریکایی، مدل ساختاری خود را در تحلیل عوامل مؤثر بر فرهنگ به عنوان نهاد اجتماعی ارائه کرده است. بر اساس نظریه وی در جامعه همواره چهار موضوع عمده وجود دارد که تأثیر آن ها بر یکدیگر حرکت کلی جامعه را شکل می دهد. انطباق با محیط و سازگاری جامعه با شرایط فیزیکی بر عهده نهاد اقتصاد است. حفظ اهداف کلان جامعه و وظیفه ی انطباق حرکت جامعه با اهداف بر عهده ی نهاد سیاست خواهد بود. یکپارچگی جامعه به ساختار امنیتی و مشروعیت نظام باز می گردد و نهاد امنیت، ملزم به حفظ آن است.



حفظ الگوهای کیفی نیز بر عهده ی نهاد فرهنگ خواهد بود. بنابراین چهار نهاد اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ در تعامل با یکدیگر موجب حرکت جامعه به سوی اهداف متعالی آن خواهند شد. ... از سوی دیگر این مدل بیان می کند که در جهت گیری کلی نظام فرهنگی، سه عامل اقتصاد، سیاست و امنیت تأثیر گذارند و ضعف هر یک از این سه عامل موجب انحراف فرهنگی خواهد شد. منبع: آشنایی با اصول برنامه ریزی و برنامه ریزی فرهنگی دکتر علی اکبر رضایی و همکاران

قرار گرفته، به شدت متزلزل شود. کُروپَر در مورد مفهوم تراوش در کتاب آنترپولوژی می نویسد: انتشار همیشه مستلزم تغییر در فرهنگ دریافت کننده است. نقشی که انتشار در فرهنگ انسان ایفا می کند به طرز حیرت آوری تعیین کننده است. برخی از جامعه شناسان ادعا کرده اند که نود درصد فرهنگ های شناخته شده حاصل انتشار بوده است. به هر حال صرف نظر از این اعداد و ارقام آنچه مشخص است آن است که انتشار انگاره ای مهم در دگرگونی فرهنگی است که می تواند عمیق ترین تغییرات را در پی داشته باشد. برخی از دانشمندان نظیر مالدینوفسکی معتقدند برخورد با یک فرهنگ، فرهنگ جدیدی را پدید می آورد. به اعتقاد آن ها این برخورد حتی در سیر شکل گیری تمدن ها تأثیرگذار است. در روند انتشار هر فرهنگی، عوامل بازدارنده و تأثیرگذار فراوانی مطرح هستند که نقش شان در تعیین دامنه انتشار نیز اهمیت زیادی دارد. صرف نظر از عوامل متعددی که موجب پذیرش انتشار می شوند، این پدیده را می توان حاصل نابرابری سطوح فرهنگی در دو سوی معادله دانست. عدم پاسخ گویی فرهنگ به نیازهای اساسی و مطالبات روز جامعه مطمئناً می تواند موجب پدید آمدن خلأ فرهنگی ای شود که خود زمینه ساز پذیرش و اعتقاد به تئوری تراوش است.

فرهنگ پذیری

پدیده سوم در بحث تغییرات فرهنگی، تئوری فرهنگ پذیری است. فرهنگ پذیری به تأثیر اعمال شده یک فرهنگ در فرهنگ دیگر یا تأثیر متقابل آن دو فرهنگ بر یکدیگر اطلاق می شود، به طوری که دگرگونی حاصل شود. مفهوم فرهنگ پذیری برخلاف انتشار رابطه ای هم سطح و دو سویه است. هر چند این تأثیر ممکن است یک طرفه یا دوطرفه باشد ولی در این پدیده، سطوح مساوی فرهنگ ها موجب ایجاد رابطه ای برابر خواهد شد. همان گونه که انتشار، در نظر تمامی انسان شناسان تعریف یکسانی ندارد، هیچ تعریفی نیز در مورد فرهنگ پذیری قادر به جلب رضایت همه آن ها نیست. برخی دیگر از انسان شناسان مانند ردفیل و هرسکوتیس معتقدند فرهنگ پذیری دربرگیرنده پدیده هایی است که بر اثر تماس مستقیم و مداوم گروه هایی از افراد که دارای فرهنگ های مختلف هستند، موجب تغییر در انگاره های اصلی فرهنگی یکی از آن ها یا هر دوی آن ها می شود. فرهنگ پذیری، فرآیندی از دگرگونی است که طی آن دو فرهنگ به همگرایی بیش تر دست می یابند و این همگرایی ماحصل تماس آن هاست. این ارتباط می تواند به صورت گوناگون میسر شود. پدیده فرهنگ پذیری که به صورتی ساده تر می توان آن را نوعی تعامل فرهنگی دانست، حاصل تماس های مکرر دو فرهنگ با یکدیگر است. این وضعیت که فرآیندی داوطلبانه است، موجب برخوردی گزینشی می شود که طی آن برخی صفات یک فرهنگ، مشمول



حامیان این شماره از ماهنامه جلا
(نیاز اندیشه روز)

پایگاه اطلاع رسانی فکر ورزی به آدرس Fekrvarzi.ir و کارگاه تجربی برنامه ریزی
فرهنگی می باشند.



راه های ارتباط با ما:

اینستاگرام:

@fekrvarzi

@fardroo

@jalamonthly

یوتیوب:

fekrvarzi.ir

در این شماره می توانید این مطالب را مطالعه نمایید:

- بحران های در حال ظهور
- مشکلات خود ساخته کدامند؟
- اهمیت مسائل اجتماعی
- رضامندی عمومی
- شاخص های قلمرو رضامندی
- شرایط محیطی
- مشکلات اجتماعی
- ده مشکل بزرگ جهان
- مسائل اساسی جامعه ایران
- مشکل فرهنگی ما ، ضعف گفت و گو است
- فرهنگ ها و رفتارهای جمع گرایانه و فرد گرایانه
- موانع تصمیم گیری موثر
- فن آوری منشا خیر است یا شر؟
- نیاز به اطلاعات تجاری
- نگاهی به کتاب محیط و رفتار اجتماعی
- کتاب محیط و رفتار اجتماعی